



معصومه آل محمد ﷺ

زندگی نامه

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

غلامعلی صفایی بوشهری

سرشناسه: صفائی، غلامعلی، ۱۳۳۸ -

عنوان و نام پدیدآور: معصومه آل محمد صلی الله علیه و اله: زندگی نامه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام / نویسنده غلامعلی صفایی بوشهری؛ نظارت علمی: جواد محدثی؛ نمونه خوانی و ویرایش: سیدعباس حسینی باقرآبادی، ابوالفضل صبرعلیلو، محمدابراهیم احمدی، محمدامین غلامی.

مشخصات نشر: قم: آستانه مقدسه قم، انتشارات زائر، ۱۴۰۱. مشخصات ظاهری: ۱۷۷ ص. شابک: ۳-۵۸۲-۱۸۰-۹۶۴-۹۷۸ وضعیت فهرست نویسی: فیا یادداشت: کتابنامه.

عنوان دیگر: زندگی نامه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام. موضوع: معصومه (س) بنت موسی کاظم (ع)، - ۲۵۱ ق. شناسه افزوده: محدثی، جواد، ۱۳۳۱ - شناسه افزوده: حسینی باقرآبادی، سیدعباس، ۱۳۵۸ - صبرعلیلو، ابوالفضل رده بندی کنگره: BP۵۲/۲ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۷۶ شماره کتابشناسی ملی: ۸۹۷۵۳۷۲



معصومه آل محمد ﷺ (زندگی نامه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام)

تألیف: غلامعلی صفایی بوشهری

نظارت علمی: جواد محدثی

نمونه خوانی و ویرایش: محمد ابراهیم احمدی، محمدامین غلامی،

سیدعباس حسینی باقرآبادی، ابوالفضل صبرعلیلو

طرح جلد: حسن کریمی

انتشارات: نشر زائر آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

نوبت و سال چاپ: دوم / ۱۴۰۳

شمارگان: ۱۰۰۰

شابک: ۳-۵۸۲-۱۸۰-۹۶۴-۹۷۸

دفتر مرکزی: قم، آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه علیها السلام مرکز آفرینش های فرهنگی هنری فاطمی، انتشارات زائر

تلفن تماس: ۰۲۵۳۷۱۷۵۸۸۶ همراه: ۰۹۹۳۷۶۹۶۴۶۹

نمایشگاه دائمی کتاب: قم، حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام، ورودی صحن حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه)

تلفن نمایشگاه دائمی کتاب: ۰۲۵۳۷۱۷۵۳۶۱ تلفن مرکز پخش: ۰۲۵۳۷۱۱۹۱۷۳

حق چاپ محفوظ است

فهرست

طلیعه.....	۹
مقدمه.....	۱۱

فصل اول: زندگی نامه

تولد، القاب و جایگاه.....	۱۶
اوضاع سیاسی و اجتماعی معاصر.....	۲۱
حضرت معصومه علیها السلام و دفاع از حریم اسلام.....	۲۴
۱. علمی و فرهنگی.....	۲۴
۲. اقتصادی.....	۲۵
۳. سیاسی.....	۲۶
فضایل و ویژگی ها.....	۳۱
پرتوی از حضرت فاطمه زهرا علیها السلام	۳۲
علت عدم ازدواج.....	۳۳
هجرت و رحلت.....	۳۵
آستان آسمانی.....	۳۹
تأثیرات سیاسی و فرهنگی هجرت در تحولات تاریخ اسلام و ایران.....	۴۵
الف) سیاسی.....	۴۵
ب) فرهنگی.....	۴۹
قم کانون جهاد و اجتهاد.....	۵۰

فصل دوم: خاندان

شجره طوبی.....	۵۶
۱. پدر.....	۵۷
۲. مادر.....	۶۲
۳. برادران و خواهران.....	۶۶

فصل سوم: حضرت معصومه علیها السلام در کلام ائمه علیهم السلام و بزرگان

- الف. کلام امامان علیهم السلام ۷۴
۱. امام صادق علیه السلام ۷۴
 ۲. امام کاظم علیه السلام ۷۶
 ۳. امام رضا علیه السلام ۷۶
 ۴. امام جواد علیه السلام ۷۷
- ب. سخن بزرگان ۷۸
- الف) نثر ۷۸
۱. مَلّا صدرا رحمته الله علیه (۹۷۹-۱۰۴۵ق) ۷۸
 ۲. آیت الله العظمی اراکی رحمته الله علیه (۱۲۷۳-۱۳۷۳ق) ۷۸
 ۳. علامه سید جعفر مرتضی عاملی رحمته الله علیه (۱۳۶۴-۱۴۴۱ق) ۷۹
 ۴. حاج شیخ عباس قمی رحمته الله علیه (۱۲۹۴-۱۳۵۹ق) ۸۰
 ۵. محمد تقی سپهر رحمته الله علیه (۱۲۱۶-۱۲۹۷ق) ۸۰
 ۶. علامه محمد تقی شوشتری رحمته الله علیه (۱۲۸۱-۱۳۷۴ش) ۸۰
- ب) شعر ۸۱
۱. امام خمینی رحمته الله علیه (۱۲۸۱-۱۳۶۸ش) ۸۱
 ۲. آیت الله العظمی حاج شیخ محمد علی اراکی رحمته الله علیه ۸۲
- الف) محرم اسرار حق ۸۲
- ب) سرّ الإله ۸۲
۳. آیت الله العظمی حاج شیخ علی صافی گلپایگانی رحمته الله علیه (۱۲۹۱-۱۳۸۸ش) ۸۳
 ۴. مَلّا عبدالرزاق فیاض لاهیجی رحمته الله علیه (متوفای ۱۰۷۲ق) ۸۳
 ۵. فتحعلی خان کاشانی رحمته الله علیه (۱۱۷۹-۱۲۳۸ق) ۸۴
 ۶. میرزا محمد صادق پروانه ناطق رحمته الله علیه (م ۱۲۳۵ق) ۸۵

فصل چهارم: احادیث (پرتوی از ولایت)

۱. حدیث «ولایت» و «منزلت» ۸۸
۲. حدیث «حُبّ آل محمد» ۸۹
۳. حدیث «معراج» ۹۰

فصل پنجم: اوصاف و القاب

۱. معصومه ۹۵
۲. شفیعہ ۹۷
- حکایت ۱۰۰

۱۰۰.....	۳. بنت الولی
۱۰۲.....	۴. أُخْتُ الولی
۱۰۲.....	الف) نَسَبی
۱۰۳.....	ب) وصفی
۱۰۳.....	۵. أُخْتُ الرِّضَا
۱۰۵.....	۶. عَمَّةُ الولی
۱۰۶.....	۷. بنت العصمة
۱۰۷.....	۸. عظیمۃ الشَّأن
۱۰۸.....	۹. کریمه اهل بیت علیهم السلام
۱۱۱.....	۱۰. عالمه
۱۱۳.....	۱۱. محدِّثه
۱۱۴.....	۱۲. طاهره
۱۱۵.....	۱۳. حمیده
۱۱۶.....	۱۴. بَرَّه
۱۱۹.....	۱۵. رشیده
۱۲۰.....	۱۶. تَقِیَّه
۱۲۱.....	۱۷. مرضیه
۱۲۲.....	۱۸. رَضِیَّه
۱۲۴.....	۱۹. نَقِیَّه
۱۲۵.....	۲۰. عابده

فصل ششم: مسیر هجرت

۱۳۱.....	مسیرهای اصلی
۱۳۴.....	با کاروان نور
۱۳۴.....	الف) برادران
۱۳۵.....	ب) خواهران
۱۳۵.....	ج) نوادگان امام کاظم علیه السلام
۱۳۵.....	د) دیگران

فصل هفتم: کرامات

۱۳۸.....	کرامت و تفاوت آن با معجزه
۱۴۰.....	پرتوی از کرامت
۱۴۰.....	۱. عنایت به زوَّار

۲. حمایت از حوزه علمیه ۱۴۱
۳. عنایت به گرسنگان ۱۴۳
۴. شفای خادم حرم ۱۴۳
۵. شفای غریب ۱۴۴
۶. درمان دردها ۱۴۵
۷. دارالشفاء ۱۴۶
۸. شفاعت حضرت معصومه علیها السلام و عنایت امام رضا علیه السلام ۱۴۷
۹. نجات از سیل ویرانگر ۱۴۸
۱۰. احیای جنین ۱۴۸

فصل هشتم: ثواب زیارت

- پاداش زیارت ۱۵۲
- رهاورد زیارت ۱۵۳
- زیارت نامه ۱۵۶
- زیارت نامه مشهور ۱۵۶
- زیارت نامه غیر مشهور اول ۱۵۹
- زیارت نامه غیر مشهور دوم ۱۶۱
- نقشه مسیر هجرت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به قم ۱۶۳
- منابع و مأخذ ۱۶۵

طلیعه

نقش زن در طول تاریخ بشریت، در ساخت جامعه و تمدن بشری بی بدیل است. بی شک تاریخ، فرهنگ و تمدن بشری، تکوین، گسترش و تکامل خود را مرهون حضور پررنگ و نقش آفرین بسیاری از زنان بوده است.

همواره تاریخ بشری در کنار مردان نقش آفرین، زنان تاریخ ساز را نیز به همراه خود داشته و در حافظه خود ثبت کرده است؛ ابراهیم با ساره و هاجر رسالت آسمانی اش را به سرانجام رساند و پیامبر اکرم با خدیجه و علی با فاطمه زهرا و حسین با زینب کبری علیها السلام پیام عاشورا را در تاریخ ماندگار کرد. قرآن کریم نیز همواره در کنار مردان باایمان از زنان باایمان سخن می گوید. وجود و حضور و شخصیت زن چنان تأثیر بالایی در جامعه بشری دارد که خداوند متعال همان گونه که در آخرین کتاب آسمانی اش از پیامبران الهی به عنوان اسوه و الگو یاد کرده است، «مریم» و «آسیه» - زن فرعون - را نیز به خاطر شخصیت بی نظیرشان، اسوه و نمونه ای برای همه زنان و مردان در طول تاریخ معرفی می کند.

با توجه به جایگاه والای زن در تعالی و پیشرفت جامعه بشری، از همان ابتدای آفرینش انسان، یکی از برنامه های دائمی شیطان آن بوده که زن را به افول بکشاند و او را از جایگاه الهی و خدادادی خود دور نماید؛ چراکه همان گونه که تعالی زن به تعالی جامعه می انجامد، سقوط زن نیز یکی از عوامل اصلی هلاکت و سقوط جامعه بشری است. از این رو شیاطین، همواره به دنبال آن بوده اند تا به اسم آزادی، زن را در اسارت شهوات نگه دارند تا او را ابزار دست خود گردانند.

بر این اساس معرفی چهره تابناک زنان تمدن ساز و پرداختن به زندگی و شخصیت زنان تاریخ ساز از اهمیتی دو چندان برخوردار است. حضرت فاطمه معصومه علیها السلام یکی از بزرگ زنان تاریخ بشر است. بانویی که آوازه شخصیت و بزرگی اش در تاریخ ماند و تأثیر

هجرت تاریخی ایشان همچنان ادامه دارد. بدون شک پرداختن به زندگی چنین شخصیت کم نظیری نه تنها برای زنان و دختران بلکه برای همگان سودمند و تأثیرگذار خواهد بود. با وجود آثار گوناگونی که در مورد آن حضرت نگاشته شده است، همچنان ابعاد گوناگون شخصیتی حضرت نیازمند تبیین است تا با پرداختن متخصصان به زندگی و معرفی ایشان به دختران و زنان جامعه، شخصیت والای معنوی، معرفتی و علمی ایشان را به شایستگی برای مخاطبان به تصویر بکشند و الگوی مناسبی برای جامعه معرفی نمایند. اثر ارزشمند «معصومه آل محمد ﷺ» یکی از آثار است که با سفارش پژوهشکده آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و با قلم عالمانه و زحمات فراوان استاد غلامعلی صفایی بوشهری نگارش یافت و با تلاش جمعی از پژوهشگران آماده انتشار شد.

از نویسندگان فرزانه و فرهیخته این اثر که زحمت نگارش را برعهده گرفتند و نیز از همه پژوهشگران و کارشناسان پژوهشکده آستان مقدس و حجج اسلام آقایان جواد محدثی، محمدابراهیم احمدی، سید عباس حسینی باقرآبادی، ابوالفضل صبرعلی لو و محمدامین غلامی که در مراحل مختلف نظارت علمی، تصحیح و بازبینی، ویرایش و نمونه خوانی این اثر زحمات فراوانی کشیده اند، همچنین آقایان سید قاسم سیدیان، وهب محبی اصل و حسن کریمی که طراحی، صفحه آرایی، اعمال اصلاحات و طراحی جلد را برعهده داشتند کمال سپاسگزاری را داریم.

خداوند را سپاسگزاریم که نعمت خادمی اهل بیت علیهم السلام و نشر معارف ایشان را بر ما ارزانی داشت و ما را رهرو این خاندان مقدس قرار داد. امید است که این اثر مورد توجه عموم مخاطبان عزیز قرار گیرد.

پژوهشکده آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

مقدمه

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ سَيِّمًا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ.

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ﴾؛^۱

«همانا کسانی که ایمان آورده و کارهایشان شایسته است، آنان همان

بهترین انسان‌ها می‌باشند.»

تاریخ پرفراز و نشیب زندگی خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، مایه‌ی بصیرت، نجات و کمال انسان است و بررسی و پژوهش تاریخی پیرامون حیات آنان، می‌تواند برای انسان درسنامه‌ای گرانبه‌ای جهت کشف حقایق پیشین و عبرت و تجربه‌ای راهگشا برای زندگی موفقیت آمیز و صحیح در حال و آینده باشد.

﴿لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِأُولِي الْأَلْبَابِ﴾؛^۲

«بی‌تردید در داستان ایشان برای خردمندان پند و عبرتی است.»

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در یکی از سخت‌ترین و پیچیده‌ترین برهه‌های تاریخ

۱. سوره بینه (۹۸)، آیه: ۷.

۲. سوره یوسف (۱۲)، آیه: ۱۱۱.

اسلام می زیست و عملکرد و موضع های آن حضرت از معرفت، ولایت مداری و مجاهدت آن بزرگ بانو، نشأت می گیرد، که می تواند برنامه و درسی آموزنده برای ساختار سازی شخصیت انسان در زمان معاصر باشد.

اینجانب دعوت آستان مقدس کریمه اهل بیت ﷺ برای نگارش تاریخ حیات آن حضرت را برای خود توفیق دانسته، لذا به پژوهش، تحقیق و پردازش این تاریخ نامه پرداختم و با اعتراف به نواقص علمی و کاستی توان تبیین خویش، هم اینک این نوشتار به محضر مبارک مخاطبان گرانقدر تقدیم می شود.

این کتاب در هشت فصل: ۱. زندگی نامه، ۲. خاندان، ۳. حضرت معصومه ﷺ در کلام معصومان ﷺ و بزرگان، ۴. احادیث، ۵. اوصاف و القاب، ۶. مسیر هجرت، ۷. کرامات، ۸. ثواب زیارت حضرت فاطمه معصومه ﷺ، تألیف شده است.

شایان ذکر است که این کتاب در اندیشه تبیین مستند شخصیت آسمانی حضرت فاطمه معصومه ﷺ بدون ورود به مسائل اختلافی، مانند: زمان تولد و رحلت آن حضرت و یا احادیث منتسب به آن بزرگ بانو می باشد و در این باره کتاب های بسیاری به صورت کتاب حقیقی و نرم افزارهای کتابخانه ای بررسی شد و استفاده گردیده است.

در پایان از بزرگان و فضایی که در تدوین این کتاب عنایت نموده و بر صحت و غنای آن افزودند مانند: حضرات حجج الاسلام والمسلمین محدّثی، صبرعلیلو، حسینی باقرآبادی، احمدی، غلامی و جمالی و به ویژه استاد قاسمی تشکر و قدردانی می نمایم.

امید است که این اثر، مقبول درگاه خداوند قرار گیرد و مرضی حضرت معصومه ﷺ افتد و از سر رحمت، خطاها بخشیده گردد و مایه توجه آن ذات مقدس و حسن صواب آخرت گردد.

﴿يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَّا الضُّرَّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ﴾؛

«ای عزیز، ما و خاندانمان گرفتار سختی و مشقات گردیده ایم، با

متاعی ناچیز به بارگاه شما مشرف شده ایم پس قسمت ما را افزون دار و بر مالطف و عنایت نما؛ زیرا خداوند به صدقه دهندگان پاداش خیرمی دهد.»

«شدم به پیش تو شرمنده بضاعت خویش گدا چه دارد که تقدیم پادشاه کند»

باران بی پایان رحمت الهی بر پیامبر الهی ﷺ و خاندان و عترت پاک آن حضرت، به ویژه کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام باد.

﴿رَحِمْتُ اللَّهَ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ﴾؛

«رحمت و برکات خداوند بر شما اهل بیت باد. بی تردید خداوند، ستوده صفات، بزرگوار و بخشنده است.»

«هزار مرتبه شویم دهان به مشک و گلاب هنوز نام تو بردن، کمال بی ادبی است»

وَالسَّلَامُ عَلَيْهَا يَوْمَ وُلِدَتْ وَيَوْمَ اسْتُشْهِدَتْ وَيَوْمَ تُبْعَثُ حَيًّا

صفایی بوشهری

بوشهر ۱۴۰۰ ش.

فصل اول

زندگی نامه

تولد، القاب و جایگاه

﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا﴾^۱

«آیا ملاحظه نکرده‌ای که خداوند کلمه و وجود پاک را به درخت پاک و زیبا مثل زده است که اصل و ریشه آن، استوار و پابرجاست و شاخه آن آسمان را فرا گرفته است و هرگاه که خدا بخواهد، ثمرات گوارا می‌دهد.»

نام مبارک حضرت معصومه علیها السلام «فاطمه کبری» است. پدر بزرگوارش حضرت «موسی بن جعفر» علیهما السلام امام هفتم شیعیان جهان بوده و مادر عالی مقامش حضرت «تکتم» ملقب به «نجمه» علیها السلام می‌باشد.^۲

برخی از تاریخ نویسان چنین نگاشته‌اند که آن حضرت در اوّل ذی‌قعدة سال ۱۷۳ ق در مدینه به دنیا آمده است.^۳ آفتاب وجودش بیت شرافت و امامت را نوری افزون بخشید و با میلاد مبارکش در آسمان عصمت و رسالت، ستاره‌ای بس فروزان و بی‌غروب طلوع نمود. دختری والا مقام از تبار ابراهیم خلیل الرحمان و اسماعیل ذبیح‌الله علیهما السلام و از نسل مبارک و

۱. سوره ابراهیم (۱۴)، آیات: ۲۴ و ۲۵.

۲. کشف الغمّة، ج ۳، ص ۱۴۹ و ۱۵۰؛ عیون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۴ و ۱۵؛ إعلام الوری، ص ۳۱۳؛ دلائل الإمامة، ص ۳۰۹.

۳. تولّد آن حضرت در اوّل ذی‌قعدة سال ۱۷۳ ق و رحلت ایشان در دهم ربیع الثانی سال ۲۰۱ ق محتمل بوده و هم‌اینک مرسوم و مشهور است. رك: بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۲۹۰؛ ریاحین الشریعة، ج ۵، ص ۳۱-۳۶؛ تاریخ قم، ص ۲۱۳ حیاة الست، ص ۷۰۶؛ أعلام النساء المؤمنات، ص ۵۷۶؛ مقاله «تاریخ ولادت و وفات حضرت معصومه علیها السلام».

نورانی حضرت محمد ﷺ و امیرمؤمنان امام علی بن ابی طالب علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام، تولد یافت که بر تاریخ آینده ی اسلام تأثیر بسیاری گذاشت.

نقل شده است که امام موسی بن جعفر علیه السلام در شأن و منزلت ایشان فرموده است:

«قَدْ أَهَأ أَبُوهَا»^۱

«پدرش به فدایش باد.»

همان طور که پیامبر اکرم ﷺ نیز این عبارت را درباره ی حضرت فاطمه علیها السلام بارها بیان نمود.^۲

امام صادق علیه السلام پیش از آن که آن حضرت متولد شود، درباره مقام و جایگاه ارزشمند ایشان فرمود:

«إِنَّ لِلَّهِ حَرَمًا وَهُوَ مَكَّةُ أَلَا إِنَّ لِرَسُولِ اللَّهِ حَرَمًا وَهُوَ الْمَدِينَةُ أَلَا وَإِنَّ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَرَمًا وَهُوَ الْكُوفَةُ أَلَا وَإِنَّ قَمَّ الْكُوفَةِ الصَّغِيرَةَ أَلَا إِنَّ لِلْجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ ثَلَاثَةٌ مِنْهَا إِلَى قَمِّ تُقْبَضُ فِيهَا امْرَأَةٌ مِنْ وَلَدِي اسْمُهَا فَاطِمَةُ بِنْتُ مُوسَى وَتُدْخَلُ بِشَفَاعَتِهَا شِيعَتِي الْجَنَّةَ بِأَجْمَعِهِمْ»^۳

«آگاه باشید که همانا برای خداوند حرمی است و آن مکه می باشد و بدانید که برای پیامبر خدا حرمی است و آن مدینه است و همانا برای امیرمؤمنان حرمی است و آن کوفه می باشد. آگاه باشید که قم، کوفه کوچک است. بدانید که برای بهشت هشت، درب است که سه تایی آنها به سوی قم باز می شود. در آنجا بانویی از فرزندانم وفات می یابد، نام وی «فاطمه دختر موسی» است. تمامی شیعیان من به شفاعت وی وارد بهشت می شوند.»

۱. کریمه اهل بیت علیهم السلام، ص ۱۷۱ به نقل از: ابن عرندس در کتاب «کشف اللثالی»؛ کریمه اهل بیت فاطمه بنت الإمام کاظم علیهم السلام، ص ۷۳ به نقل از: حضرت آیت الله العظمی بهجت رحمة الله علیه.

۲. بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۲۰.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۲۲۸.

امام رضا علیها السلام در ثواب زیارت آن کریمه ی اهل بیت علیها السلام فرموده است:

«مَنْ زَارَهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ»^۱

«هر کسی او (حضرت معصومه علیها السلام) را زیارت کند، پاداش وی بهشت

است.»

و امام جواد علیها السلام نیز فرموده است:

«مَنْ زَارَ قَبْرَ عَمَّتِي يَقُمَّ فَلَهُ الْجَنَّةُ»^۲

«هر فردی مرقد عمه ام را در قم زیارت کند، بهشت پاداش اوست.»

همان طوری که ثواب زیارت معصومین علیهم السلام مانند پیامبر گرامی اسلام ﷺ و امام کاظم و امام رضا علیهما السلام نیز بهشت برین است.

«عبدالرحمن بن ابی نجران» می گوید:

«سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ زَارِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَاصِدًا؛ قَالَ: لَهُ

الْجَنَّةُ وَمَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلَهُ الْجَنَّةُ»^۳

«سؤال کردم از حضرت جواد علیها السلام از پاداش کسی که به زیارت پیامبر

خدا ﷺ می رود؛ فرمود: پاداش وی بهشت است و کسی که قبر امام

موسی بن جعفر علیها السلام را زیارت کند، ثواب آن نیز بهشت است.»

۱. عیون أخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۶۷؛ کامل الزیارات، ص ۳۲۴. همچنین در برخی از کتب از امام علی بن موسی الرضا علیها السلام نقل شده است: «مَنْ زَارَ الْمَعْصُومَةَ يَقُمَّ كَمَنْ زَارَنِي» «هر که حضرت معصومه علیها السلام را در قم زیارت کند، گویا مرا زیارت کرده است.» ناسخ التواریخ، ج ۳، ص ۶۴؛ ریاحین الشریعة، ج ۵، ص ۳۵؛ أنوار المشعشعین، ج ۲، ص ۲۸۱.

۲. کامل الزیارات، ص ۳۲۴.

۳. بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۵؛ کامل الزیارات، ص ۲۹۹ و ۳۰۰.

امام جواد علیه السلام درباره ثواب زیارت مرقد مطهر امام رضا علیه السلام، به علی بن مهزیار، بیان داشته است:

«فَلَهُ الْجَنَّةُ وَاللَّهُ!»

«به خدا سوگند، بهشت بر او واجب است».

ثواب و آثار زیارت حضرت معصومه علیه السلام در این روایات، همان طور که ملاحظه گردید، دارای چند ویژگی است:

۱. مایه شفاعت آن حضرت به طور ویژه از زائرش.
 ۲. هم ترازى ثواب آن با زیارت معصومین علیهم السلام.
 ۳. همانندی ثواب زیارت آن با زیارت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امام کاظم و امام رضا علیه السلام در پاداش «بهشت».
- این امور، نشان از عظمت وجودی آن بزرگ بانو دارد که زیارتش مایه شفاعت، نجات انسان در آخرت و کسب پاداشی بسان پاداش زیارت پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام است؛ بنابراین زیارت آن حضرت «انسان ساز»، «نجات بخش» و «کمال آفرین» است.

او نشیند در حضور اولیا	«هر که خواهد هم نشینی با خدا
در حقیقت گشته ای دور از خدا	چون شوی دور از حضور اولیا
جهد کن والله أعلم بالصواب»	تا توانی ز اولیا رو برمتاب

بی تردید وجود مبارک حضرات معصومین علیهم السلام و امامزادگان معظم، همچون حضرت معصومه علیه السلام گنج های عرش الهی هستند که نصیب جامعه انسانی گردیده اند تا در پرتو هدایت های آنان و پیروی از ایشان، راه نجات و طریق کمال یابند و در عرصه مودت، محبت و زیارت آن ذوات مقدسه، زاد و توشه الهی اندوزند.

۱. کامل الزیارات، ص ۳۰۶؛ ثواب الأعمال، ص ۹۸؛ المزار الکبیر، ص ۴۱.

«من که دارم در گدایی، گنج سلطانی به دست کی طمع در گردش گردون دون پرورکنم»

علامه «عبدالجلیل قزوینی رازی» از علمای قرن ششم در ارزش زیارت آن بزرگ بانو و توجه همگان از شیعه و سنی به بارگاه مطهر ایشان، چنین نگاشته اند:

«و اهل قم به زیارت فاطمه بنت موسی بن جعفر [روند] که ملوک و امرای عالم حنیفی و شفعوی^۱ به زیارت آن تربت تقرب نمایند.»^۲

حضرت معصومه علیها السلام معاصر با دوران امامت دو «امام» بود:

۱. امام کاظم علیها السلام (۱۴۸ - ۱۸۳ ق)

۲. امام رضا علیها السلام (۱۸۳ - ۲۰۳ ق)

حضرت معصومه علیها السلام ده سال اول عمر خود را در مکتب نورانی و در خانه عصمت الهی نزد پدر بزرگوارش پرورش و تربیت یافت و در این مدت اندک - که چند سال نیز آن امام در زندان به سر برد - درس ها و تجربه های بی شمار آموخت و از بوستان پرثمر علم و دانش آسمانی پدر، بهره های فراوان کسب نمود. شایان ذکر است که این دوره، یکی از تلخ ترین دوران تاریخ اسلام بود؛ زیرا حکومت غاصب عباسی (هارون الرشید) در نهایت قدرت و جنایت قرار داشت و خاندان پیامبر ﷺ در سخت ترین شرایط زندگی می کردند و حضرت معصومه علیها السلام شاهد این مظلومیت روزافزون و حبس ها و شکنجه های جانکاه پدر بزرگوارش امام کاظم علیها السلام و یاران وی بود.

آن حضرت در فراق پدر رنج ها کشید و اشک ها ریخت و در این باره صبر و استقامت فراوان نمود. با شهادت مظلومانه ی پدر (۱۸۳ ق) در کنار برادر ارجمند و عالی مقامش امام رضا علیها السلام قرار گرفت و در این دوران سخت هجده ساله، با تمام وجود از معدن عرشی علوم آن امام کسب فیض نمود و به هدایت دینی، خدمات مردمی و جهاد و دفاع و حمایت از حریم ولایت پرداخت.

۱. حنفی و شافعی.

۲. نقض، ص ۵۸۸.

اوضاع سیاسی و اجتماعی معاصر

حیات پرفراز و نشیب آن حضرت، مصادف با حاکمیت غاصبانه‌ی چند زمامدار عباسی

بود:

۱. هارون الرشید (۱۷۰-۱۹۳ق)

۲. امین، محمد بن هارون (۱۹۳-۱۹۸ق)

۳. مأمون، عبدالله بن هارون (۱۹۸-۲۱۸ق)

دوران زمامداری این سه خلیفه عباسی، یکی از سخت‌ترین، پیچیده‌ترین و عوام‌فریبانه‌ترین برهه‌های تاریخ اسلام است.

آنان با نام اسلام، به دنبال کسب و ازدیاد ثروت، حفظ و توسعه‌ی قدرت و خوش‌گذرانی و عیش و عشرت بودند و هرگز در اندیشه‌ی حفظ دین و ارتقای سطح فرهنگ اسلامی مردم، آفرینش تمدن، عدالت‌گستری و دفاع از حریم اسلام در مقابل تهاجم گسترده‌ی دشمنان نبودند.^۱

خلفای عباسی در این مقطع زمانی حساس، مرتکب اعمالی شدند که ضربات جبران‌ناپذیری بر پیکر اسلام وارد آورد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. تثبیت قدرت و خلافت ظالمانه‌ی خود و گسترش جغرافیای آن به هر قیمت؛^۲

۲. کنار گذاشتن خاندان پیامبر گرامی اسلام ﷺ در عرصه سیاست و ایجاد محدودیت‌های فوق‌العاده بر ایشان؛^۳

۳. چپاول بیت‌المال و حیف و میل بی‌حد و حصر آن؛^۴

۴. تجمل‌گرایی و خوش‌گذرانی‌های ابتدالی با تحمیل هزینه‌های سنگین بر مردم؛^۵

۵. اجرای پروژه ظلم، اختناق و جنایت بر جامعه‌ی عالمان و روشن‌ضمیران اسلامی، به‌ویژه شیعیان، و سرکوب و وحشیانه‌ی آنان؛^۶

۱. أعلام الهدایة، ج ۹، ص ۱۲۲ و ج ۱۰، ص ۱۱۷؛ موسوعة سیرة أهل البيت ﷺ، ج ۲۹، ص ۷۶ و ۸۶.

۲. العقد الفريد، ج ۲، ص ۱۸۰؛ الحیاة السیاسیة للإمام الرضا ﷺ، ص ۹۲.

۳. الکامل فی التاریخ، ج ۶، ص ۸۶؛ الکافی، ج ۵، ص ۲۲۵؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۰۴.

۴. الأغانی، ج ۵، ص ۱۲۵-۱۳۶؛ تاریخ الخلفاء، ص ۲۳۷؛ مروج الذهب، ج ۳، ص ۳۶۰؛ تجارب الأمم، ج ۴، ص ۱۷۱.

۵. أعلام الهدایة، ج ۱۰، ص ۵۱ و ۸۰ و ج ۹، ص ۱۲۲ و ۱۲۳.

۶. موسوعة سیرة أهل البيت ﷺ، ج ۲۹، ص ۲۴ و ۱۸۴.

۶. سکوت معنادار در برابر نفوذ فرهنگی بیگانگان و تضعیف مکتب اهل بیت علیهم السلام؛^۱
 ۷. زمینه سازی «تهاجم فرهنگی» و همسویی با عوامل خارجی و داخلی آن و حمایت از مکاتب فکری و فقهی انحرافی جهت مقابله با مکتب اهل بیت علیهم السلام؛^۲
 ۸. تطمیع و تقویت عالمان درباری و تحقیر و تضعیف عالمان متعهد؛^۳
 ۹. ظاهر سازی و عوام فریبی دینی برای توجیه اعمال ننگین و گناه آلود خود؛^۴
 ۱۰. رسمیت دادن به اعمال منافی اخلاق، مانند: میگساری و آوازه خوانی در دارالخلافه و جامعه؛^۵
 ۱۱. اجرای طرح تضعیف بنیه ی اقتصادی شیعیان و گسترش فقر و تنگدستی میان آنان؛^۶
 ۱۲. طراحی و اجرای فتنه های سیاسی و فرهنگی بر ضدّ خاندان پیامبر گرامی اسلام ﷺ و امامان شیعه علیهم السلام؛
- خلفای عباسی با اجرای این امور، مبانی اصیل اسلام و تمدن اسلامی را که به سختی به دست آمده بود، دچار اضمحلال تدریجی کردند.^۷
- حضرت معصومه علیها السلام در این دوران سخت، شاهد چالش ها و تخریب های جدی فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و همچنین سرکوب نهضت های اسلامی و قتل عام اسلام خواهان و زندانی شدن پیای پدر بزرگوار خود (امام موسی بن جعفر علیهم السلام) به بهانه های واهی بود.

۱. أعلام الهداية، ج ۱۰، ص ۷۲.

۲. تاریخ تمدن اسلام، ج ۳، ص ۲۱۶؛ أعلام الهداية، ج ۹، ص ۱۲۵؛ الملل والنحل، ج ۱، ص ۲۲۹؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۰۴.

۳. تاریخ الخلفاء، ص ۲۹۱؛ البداية و النهاية، ج ۱۰، ص ۱۸۱.

۴. تاریخ الخلفاء، ص ۲۳۳.

۵. تاریخ طبری، ج ۸، ص ۳۴۹؛ الحیاة السیاسیة للإمام الرضا علیهم السلام، ص ۱۲۷.

۶. أعلام الهداية، ج ۱۰، ص ۷۷؛ مروج الذهب، ج ۳، ص ۳۹۴؛ موسوعة سيرة أهل البيت علیهم السلام، ج ۲۹، ص ۲۷۰.

۷. الحیاة السیاسیة للإمام الرضا علیهم السلام، ص ۷۱؛ موسوعة سيرة أهل البيت علیهم السلام، ج ۲۹، ص ۲۷، ۱۶۰ و ۱۸۷.

آن امام را چند نوبت به زندان بردند و در آخرین بار بعد از شکنجه‌های فراوان به فرمان هارون الرشید، به دست یکی از دژخیمان حکومت عباسیان به نام «سندی بن شاهک» در تاریخ ۲۵ رجب (۱۸۳ق) مسموم و به شهادت رساندند.^۱ همچنین هارون (۱۴۵-۱۹۳ق) به شدت با علویان و شیعیان برخورد می‌کرد و با سفاکی تمام، بزرگان آنان را قلع و قمع می‌نمود.^۲

با آغاز امامت بیست ساله‌ی امام رضا علیه السلام، هرچند سیاست و شیوه‌ی عباسیان در مقابله با مقام امامت و شخصیت حضرت رضا علیه السلام به جهت آثار هدایت بخش شهادت امام کاظم علیه السلام؛ افشای ماهیت جنایت‌خواه و قدرت‌طلب عباسیان؛ بیداری جامعه‌ی اسلامی، بی‌نتیجه بودن مبارزه خشن و علاقه و ارادت مردم به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله در ظاهر تغییر کرد و به صورت نرم و سیاسی درآمد،^۳ ولی هدف آنان در هر دو حال، تثبیت قدرت، ازدیاد ثروت، عیش و نوش و کنار گذاشتن خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله بود.

حضرت معصومه علیها السلام در عمر گرانبهای خود (۲۸ سال)^۴، هر دو شیوه‌ی ظالمانه‌ی عباسیان را مشاهده کرد. ده سال در کنار پدر، ظلم‌ها، اختناق و سرکوب و هجده سال در محضر برادر بزرگوار خود امام رضا علیه السلام، تعرّضات سیاسی، فتنه‌های فرهنگی و تنگناهای فلج‌کننده‌ی اقتصادی بر جامعه‌ی اسلامی و شیعیان را، با قلبی پر از درد و سینه‌ای پرغم ملاحظه نمود.^۵

۱. مقاتل الطالبيين، ص ۳۳۵؛ منتهی الآمال، ج ۲، ص ۳۸۴؛ الإرشاد، ج ۲، ص ۲۳۳؛ الكامل في التاريخ، ج ۶، ص ۱۶۵؛

تاريخ يعقوبي، ج ۲، ص ۴۱۵؛ البداية و النهاية، ج ۱۰، ص ۱۸۳؛ تذكرة الخواص، ص ۳۱۴.

۲. عيون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۰۸.

۳. عيون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۴۵؛ بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۲۰۶.

۴. قول معتبر این است که: حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در ۲۸ سالگی رحلت کردند.

۵. أعلام الهداية، ج ۹، ص ۱۲۳ و ج ۱۰، ص ۷۱.

حضرت معصومه علیها السلام و دفاع از حریم اسلام

آن حضرت در این فضای پر از انحراف، انحطاط و اختناق به امور مهمی برای احیای اسلام ناب و دفاع در برابر تهاجم فرهنگی دشمنان و حفظ حریم ولایت و رفع گرفتاری همه جانبه ی مسلمین پرداخت، که به برخی از این امور اشاره می شود:

۱. علمی و فرهنگی

حضرت معصومه علیها السلام در مکتب امام کاظم و سپس امام رضا علیهما السلام تربیت علمی و فرهنگی یافت و از همان اوان نوجوانی فضل و دانش بسیاری کسب کرد؛ و «عالمه ی آل طه» در آن دوران گردید. وی همچون حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، پاسخگوی مسائل فرهنگی و علمی جامعه با بهره گیری از معدن لایتناهی علم معصوم علیها السلام بود.^۱

در آن دوران سخت بحران فرهنگی، تمامی مبانی اصیل اسلام توسط منحرفان داخلی و بیگانگان، مورد تهاجم و تخریب قرار گرفته بود.

مذاهب تحریف گر و برخاسته از کج اندیشی و نفسانیت، مانند: «واقفیه»، «فطحیه»، «مرجئه»، «اشاعره» و «معتزله» از درون سرزمین های اسلامی، و ادیان، مذاهب و مکاتب فکری بیگانه از خارج مرزها با حمایت دربار عباسی، اصل و عمق نهاد دین اسلام را نشانه گرفته، تهاجم فرهنگی گسترده ای را به اجرا درآورده بودند.^۲ در این فضای پر تنش و سخت، تنها نهاد آسمانی امامت و یاران عالم و فرزانه امام کاظم و امام رضا علیهما السلام بودند که با تمام توان در حفظ و حراست از حریم اسلام و جلوگیری از انحراف فرهنگی و ارائه اسلام ناب، تلاش وافر داشتند و موجب حفظ اسلام و گسترش آن گردیدند.^۳

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در این باره تلاشی تاریخی ایفا نمود. آن حضرت با طرح احادیث ولایت، امامت و رهبری خاندان پیامبر خدا ﷺ در جامعه ی آن روز، همواره به دفاع از حریم ولایت پرداخت، و تنها راه بازگشت به اسلام اصیل را «ولایت مداری» دانسته و آن را

۱. ر.ک: کریمه اهل بیت علیها السلام، ص ۱۷۱؛ کریمه اهل بیت فاطمه بنت الإمام کاظم علیها السلام، ص ۷۳.

۲. ر.ک: الإرشاد، ج ۲، ص ۲۱۳؛ أعلام الهدایة، ج ۱۰، ص ۷۲؛ آمالی، شیخ صدوق، ص ۴۲۱.

۳. موسوعة سيرة أهل البيت علیها السلام، ج ۲۸، ص ۱۴۶.

ترویج نمود و ریشه‌ی تمام انحرافات و تحریف اسلام اصیل را دوری از ولایت خاندان پیامبر خدا ﷺ اعلام داشته و با آن مقابله کرد و با هجرت ولایی خویش به حمایت از مقام امامت اقدام نمود.

۲. اقتصادی

دربار عباسیان با اخذ مالیات‌های گزاف از مردم، حیف و میل بیت‌المال و اجرای برنامه فلج‌سازی اقتصادی شیعیان، جامعه آن روز را دچار چالش‌های جدی و طاقت‌فرسای اقتصادی کرده و در نتیجه بحران مالی و فقر و فلاکت، سرزمین‌های اسلامی، به‌ویژه مناطق شیعه‌نشین را فرا گرفته بود. در مقابل، سران حکومت عباسی و درباریان و حامیان آنان، در پرتو چپاول بی‌حد و حساب بیت‌المال، در ناز و نعمت، رفاه و خوش‌گذرانی زندگی می‌کردند. دربار عباسیان کانون عیّاشی و فساد شده بود و اموال عمومی مسلمین صرف ساخت کاخ‌های متعدد، بزم‌های شبانه و آلوده و اعمال ننگین منافی اخلاق و خلاف شرع می‌شد. هارون الرشید دو هزار کنیز داشت که سیصد نفر از آنان مخصوص رقص و آواز بودند و به مناسبت‌های مختلف، هزاران دینار به آن منحرفان و آوازه‌خوانان هدیه می‌داد و تجمل‌گرایی و جشن‌های پرهزینه از اموال عمومی به‌طور مستمر و گسترده اجرا می‌گردید.^۱ لشکر جنایتکار عباسی به فرماندهی «عیسی بن یزید جلودی» که از دژخیمان آن حکومت بود، به فرمان هارون، هنگام قیام «محمد بن جعفر»^۲ (۳۰۲ ق) به مدینه حمله کرد و صحنه‌های رقت‌باری را ایجاد نمود. بعد از شکست آن قیام به تمامی خانه‌های شیعیان حمله کردند و همه‌ی دارایی‌ها، زیورآلات و حتی لباس‌های زنان را که بر تن داشتند به

۱. أعلام الهداية، ج ۹، ص ۱۲۳؛ موسوعة سيرة أهل البيت (عليه السلام)، ج ۲۹، ص ۶۶؛ الحياة السياسية للإمام الرضا (عليه السلام)، ص ۱۲۹. شایان ذکر است که خلفای عباسی، قصرهای بسیاری ساختند و بیت‌المال را خرج خوش‌گذرانی خود و اطرافیان نمودند. به عنوان مثال، هادی عباسی به خواننده مشهور آن دوره، (ابراهیم موصلی)، ۱۵۰ هزار دینار و هارون الرشید به وی، ۵۰ هزار دینار فقط به خاطر خوانندگی هدیه داد.

۲. او «محمد بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب (عليه السلام)» می‌باشد که در زمان خلافت هارون در مدینه قیام کرد. آن قیام توسط سپاه هارون به سرداری هارون بن مسیب در مکه و جلودی در مدینه سرکوب شد. ر.ک: عیون أخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۶۲؛ مقاتل الطالبیین، ص ۳۵۸؛ الإمامة والسياسة، ص ۳۰ و ۳۱.

یغما بردند. به خانه امام رضا علیه السلام نیز حمله کردند؛ امام، تمامی زنان را در اتاقی جمع کرد و «جلودی» را قسم داد که وارد نشود، ولی «جلودی» گفت: «دستور هارون را باید اجرا کنم». آن حضرت بارها وی را سوگند داد تا او پذیرفت و امام نیز همه زیورآلات و لباس زنان را به وی داد.^۱

در تاریخ نقل شده است که هارون به هنگام مرگ پیوسته می گفت: «وای از رسوایی من نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، وای بر کردار زشت من نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله». ^۲

در این دوره ی دردناک (بحران اقتصادی) امام کاظم و امام رضا علیهما السلام با برنامه های خاص اقتصادی به یاری هر چه تمام تر جامعه اسلامی و شیعیان پرداختند و با کمک یاران خویش از بروز فاجعه جانکاه انسانی پیشگیری کردند. حضرت معصومه علیها السلام نیز در این بیت کرامت و خدمت به سر می بردند و آن حضرت به جهت تجلیات کریمانه و لقبی که توسط امام معصوم علیه السلام به وی داده شد به «کریمه ی اهل بیت علیهم السلام» مشهور گردیده اند.^۳

۳. سیاسی

اوضاع سیاسی در زمان حیات حضرت معصومه علیها السلام شرایط ویژه و پیچیده ای داشت. اختناق شدید بر جامعه حاکم بود و خلفای غاصب عباسی، ظلم و ستم فراوان بر خاندان پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و جامعه شیعیان روا می داشتند و امام کاظم علیه السلام و بسیاری از یارانش را به زندان انداخته و زیر سخت ترین شکنجه ها قرار می دادند. برخی از یاران امام کاظم علیه السلام که از بزرگان جهان اسلام بودند، به فرمان ایشان پنهان شدند و برخی دیگر به نقاط دور دست هجرت کردند. حاکمان عباسی به قضات دستور داده بودند که به سود مخالفان شیعیان حکم دهند، هرچند حق با آنان باشد. مدح و ستایش اهل بیت علیهم السلام ممنوع شده و فرمان داده بودند که هر فرد شیعه ضامن فرد دیگر شیعی باشد، تا هر روز خود را به فرمانداری عباسیان معرفی کنند.^۴

۱. تحلیلی از زندگانی امام رضا علیه السلام، ص ۹۴؛ عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۶۱.

۲. الکامل فی التاریخ، ج ۵، ص ۳۵.

۳. قبسات، ص ۱۱۰.

۴. موسوعة سيرة أهل البيت علیهم السلام، ج ۲۹، ص ۱۸۷؛ الولاية والقضاة، ص ۱۹۸؛ الإمام الصادق علیه السلام و المذاهب الأربعة،

ج ۱، ص ۱۵۳؛ مقاتل الطالبیین، ص ۲۹۴؛ العقد الفريد، ج ۲، ص ۵۴؛ أعلام الهداية، ج ۹، ص ۱۲۴.

جوّ اختناق، سراسر سرزمین های اسلامی را فراگرفته بود. قیام «فَخّ»^۱ نیز به سرداری «حسین بن علی» (م ۱۶۹ق) - از نوادگان امام مجتبی (علیه السلام) - و یارانش به شدّت سرکوب شده بود و سرهای شهدای «فَخّ» به بغداد برای خلیفه عباسی به ارمغان فرستاده شد.^۲

هارون الرشید دستور انهدام بارگاه حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) را صادر کرد و دژخیمان جنایتکار عباسی آن بارگاه ملکوتی را با خاک یکسان کردند.^۳ سرکردگان منحرف حکومت عباسی چنان ظلم و ستم بر خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مردم مسلمان روا می داشتند که مردم در میان خود می گفتند: ای کاش! عباسیان هرگز به حکومت دست نمی یافتند. و این چنین آنان را نکوهش می کردند:

«يَا لَيْتَ جَوْرَ بَنِي مَرْوَانَ دَامَ لَنَا وَلَيْتَ عَدَلَ بَنِي الْعَبَّاسِ فِي الثَّارِ»^۴

«ای کاش ظلم و ستم بنی مروان برای ما ادامه می یافت و عدل [پوشالی و فریبکارانه] بنی عباس در آتش می سوخت.»

و در مقام مقایسه بین دو خاندان غاصب و ستمگر بنی امیه و بنی عباس، عباسیان را دارای ظلم و ستمی افزون و فریبکارانه می دانستند:

«وَاللّٰهُ مَا فَعَلْتَ بُنُوْ اُمَيَّةَ فِيْهِمْ مِّعْشَارًا مَا فَعَلْتَ بُنُوْ عَبَّاسٍ»

«به خدا قسم آنچه بنی عباس بر علویان ظلم کردند که بنی امیه یک دهم آن را هم انجام نداده بودند.»

۱. «فَخّ» مکانی در شش مایلی مکه است. «حسین بن علی بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب (علیه السلام)» در سال ۱۶۸ق در این مکان به همراه مردم ستمدیده مدینه، بر ضدّ ظلم و جور عباسیان قیام کردند که با سرکوب و جنایت پیشگی لشکر آنان روبرو شد. آن نهضت به «قیام فَخّ» معروف گردید. ر.ک: البداية والنهاية، ج ۱۰، ص ۱۵۸؛ مقاتل الطالبیین، ص ۲۸۹؛ سیمای تاریخ اسلام، ص ۱۸۵؛ أعلام الهداية، ج ۹، ص ۱۲۴؛ معجم البلدان، ج ۴، ص ۲۳۷.

۲. الكامل في التاريخ، ج ۶، ص ۹۱؛ تاریخ طبری، ج ۱۰، ص ۱۹۷؛ مروج الذهب، ج ۳، ص ۳۲۶.

۳. أعيان الشيعة، ج ۱، ص ۶۲۷؛ موسوعة سيرة أهل البيت (علیهم السلام)، ج ۲۱، ص ۸۴ و ۱۸۷؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۱۹؛ أعلام الهداية، ج ۹، ص ۱۲۴.

۴. الإمام الصادق (علیه السلام) و المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۱۵۳.

«عیسی بن زید بن علی بن حسین» (۱۰۹-۱۶۹ق) در بیان جنایات و خیانت های عباسیان چنین سروده است:

«إِلَى اللَّهِ أَشْكُو مَا نُلِقِي وَإِنَّا نُقْتَلُ ظُلْمًا جَهْرَةً وَخَافٌ
وَيَسْعُدُ أَقْوَامٌ بِحُبِّهِمْ لَنَا وَنُشْقَى بِهِمْ وَالْأَمْرُ فِيهِ خِلَافٌ»^۱

«به خداوند شکایت می برم از آنچه بر سرمان آمده است و کشته می شویم از روی ظلم و می ترسیم، در حالی که بنی عباس به خاطر محبت مردم به ما خوشبخت زندگی می کنند و ما سختی می کشیم و درست جریان کار ما معکوس است».

امام کاظم ﷺ با یک برنامه ویژه، به بیداری مردم و ارتقای سطح بصیرت آنان پرداخت و از نهضت «فَخَّ» حمایت پنهانی کرد. ستم، انحراف و اهداف شوم عباسیان را که در هاله ای از ظواهر دینی صورت می گرفت، افشا کرده و جامعه را به سمت اسلام ناب هدایت می نمود.

خاندان امام کاظم ﷺ - به ویژه امام رضا ﷺ و حضرت معصومه ﷺ - با تمام توان در خدمت حفظ حریم دین بوده و مانع از اضمحلال و سقوط آرمان ها و ارزش های اسلامی شدند و در این راه، سختی های جانکاه بسیاری متحمل گردیدند. اوج این فشارهای ظالمانه، حبس و سپس به شهادت رساندن امام کاظم ﷺ بود که باعث بهت و حیرت جامعه اسلامی و خیزش انقلابی شیعیان سرزمین های اسلامی گردید.^۲ در زمان حیات حضرت معصومه ﷺ چند نهضت و انقلاب بزرگ به طرفداری از علویان، جهان اسلام را در برگرفت؛ قیام هایی مانند:

قیام «أبو السرایا» (م ۲۰۰ق) در کوفه؛ «محمد بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین دیباج» (۱۳۳-۲۰۳ق) در مکه؛ «ابراهیم بن موسی الکاظم ﷺ» (م ۲۱۰ق) در یمن؛ «زید بن موسی الکاظم ﷺ» (م ۲۵۰ق) در اهواز و بصره؛ «محمد بن سلیمان بن داوود بن حسن بن حسین بن علی بن ابی طالب ﷺ» در مدینه؛ «جعفر بن محمد بن زید» در واسط،

۱. عمدة الطالب، ص ۳۲۰.

۲. أعلام الهداية، ج ۹، ص ۱۷۴؛ الحياة السياسية للإمام الرضا ﷺ، ص ۱۲۴؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۰۴.

قیام «محمد بن اسماعیل بن جعفر» (۱۲۸-۱۷۹ق) در مدائن؛ و بسیاری دیگر از اعتراضات و انتقادات توسط مردم و علما و بزرگان اسلام صورت گرفت که همه آنها، در نفی حاکمیت غاصبانه و ستمگرانه عباسیان و بازگشت حکومت به خاندان پیامبر ﷺ مشترک بودند و بر آن اتفاق نظر داشتند.^۱ دربار بنی عباس در مقابله با این نهضت‌ها، دست به جنایات هولناکی زد و به شدت تمام با قیام‌های اسلام خواهانه برخورد نمود.

حکومت عباسی که از بیداری مسلمانان، نهضت‌ها و قیام‌های شیعیان آگاه، نگران بقای حاکمیت خود شده بود، به سوی سیاست جلب رضایت مردم و متدینین، جلوه دادن اسلامی بودن خود و ایجاد فضای باز فرهنگی و سیاسی برای کنترل و مهار نهضت‌های اسلام خواه روی آورد. از سویی دیگر سردمداران و مزدوران آن حکومت با تمام توان، امام رضا (ع) را که کانون این بیداری، عدالت خواهی، ایمان و معنویت، علم و فرهنگ و دفاع از اساس اسلام بود، زیر نظر داشتند و شدیدترین محدودیت‌ها را به شکل پنهان به کار می بستند.^۲ در این میان حضرت معصومه (ع) در کنار برادر بزرگوار خود از حریم ولایت، همچون حضرت زهرا (ع) دفاع می کرد و به حقانیت مکتب اهل بیت (ع) و به افشای جنایت و ستم عباسیان می پرداخت.

«مأمون» (۱۷۰-۲۱۸ق) با شناخت اوضاع سیاسی جامعه و وجود نهضت‌های انقلابی، برای مهار و کنترل این امور و مراقبت نزدیک از امام (ع) برای توجیه خلافت خود، نخست دستور به هجرت اجباری امام به مرکز خلافت «مرو» داد و در گام و مرحله بعدی «ولایتعهدی» ایشان را اعلام کرد.^۳ حضرت امام رضا (ع) با مخالفت خود به حضور در مرکز خلافت و عدم پذیرش ولایتعهدی و اعلام اجباری بودن آن، دست به یک سری اقدامات افشاگرانه زد و از این فضای پیش آمده تحمیلی، نهایت استفاده را نموده و در عرصه‌های مختلف فرهنگی و سیاسی به بیان حقایق اسلام و ابطال اندیشه‌های بیگانگان و مکاتب مختلف و کج اندیشی منحرفان داخلی پرداخت و این تهدید بسیار خطرناک و حساب شده

۱. الحیاة السیاسیة للإمام الرضا (ع)، ص ۱۸۳؛ مروج الذهب، ج ۳، ص ۴۳۹؛ مقاتل الطالبیین، ص ۵۳۴.

۲. کشف الغمّة، ج ۳، ص ۱۳۰؛ الحیاة السیاسیة للإمام الرضا (ع)، ص ۱۶۴ و ۱۷۴، العقد الفرید، ج ۲، ص ۵۴.

۳. کشف الغمّة، ج ۳، ص ۱۰۹ و ۱۳۰؛ الإرشاد، ج ۲، ص ۲۵۰.

را به فرصتی تاریخی و جهانی برای احیای اسلام ناب محمدی ﷺ و مکتب اهل بیت علیهم السلام تبدیل نمود. آن امام، حقانیت فرهنگ و مکتب اهل بیت علیهم السلام را در مناظره‌های مختلف مانند مناظره با سران مسیحی، یهودی، زرتشتی و صائبی - که دربار عباسی آنها را آورده بود تا امام را شکست دهند- به اثبات رساند و آنها را به اعتراف و اذعان به عظمت مکتب اهل بیت علیهم السلام با منطق و برهان وادار کرد.^۱

در این دوران سخت و جانکاه، همواره حضرت معصومه علیها السلام با تمام وجود در کنار امام رضا علیهم السلام قرار داشت و حافظ حریم ولایت بود و با اطلاع از توطئه‌های دربار مأمون نسبت به آن امام، برای پاسداری از مقام امامت در سال ۲۰۱ ق از مدینه به سوی خراسان (مرو) حرکت کرد و در این هجرت ولایت‌مدارانه، عده‌ای از همراهان آن حضرت در منطقه «ساوه» با هجوم مأموران «مأمون» به شهادت رسیدند و حماسه‌ی تاریخی «هجرت و شهادت» را به ثبت رساندند.^۲

قابل توجه است که این هجرت ولایی و تهاجم و برخورد جنایت کارانه با آن، دو سال قبل از شهادت امام رضا علیهم السلام به وقوع پیوست و باعث افشای چهره خیانتکار، ضد ولایت، قدرت پرست و جنایت پیشه عباسیان گشت و نقاب فریب از چهره منحوس آنان برداشت، همانان که با ظاهری فریبنده، خود را حامی خاندان پیامبر ﷺ و خواهان ولایتعهدی امام رضا علیهم السلام معرفی می‌کردند.

۱. بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۱۷۵؛ عیون أخبار الرضا علیهم السلام، ج ۲، ص ۲۰۰؛ أعلام الهدایة، ج ۱۰، ص ۱۸۱؛ مسند الإمام الرضا علیهم السلام،

ج ۲، ص ۸۸.

۲. أعیان الشیعة، ج ۸، ص ۳۹۱؛ أنوار المشعشعین، ج ۱، ص ۴۸۸؛ تاریخ قم، ص ۲۱۳؛ بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۲۹۰.

فضایل و ویژگی ها

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام از زنان نمونه و برجسته ای است که تاکنون جهان کمتر به خود دیده است. وی دارای مقام عصمت عملی و تجلی تمام نمای جدّه عرشی اش، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام می باشد. آن بزرگ بانو، دارای فضایل بسیاری است که به برخی از آنها اشاره می شود:

۱. ایمان و تقوای کامل؛
 ۲. از نسل پیامبر گرامی اسلام و ائمه ی اطهار علیهم السلام بودن؛
 ۳. قدرت شفاعت تام داشتن؛
 ۴. زهد و پارسایی؛
 ۵. فضایل اخلاقی و کمال عرفانی؛
 ۶. عبادت و نیایش الهی؛
 ۷. جود، کرم و مردم داری؛
 ۸. صبر، استقامت و بردباری؛
 ۹. جهاد و ولایت مداری؛
 ۱۰. علم و دانش اسلامی؛
 ۱۱. بصیرت و آگاهی؛
 ۱۲. ایثار و از خود گذشتگی.
- به راستی که این فضایل عالی و آسمانی، از وی چهره ای ممتاز و پر جلال و شکوه ساخته است.

«عین الکرم سلاله ی باب الحوائجی	أُمّ العفاف، دختر موسی بن جعفری
کشف المراد، جود و سخا راتو عمه ای	أخت الرضا، دخت بتول مطهری
امروز قبله ی دل خوبان عالمی	فردا بزرگ شفیعه ی صحرای محشری» ^۱

۱. سراینده: غلامرضا سازگار

پرتوی از حضرت فاطمه زهرا ﷺ

شایان توجه است که در بین بانوان گرانقدر جهان اسلام، تشابه فراوانی بین حضرت «فاطمه زهرا» و حضرت «معصومه» ﷺ وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. نام هر دو بزرگ بانو «فاطمه» است؛
 ۲. هر دو، از تبار حضرت ابراهیم و اسماعیل ﷺ و صالحان و دارای شجره‌ای تابناک هستند؛
 ۳. هر دو، والاترین دختر خانواده و مورد تکریم پدر و مادر و دیگر افراد بودند؛
 ۴. هر دو، در عبادت و انس با دعا و قرآن، نمونه و زبانزد تاریخ اسلام می‌باشند؛
 ۵. هر دو، متصدی آموزش دین و پاسخگویی به مسائل فرهنگی و شرعی مردم بودند؛
 ۶. هر دو، از وطن خود در راه دفاع از دین و حفظ حریم «ولایت» هجرت و جهاد کردند؛
 ۷. هر دو، در «کودکی»، سختی‌های جانکاه دیدند؛
 ۸. هر دو، شاهد جنایت و ستم‌های فراوانی بر پدر و خانواده خویش بودند و به زندگی سراسر غم و مصیبت دچار شدند؛
 ۹. هر دو، راوی حدیث «ولایت علوی» بودند؛
 ۱۰. هر دو، دارای شأن و منزلتی با شکوه نزد خداوند و همچنین مقام «شفاعت» می‌باشند؛
 ۱۱. هر دو، در راه «ولایت‌مداری» جان خود را فدا کردند؛
 ۱۲. ائمه اطهار ﷺ در توصیف هر دو، سخنان ارزشمندی بیان نموده‌اند؛
 ۱۳. هر دو، اسوه صبر و استقامت در مقابل مشکلات و حوادث ناگوار دوران خود بوده‌اند؛
 ۱۴. هر دو، در جوانی و غریبانه به «شهادت» رسیدند و وفات یافتند.
- حضرت فاطمه ﷺ نمایی آسمانی از فضائل و اوصاف حضرت فاطمه زهرا ﷺ می‌باشد.

ای فدای تو هم دل و هم جان وی نثار رخت هم این و هم آن
دل رهندن زدست تو مشکل جان فشاندن به پای تو آسان

علت عدم ازدواج

آن حضرت همانند بسیاری از خواهران محترم‌ش ازدواج نکرد و این، بدان جهت بود که امام کاظم علیه السلام وصیت کرده بود که حتماً دخترانش با شرایط ویژه و با افراد درخور شأن آنان ازدواج کنند. از آنجایی که فردی مناسب شخصیت عرشی حضرت معصومه علیها السلام وجود نداشت، وی ازدواج نکرد. چنان که اگر امیرمؤمنان علیه السلام نبود، هم‌شانی برای حضرت فاطمه زهرا علیها السلام یافت نمی‌شد. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرموده است:

«لَوْ لَمْ يَخْلُقِ اللَّهُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ مَا كَانَ لِفَاطِمَةَ كُفُوٌ»^۱

«اگر خداوند علی بن ابی طالب علیه السلام را نمی‌آفرید، هرگز برای حضرت

فاطمه علیها السلام فردی درخور شأن وی یافت نمی‌شد.»

خاطر نشان می‌شود که مسأله عدم ازدواج دختران امام کاظم علیه السلام دارای چند علت بود:

۱. دشمنان طرح نفوذ و ورود به خاندان امام کاظم علیه السلام به اشکال مختلف را داشتند که یکی از آن راهکارهای پروژه نفوذ، دامادی آن حضرت بود.

۲. خفقان سیاسی حکومت عباسی به گونه‌ای بود که هر کس داماد امام کاظم علیه السلام می‌شد، تحت تعقیب و تنگنای امنیتی قرار می‌گرفت؛ اگر مقاومت می‌کرد، گرفتار دژخیمان عباسی می‌شد و اگر از حاکمان غاصب عباسی تبعیت می‌کرد، با ورود و نفوذ فردی وابسته به دارالخلافت در خانواده امام، فشار مضاعفی بر ایشان و خاندانشان وارد می‌شد و زمینه‌ی خبرچینی و شایعه‌سازی برای حکومت ظالم عباسی - به وابستگی داماد و دختر امام به دستگاه فاسد خلافت و حمایت از آن - نیز فراهم می‌گردید.

۳. هم‌کفو و فرد مناسب و شایسته‌ای برای ازدواج با آن بانوان، به‌ویژه حضرت معصومه علیها السلام در آن زمان یافت نمی‌شد.

۴. علم و آینده‌نگری امام کاظم و امام رضا علیهما السلام به اینکه وجود افرادی به عنوان

۱. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۴۳۳؛ أنوار المشعشعین، ج ۲، ص ۲۷۲.

۲. مناقب آل أبي طالب، ج ۲، ص ۱۸۱؛ بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۰۷.

شوهر در آن شرایط برای دختران امام کاظم علیهما السلام مایه‌ی ستم بیشتر بر ایشان می‌شود و آن شوهران قدردان این نعمت الهی نمی‌باشند و ازدواج، موجب مظلومیت خاموش و زمینه‌ی ستم مضاعف بر ایشان مهیا می‌نمود.

در کتب تاریخی نقل شده است که در میان دختران امام کاظم علیهما السلام تنها «اُم سلمه» بود که در صیغه نکاح با پسر عمویش «قاسم بن محمد بن جعفر صادق علیهما السلام» درآمد تا اعمال حج را انجام دهد ولی اطرافیان او شرایط بسیار سختی بر وی و آن بانوی محترم تحمیل کردند، به طوری که او سوگند یاد کرد که تنها برای حج با وی محرم شده است و آن محرمیت نیز فسخ گردید.^۱

امام کاظم علیهما السلام در وصیت خود، امر ازدواج تمامی دختران خویش را به امام رضا علیهما السلام سپرد و همگان را به اطاعت از ایشان، سفارش نمود و فرمود:

«وَإِنْ أَرَادَ رَجُلٌ مِنْهُمْ أَنْ يُزَوِّجَ أُخْتَهُ فَلَيْسَ لَهُ أَنْ يُزَوِّجَهَا إِلَّا بِإِذْنِهِ وَأَمْرِهِ فَإِنَّهُ أَعْرَفُ بِمَنَاكِحِ قَوْمِهِ... وَلَا يُزَوِّجُ بَنَاتِي أَحَدًا مِنْ إِخْوَتِهِنَّ وَمِنْ أُمَّهَاتِهِنَّ وَلَا سُلْطَانٌ وَلَا عَمِلَ لَهُنَّ إِلَّا بِرَأْيِهِ وَ مَشُورَتِهِ، فَإِنْ فَعَلُوا ذَلِكَ فَقَدْ خَالَفُوا اللَّهَ تَعَالَى وَرَسُولَهُ وَ خَادُوهُ فِي مُلْكِهِ وَهُوَ أَعْرَفُ بِمَنَاكِحِ قَوْمِهِ إِنْ أَرَادَ أَنْ يُزَوِّجَ زَوْجًا، وَإِنْ أَرَادَ أَنْ يَتَرَكَ تَرَكَ.»^۲

«و اگر یکی از پسرانم قصد کرد که خواهرش را به عقد کسی درآورد، این کار برای او جایز نیست، مگر به اجازه و دستور فرزندانم «علی»؛ زیرا وی آگاه‌تر به امور ازدواج قوم خود است و می‌داند چه کار کند. برای هیچ کس از برادرانشان و مادرانشان و فرمانداران جایز نیست یکی از دخترانم را به عقد کسی درآورد، مگر به دستور و مشورت فرزندانم «علی» و اگر کسی این کار را کرد، با خدا و پیامبرش مخالفت کرده و در زمین خدا با او به جنگ

۱. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۱۵.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۳۱۷؛ عیون أخبار الرضا علیهما السلام، ج ۱، ص ۳۴ و ۳۵.

برخاسته است. وی (امام رضا علیه السلام) آگاه به امور ازدواج قوم خود است. اگر خواست دختری از فرزندانم را به ازدواج وی در آورد، این کار را انجام دهد و اگر نخواست، آن کار را نکند.»

هجرت و رحلت

«هجرت» در فرهنگ اسلامی حرکتی مقدس از مبدئی به سوی مقصدی خاص برای انجام تکلیف و دستیابی به اهداف الهی می باشد. همواره هجرت های مهم در طول تاریخ، دارای آثار و برکات فراوان بوده تأثیرات شگرفی بر تحولات تاریخی گذارده است. در قرآن کریم پیرامون ارزش هجرت تأکید شده است:

﴿وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلَآجِرُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾^۱

«و کسانی که در راه خدا بعد از آن که ستم به آنان شد، هجرت کرده اند، بی تردید در دنیا [به آنان] پاداش نیک فراوان می دهیم و همانا پاداش آخرت فراوان تر خواهد بود، اگر می دانستند.»

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نیز درباره ی اهمیت هجرت، فرموده اند:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ هَاجِرُوا وَتَمَسَّكُوا بِالإِسْلَامِ فَإِنَّ الْهَجْرَةَ لَا تَنْقُطُ مَادَامَ الْجِهَادُ»^۲

«ای مردم! هجرت کنید و بر اساس اسلام زندگی کنید؛ زیرا هجرت تا آنجا که جهاد وجود دارد، پیوسته می باشد.»

هجرت تاریخی حضرت معصومه علیها السلام در شرایط بسیار پیچیده و سیاسی آن زمان - که

۱. سوره نحل (۱۶)، آیه: ۴۱.

۲. میزان الحکمة، ج ۱۰، ص ۳۰۲.

امام رضا ﷺ را به اجبار به «مرو» آورده بودند و با حيله گری و فریب کارانه به مردم اعلان می کردند که وی ولیعهد و جانشین ماست و حامی ما می باشد، منشأ افشای این دسیسه شد و حمله ی عباسیان به کاروان حضرت معصومه ﷺ و مقاومت فرزندان امام کاظم ﷺ، چهره ی نفاق دربار عباسی و غربت غریبانه ی امام رضا ﷺ را به همگان نشان داد.

آن هجرت تاریخی و حضور آسمانی حضرت معصومه ﷺ در قم و آستان مقدس وی، موجب شد که قم کانون تشیع و سرچشمه ی فیاض حفظ، نشر و آثار مکتب اهل بیت ﷺ در طول تاریخ گردد و زمینه ی تقویت، تثبیت، ترویج و رشد فزاینده ی تاریخی علوم، معارف و فرهنگ شیعی فراهم شود.

آن هجرت، به حوزه و مکتب علمی و جهادی در قم حیاتی پویا، بالنده و سراسر شور و شعور بخشید. از سرزمین های شیعی، هجرت به سوی قم آغاز گردید و منطقه قم، مأوا و پناهگاه امن شیعیان، به ویژه علویان و امام زادگان شد و کانون مخالفت و نهضت های ضد ظلم و انحراف گردید.

حضرت فاطمه معصومه ﷺ در تمامی دوران حیات خود، در مدینه اقامت داشت و تنها در سال آخر عمر خود، یک سال بعد از هجرت امام رضا ﷺ به مرو، با جمعی از خاندان و یاوران امام کاظم ﷺ از مدینه به جهت دیدار، خدمت و حمایت از امام رضا ﷺ البته به اشارت و اجازه آن امام، به سوی طوس حرکت کرد.^۱

کاروان آن بانوی سیده ی جلیله ﷺ حرکت تاریخی خود را به سوی ایران آغاز کرد و از شهرهای مختلف ایران گذشت تا به شهر «ساوه» رسید. آن کاروان در این منطقه، مورد حمله مأموران حکومت عباسی قرار گرفت و بسیاری از همراهان آن حضرت شهید شدند و برخی دیگر که به شدت زخمی شده بودند، پراکنده و به اطراف و مناطق دیگر پناهنده گردیدند.

حضرت معصومه ﷺ از شدت غم و اندوه این مصیبت ناگوار، بیمار شد و در برخی از کتب تاریخی آمده است که آن حضرت را با زهر مسموم کردند.^۲ ایشان بعد از این حوادث

۱. بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۲۹۰ و ج ۵۷، ص ۲۱۴.

۲. الحیاة السیاسیة للإمام الرضا ﷺ، ص ۴۲۸.

جانکاه تصمیم گرفت به سمت قم - که از دیرباز مرکز حضور شیعیان، محدّثین، علمای شیعه و محبّین اهل بیت علیهم السلام بوده است - حرکت کند؛ چنانکه امام موسی کاظم علیه السلام فرموده بود:

«قُمْ عَشُّ آلِ مُحَمَّدٍ وَ مَأْوَى شِيعَتِهِمْ»^۱

«قم، پناهگاه خاندان پیامبر و قرارگاه شیعیان آنان است.»

از طرف دیگر، آن حضرت از پیش می دانست که در قم وفات خواهد کرد؛ زیرا جدّش امام صادق علیه السلام آن را بیان کرده بود^۲ و امام رضا علیه السلام نیز به آن اشاره نموده بود.^۳ ایشان بعد از آن حوادث جانکاه به اطرافیان خود فرمود:

تا قم چقدر راه است؟

عرض شد: ده فرسخ.

فرمود: مرا به قم ببرید.

با اعلان خبر حرکت حضرت معصومه علیها السلام به قم، تمامی بزرگان و مردم دلداده مکتب اهل بیت علیهم السلام به بیرون آن شهر آمده و طبق نقل تاریخ در روز ۲۳ ربیع الأول سال ۲۰۱ ق، با شور و شوق وصف ناپذیری به استقبال آن حضرت شتافتند.^۴ در این میان، «موسی بن خزر ج اشعری»^۵ مہار ناقله ی آن حضرت را گرفت و تقاضا کرد تا ایشان در منزل وی سکونت گزینند. حضرت معصومه علیها السلام هفده روز در منزل او ساکن شد. آن حضرت در این مدّت اندک، به هدایت مردم پرداخت. مردم دسته دسته به زیارت وی می شتافتند. در آن منزل، مکانی برای «عبادت» آن حضرت آماده کردند که هم اینک به «بیت التّور» مشهور است. به راستی که آن حضرت با خود «بهشت» را به قم آورده بود!

۱. بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۲۱۵.

۲. اشاره به حدیث «... وَإِنَّ لَنَا حَرَمًا وَهُوَ بَلَدَةُ قُمْ وَ سُدُنْ فَنَ فِيهَا امْرَأَةٌ مِنْ أَوْلَادِي تُسَمَّى فَاطِمَةً؛ فَمَنْ زَارَهَا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ» ر.ک: بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۲۶۷ و ج ۵۷، ص ۲۱۶؛ تاریخ قم، ص ۳۱۵.

۳. ر.ک: أنوار المشعّسين، ج ۲، ص ۲۷۶.

۴. عوالم العلوم، ج ۲۱، ص ۳۲۸؛ منتهی الآمال، ج ۲، ص ۴۳۰.

۵. وی از راویان حدیث و از بزرگان خاندان اشعری می باشد. ر.ک: معجم رجال الحديث، ج ۱۲، ص ۲۹۵ و ج ۲۰، ص ۴۶.

امام رضا علیه السلام می فرماید:

«إِنَّ لِلْجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ وَلِأَهْلِ قَمٍّ وَاحِدٌ مِنْهَا فَطُوبَى لَهُمْ ثُمَّ
طُوبَى لَهُمْ ثُمَّ طُوبَى لَهُمْ»^۱

«همانا برای بهشت، هشت درب است و یکی از آن درب ها، برای اهل
قم است. پس خوشا به حال آنان، خوشا به حال آنان و خوشا به حال
آنان.»

بیماری حضرت معصومه علیها السلام هر روز سخت تر می شد تا این که وی در دهم ربیع الأول
همان سال (۲۰۱ ق) وفات یافت^۲ و موجی از حزن و اندوه سراسر قم و اطراف آن را فراگرفت.

«داستان شب هجران تو گفتم با شمع آن قدر سوخت که از گفته پشیمانم کرد»

علما و بزرگان و مردم عزادار قم، با شکوه تمام، پیکر مطهر آن حضرت را تشییع کردند
و مقبره ای در سرداب یکی از باغ های ساحلی رودخانه، معروف به باغ «بابلان» در کنار
رودخانه قم برای دفن وی آماده نمودند. بنا شد که یکی از کهنسالان پارسا و باتقوای قم
به نام «قادر» ایشان را به خاک سپارد که ناگهان از دوردست دو سوار نورانی نمایان شدند و
بر آن حضرت نماز گزاردند؛ سپس با احترام تمام و مراعات آداب جامع، پیکر مطهر ایشان را
دفن کردند و دقایقی بعد رفتند و از دیدگان قمی ها پنهان شدند.^۳

۱. بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۲۱۵.

۲. أعيان الشيعة، ج ۸، ص ۳۹۱؛ موسوعة سيرة أهل البيت عليهم السلام، ج ۲۹، ص ۴۳۵.

۳. بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۲۹۰. عالمان و دانشوران دینی از قرائن و شواهدی اعلام داشته اند که آن دو فرد، امام
رضا و امام جواد علیهما السلام بوده اند.

آستان آسمانی

«موسی بن خزرج» که افتخار میزبانی آن حضرت را داشت، بر آن مرقد نورانی با حصیر و بوریا، سایبانی بنا گذارد؛ تا اینکه در سال ۲۵۶ق، حضرت «زینب» دختر «امام جواد» علیه السلام بر آن، بقعه و بارگاهی احداث نمود.^۱ این مزار و بارگاه مقدس در طول تاریخ توسعه یافت و آستانی بزرگ و پر معنویت و اثرگذار گردید و کانون شیفتگان مکتب اهل بیت علیهم السلام شد. امام صادق علیه السلام درباره‌ی جایگاه رفیع حضرت معصومه علیها السلام و ارزش بارگاه و زیارت ایشان فرمود:

«... وَإِنَّ لَنَا حَرَمًا وَهُوَ بَلَدَةٌ قُمْ وَسَتُذْفَنُ فِيهَا امْرَأَةٌ مِنْ
أَوْلَادِي تَسْمَى فَاطِمَةً؛ فَمَنْ زَارَهَا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ»؛^۲

«و همانا برای ما حرمی است و آن قم است؛ بزودی در قم بانویی
از فرزندان من که «فاطمه» نامیده می‌شود، دفن می‌گردد. هر کس او را
زیارت کند، برای وی بهشت واجب می‌شود.»

بعد از آن «زینب»، «أم محمد» و «میمونه» دختران امام جواد علیه السلام و «بریهه» دختر
«موسی مبرقع»^۳ و همچنین «أم اسحاق» کنیز «محمد بن موسی مبرقع» علیه السلام، «أم حبیب»
کنیز «محمد بن احمد بن موسی مبرقع» و «أم قاسم» دختر «علی کوکبی»^۴ در کنار آن حضرت

۱. بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۲۱۹؛ منتهی الآمال، ج ۲، ص ۴۳۲. در سال ۴۱۳ق صحن و سرای آن حضرت با معماری
جدید ساخته شد و مرقد ایشان با کاشی‌های زیبا آراسته گردید و در سال ۵۲۹ق گنبدی بر آن ساخته شد و در
سال ۹۲۵ق تجدید بنا گردید و در سال ۱۲۱۸ق به طلا آراسته شد و صحن و سرای آن گسترده شد.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۲۱۶.

۳. او فرزند بزرگوار امام جواد و برادر امام هادی علیه السلام است. وی در تاریخ ۲۱۴هـ. ق در مدینه به دنیا آمد. نام
مادرش «سمانه» بوده، ایشان از شخصیت‌های طراز اول جهان اسلام و از افراد موثق در تاریخ تشیع است. وی
اولین فردی از خاندان امام رضا علیه السلام است که در سال ۲۵۶ق از کوفه به «قم» هجرت نمود. او در سال ۲۹۶ق
در «قم» وفات یافت و در آنجا (محل چهل اختران) دفن گردید و بر مزارش بارگاهی بنا شد که هم‌اینک
زیارتگاه شیعیان می‌باشد. رک: أعيان الشيعة، ج ۱۰، ص ۱۷۲؛ تاریخ قم، ص ۲۲۵؛ منتهی الآمال، ج ۲، ص ۳۹۹؛
عمدة الطالب، ص ۱۸۲؛ لباب الأنساب، ج ۲، ص ۵۸۵.

۴. وی «ابوالحسن علی بن محمد بن عبدالله بن علی بن حسن بن علی بن ابي طالب علیه السلام» است که به قم

به خاک سپرده شدند.^۱ کتیبه‌ی ضریح مطهر حضرت معصومه ﷺ نیز اشاره به هم‌جواری این بانوان در بارگاه آن حضرت دارد:

«تبارک الله از این بارگاه عرش آهنگ نه بلکه عرش بر فرشت آبگینه و سنگ
ز شرم قبه زینت عرش را گویند که شد به پرده این نه رواق سیمین رنگ
ز نه رواق فلک، هفت بانوی عذرا به دامن شرفش افتخار را زده چنگ
به آستانش همواره خسروان زمین به سجده خاصه شهنشاه آستان اورنگ»^۲

با طلوع بارگاه نورانی حضرت معصومه ﷺ در قم، دل‌ها و نگاه‌های جامعه‌ی شیعه جهان، به این دیار جلب شد و بعد از آن، توجه آنان روز به روز افزون شد و آن آستان آسمانی زیارتگاه دلدادگان مکتب اهل بیت ﷺ گردید.

«باید غبار صحن تو را طوطیا کنند آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند»

بی‌تردید بارگاهش تجلی عصمت و کرامت معصومین ﷺ است؛ چنانکه در کتیبه داخلی گنبد آن حرم، چنین نگاشته شده است:

«آتش موسی عیان از سینه‌ی سیناستی یا که زرین بارگاه بضعه‌ی موساستی
بضعه‌ی موسی بن جعفر «فاطمه» کز روی قدر خاک درگاهش عبیر طره‌ی حوراستی
نوگی رنگین ز طرف گلشن یاسین بود آیتی روشن به صدرنامه‌ی طهااستی
پرتوی از آفتاب اصطفای مصطفی زهره‌ای از آسمان عصمت زهراستی»

عالمان، محدثان و تشنگان علوم و معارف اسلامی بسیاری در سایه‌سار آن بارگاه، گرد هم آمدند و منشأ خدمات علمی و معارفی فراوانی شدند و شهر قم، کانون شیفتگان

هجرت نمود و مورد تکریم اهالی آن واقع شد. ر.ک: تاریخ قم، ص ۲۲۵.

۱. عوالم العلوم، ج ۲۱، ص ۳۳۳؛ تاریخ قم، ص ۲۱۴. قابل ذکر است که چهار پادشاه صفوی به نام‌های «شاه صفی» و «شاه عباس دوم»، «شاه سلیمان»، «شاه سلطان حسین» نیز در حرم مطهر آن حضرت به خاک سپرده شده‌اند.

۲. سراینده: «فتحعلی خان کاشانی» ملقب به «صبا». ر.ک: ستایشگران کوثر قم، ص ۱۴.

اهل بیت علیهم السلام و جویندگان گنج علم و معنویت گردید. همچنین کسانی که در اندیشه رهروی مکتب حضرت زهرا علیها السلام بودند، برای خود پناهی فاطمی یافتند. امام صادق علیه السلام می فرماید:

«إِذَا أَصَابَتْكُمْ بَلِيَّةٌ وَعَنَاءٌ فَعَلَيْكُمْ بِقُمْ، فَإِنَّهُ مَأْوَى الْفَاطِمِيِّينَ»^۱

«هرگاه به شما بلا و دشواری رسید، به قم روی آورید؛ زیرا قم پناهگاه

امن فرزندان و دلدادگان حضرت زهرا علیها السلام است.»

آری خداوند چنین مقدر نموده بود که در پرتو آفتاب توجهات و فیوضات قدسی حضرت معصومه علیها السلام، شهر قم پایگاه تاریخی برای شیعیان و کانونی پایدار برای حفظ و رشد و نشر معارف شیعی و مرکز تحولات عظیم فرهنگی و سیاسی در جهان اسلام شود. سرزمین مقدس قم، با طلوع خورشید فروزان و بی غروب حضرت معصومه علیها السلام مایه بیداری اسلامی گردید و دارای جلوه‌ای آسمانی و تأثیری عرشی یافت؛ چرا که حضرت معصومه علیها السلام کانون تابش نور علم و عرفان و اجتهاد است.

«شبه به روی توروزاست و دیده‌ام به توروشن

شبان تیره، امیدم به صبح روی تو باشد

هم‌اینک بارگاه سراسر نور و کرامت حضرت معصومه علیها السلام ملجأ و مأوی علما، عرفا و دانش‌پژوهان مکتب اهل بیت علیهم السلام و زیارتگاه اهل ایمان و دلدادگان خاندان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از دور و نزدیک است. زوآر سعادتمندش هیچ‌گاه لذت معنوی زیارتش را از یاد نمی‌برند.

«هرگز از یاد نبردم من مدهوش تورا تونه‌آنی که توان کرد فراموش تورا»

آن آستان ملکوتی، از همان اوان تأسیس، شاهد زیارات، بیان حوائج، اشک‌ها و سرور

۱. بحارالأنوار، ج ۵۷، ص ۲۱۵؛ عوالم العلوم، ج ۲۱، ص ۳۴۲.

۲. «و اگر بروی روز و شبم یکسان خواهد بود.»

۳. «گویا چشمه زندگی در تاریکی‌ها جستجو می‌شود.»

زائران، برآورده شدن حاجات حاجتمندان و رفع گرفتاری درماندگان، از منبع فیض جود و کرم کریمه اهل بیت علیهم السلام بوده است.

«إِنَّ قَيْصًا خِيطٌ مِنْ نَسِجِ تِسْعَةٍ وَعِشْرِينَ حَرْفًا عَنْ مَعَالِيهِ قَاصِرٌ»؛

«لباسی که از بیست و نه حرف دوخته می شود، از بلندای [بیان فضائل] او کوتاه است». این صحن و سرای تابناک و ضریح مقدس، تجلی گاه عنایات «بنت باب الحوائج» و «أخت الرضا» است و زیارت عارفانه حضرتش، بال معراج کمال انسانی است، که همگان در طواف آن، به فیض «جَنَّة النعیم» نائل می شوند.

«نَفْسِي الْفِدَاءُ لِقَبْرِ أَنْتِ سَاكِنَةٌ فِيهِ الْعَفَافُ وَفِيهِ الْجُودُ وَالْكَرَمُ»؛

«جانم فدای آن قبری باد که تو در آن آرمیده ای؛ چراکه عفاف و جود و کرم در آن جای گرفته است».

امام رضا علیهم السلام درباره آثار و برکت حضور در محضر نورانی اش چنین فرموده است:

«مَنْ زَارَهَا عَارِفًا يَحَقِّقُهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ»^۱

«هرکس حضرت معصومه علیها السلام را با معرفت و شناخت جایگاه الهی اش

زیارت کند، بهشت پاداش اوست».

حضرت معصومه علیها السلام نشانی کامل از بانوی بی نشان اسلام، حضرت «فاطمه» علیها السلام

است. او مظهر همه خوبی ها و مهربانی ها و تجلی همه نیکی ها و فضایل می باشد.

آستان منور و سراسر صفای وی، قطعه ای از نور عرش الهی و طریقی مستقیم برای صعود به بهشت محبوبیت خداوندی است. زیارتش مایه آرامش جان و سرمایه ای ارزشمند برای عاقبت و آخرت انسان است.

«چون تو مسیحا دم اگر تیمار رنجوری کند رنجور از حق آرزو هر روز بیماری کند»

۱. بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۳۱۷.

حضرت معصومه علیها السلام روح عرش الهی در کالبد سرزمین «قم» می باشد.

«این بارگاه کیست که در قم مصوّر است روح‌الأمین به بام و درش عبد و چاکر است
این بارگاه کیست که رضوان چو خادمش بسته کمر جان و دو چشم اش بر آن دراست
بیت‌المقدس است یا جنة النعیم یا بارگاه دختر زهراى اطهر است
این دختر از نژاد علی ولی بود نزد خدا شفیع‌ه‌ی ما روز محشر است»
در شهر قم هرچه می‌نگری، اثر و نشانی از حضرت معصومه علیها السلام دارد.

«من به هرچه می‌گذرم بوی دوست می‌شنوم به هرچه می‌نگرم، روی اوست که می‌بینم»
تمامی زیبایی‌ها و ارزش‌های موجود در قم، به واسطه‌ی قرابت آنها به آن حضرت می‌باشد.
و چه عارفانه است سخن مجنون:

«أَمُرُّ عَلَى الدِّيَارِ دِيَارِ لَيْلَى أَقْبَلَ ذَا الْجِدَارِ وَ ذَا الْجِدَارِ
وَمَا حُبُّ الدِّيَارِ شَغَفَنَ قَلْبِي وَلَكِنْ حُبُّ مَنْ سَكَنَ الدِّيَارِ»

«عبور می‌کنم بر سرزمین «لایلی» و می‌بوسم دیوار و خانه‌ها را. دوستداری آن دیار، موجب محبت قلبی من به آن نشده؛ بلکه محبت و دوستداری آن کسی که در آن سکونت دارد، باعث شده است.»

در پایان این بخش، شایسته است درباره عاقبت نیک و بهشتی بودن محبان ائمه علیهم السلام و زائران حضرت معصومه علیها السلام و سرانجام جهنّم بار معارضان حریم اهل بیت علیهم السلام سخن بگوییم که بی‌تردید سرنوشت و عاقبت هر انسانی در گرو نوع اعتقاد و عملکرد وی در حیات دنیوی است.

مانایی، محبوبیت و جاذبه آسمانی حضرت معصومه علیها السلام و آثار و برکات معنوی، علمی و هدایتی آن بزرگ بانو و نورانیت بارگاه ایشان، درس‌نامه عبرت و موجب کشف حقایق اهل بیت علیهم السلام، شناخت عمیق اهل باطل و معاندان و آگاهی از شکست محتوم تاریخی

آنان است. بی گمان مودّت، محبّت و رهروی از اولیای الهی در حقیقت، محبّت و پیروی از خداست.

«این محبّت، از محبّت‌ها جداست حُبّ محبوب خدا، حُبّ خداست»
امام صادق علیّه السلام در این باره فرموده است:

«مَنْ عَرَفَ حَقَّنَا وَ أَحَبَّنَا فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى»^۱

«هر کس حقّ ما را بشناسد و ما را دوست بدارد بی تردید خدای بزرگ را دوست می دارد.»

از ویژگی‌های این نوع محبّت، سرآمدی و برتری کامل آن بر دیگر محبّت‌ها و دیگر جاذبه‌هاست.

«فَلَوْ قِيلَ لِلْمَجْنُونِ لَيْلِي وَ وَضَلَهَا تُرِيدُ أُمَ الدُّنْيَا وَ مَا فِي طَوَايِهَا
لَقَالَ غُبَارٌ مِنْ تُرَابٍ نُعَالِهَا أَحَبُّ إِلَيَّ نَفْسِي وَ أَشْفَى لِبَلَوَاهَا»

«اگر به مجنون گفته شود: لیلی و وصل او را می‌خواهی یا دنیا و آنچه در آن است، بی تردید می‌گوید که: غباری از خاک کفش او برایم محبوب تر از جانم باشد و شفا بخش تر از هر دارویی برای دردم.»

شایان توجه است که بخشی مهمی از حوادث و تحولات مهم تاریخی ایران و عرصه‌ی علوم و معارف اسلامی و نهضت‌های انقلابی، از سرچشمه‌ی آسمانی و پر برکت آستان ملکوتی آن حضرت به وجود آمده است.

«از رهگذر خاک سرکوی شما بود هر نافه که در دست نسیم سحرافتاد»

۱. الکافی، ج ۸، ص ۱۲۹.

تأثیرات سیاسی و فرهنگی هجرت در تحولات تاریخ اسلام و ایران

در پایان این فصل، اندکی به تأثیر سرنوشت ساز سیاسی و فرهنگی حضور حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در روند تحولات تاریخی ایران و جهان اسلام می پردازیم.

الف) سیاسی

«قم» در سال ۲۳ ق با غلبه سپاه اسلام به فرماندهی «ابوموسی اشعری» (۲۱ قبل از هجرت-۵۲ ق) بر جغرافیای وسیع منطقه جبال ایران،^۱ و استقبال مردمی از آن، رسماً در ساختار هندسه نظام اسلامی قرار گرفت و تحت قیومیت «بصره» درآمد.^۲ در آغاز دوره اسلامی این سرزمین، دسته و گروه هایی از اعراب، مانند قبایل: «بنی اسد»، «آل عجل»، «قیس» و «مذحج» در قم سکونت گزیدند. قبیله مشهور «بنی اسد» اولین قبیله عرب بودند که در قم، در روستای «جمکران» ساکن شدند. سپس در سال ۸۳ ق در زمان خلافت «عبدالملک بن مروان» (۲۶-۸۶ ق) و فرمانداری «حجاج بن یوسف ثقفی» (م ۹۵ ق)^۳ بر عراق، قبیله «آل اشعر» که از قبایل مشهور عرب قحطانی و یمن و از مخالفان جدی حکومت بنی امیه مروانی و تحت فشار شدید سیاسی و اقتصادی حجاج بودند، از کوفه به سوی منطقه جبال ایران هجرت کردند و در قم سکونت نمودند. این قبیله، مورد تکریم پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، امیرمؤمنان امام علی بن ابی طالب علیه السلام و دیگر ائمه اطهار علیهم السلام بودند؛ چنان که رسول اکرم صلی الله علیه و آله آنان را می ستود و این چنین درباره ایشان دعا فرمود:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْأَشْعَرِيِّينَ صَغِيرِهِمْ وَكَبِيرِهِمْ»؛^۴

«بارخدا یا، کوچک و بزرگ اشعریین را ببخشای.»

با استقرار و سپس تسلط اشعریون بر قم در سال ۸۵ ق، این منطقه کانون شیعیان

۱. منطقه جبل (جبال) مرکب از شهرهای قزوین، نهاوند، همدان، اصفهان، قم، ساوه، کاشان و ری بوده است.

۲. فتوح البلدان، ص ۳۰۴ و ۳۰۵؛ الفتوح، ج ۲، ص ۳۱۳؛ معجم البلدان، ج ۴، ص ۳۹۷.

۳. در تعیین سال تولد وی نزد تاریخ نگاران اختلاف است، برخی سال تولد او ۳۹، ۴۰، ۴۱ و یا ۴۵ ق دانسته اند.

۴. بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۲۲۰؛ تاریخ قم، ص ۲۷۳.

انقلابی و مرکز مخالفان حکومت اموی گردید و به آن مشهور گشت.^۱ پس از آمدن یکی از اصحاب امام باقر و امام صادق علیهما السلام به نام «موسی بن عبدالله بن سعد اشعری» به قم، با تلاش فرهنگی وی و گسترش مکتب اهل بیت علیهم السلام، این منطقه به عنوان «پایگاه تشیع» در جهان اسلام شناخته شد.^۲ بعد از شکست امویان و استقرار حکومت عباسیان و ادامه همان سیاست سرکوب و جنایت اموی با شعارهای فریبنده عباسیان، جبهه مقاومت و مبارزه در قم بر ضد بنی عباس و ظلم و ستم آنان شکل گرفت. مردم قم با نپرداختن مالیات به حاکمان ستمگر عباسی و ارسال آن برای ائمه اطهار علیهم السلام و ایجاد نهضت‌های پراکنده، مخالفت خود را به آن حکومت غاصب ابراز می نمودند.^۳

مقاومت و پایداری مردم قم برای حفظ اصول فرهنگ اسلامی، به ویژه فقه حکومتی و ولایت پذیری آنان از ائمه اطهار علیهم السلام، چنان مستحکم و عمیق بود که هیأت حاکمه و دولت عباسیان را وادار به نصب فرمانداران شیعی، مانند: «هرثمه بن أعین»^۴ و «حسین بن حمدان»^۵ در این منطقه می کرد؛ هرچند بعد از مدتی، آنان را عزل و فرد دیگری را که بتواند منویات جاهلی عباسیان را اجرا کند، به مقام فرمانداری می نشانند.

روحیه ولایی مردم قم به اندازه‌ای بود که حتی اگر فردی غیر شیعی را بر مصدر فرمانداری قرار می دادند، او اظهار محبت به اهل بیت علیهم السلام می نمود؛ مانند: «أسلمس بیک» که از طرف «سلطان مراد آق قویونلو» (م ۹۲۴ ق) معاصر با دوران «شاه اسماعیل صفوی» (۸۹۲-۹۳۰ ق) حاکم قم شد و بعد از مدتی اظهار تشیع کرد و بر سینه خود کلمه «یا علی» را نقش نمود.^۶

به مرور زمان و با تلاش‌های عالمان مکتب اهل بیت علیهم السلام، فرهنگ سیاسی و مبانی

۱. تاریخ قم، ص ۳۱، ۲۶۰ و ۲۶۱؛ فتوح البلدان، ص ۳۰۶؛ معجم البلدان، ج ۱، ص ۲۱۰ و ج ۴، ص ۳۹۷.

۲. رجال شیخ طوسی، ص ۳۰۷؛ تاریخ قم، ص ۲۷۷؛ تنقیح المقال، ج ۳، ص ۲۵۷.

۳. تاریخ مذهبی قم، ص ۴۷، ۸۷ و ۸۸؛ تاریخ قم، ص ۲۷۹؛ فتوح البلدان، ص ۳۰۷.

۴. تاریخ مذهبی قم، ص ۱۶۶.

۵. تجارب الأمم، ج ۵، ص ۶۵؛ تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۴۸۱؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۲، ص ۳۳ و ۲۵؛ تاریخ طبری، ج ۱، ص ۱۴۱.

۶. تاریخ مذهبی قم، ص ۷۹؛ خلاصة التواریخ، ج ۱۰، ص ۱۴۲.

فقه حکومتی شیعی در این سرزمین نهادینه و غنای محتوایی آن روز به روز افزوده شد. «امام محوری»، «ولایت‌مداری»، «دشمن ستیزی»، «مخالفت با عاملان غصب خلافت» و «عدم انقیاد در برابر باطل و ستم» اساس اندیشه سیاسی مردم و بزرگان قم بود؛ زیرا آنان بر پایه اصل «تبری و تولی» این مسأله را همواره بر خود واجب می‌دانستند؛ بر این مبنا، قم منشأ تحولات بسیار سیاسی و فرهنگی گردید. هجرت سیاسی - فرهنگی حضرت معصومه علیها السلام از مدینه به قم، تحوّل عظیم در تاریخ اسلام و ایران ایجاد کرد و قم در کوتاه‌مدت به مرکز جهانی «تشیع انقلابی» تبدیل شد.

افشای عمومی ماهیت عباسیان بعد از شهادت امام رضا علیه السلام به دست مردم قم، این منطقه را کانون اصلی فرهنگی - سیاسی شیعیان نمود و به جریان مبارزه با حاکمان غاصب شدت بیشتری بخشید. قرن سوم، با حضور حضرت معصومه علیها السلام و بارگاه ملکوتی ایشان، سرآغازی نوین در تاریخ تشیع و مجاهدت‌های روشن ضمیران و ولایت‌مداران جهان اسلام بر ضد حاکمیت انحراف و ابتذال گردید و از منطقه قم بارها در طول تاریخ، نهضت‌های شیعی آغاز شد؛ قیام مردم قم به رهبری «یحیی بن عمران اشعری» در سال ۲۱۰ ق منجر به خلع فرماندار دربار عباسیان و اعلام عدم رسمیت خلافت مأمون و خودداری از پرداخت مالیات دو میلیون درهمی گردید^۱ و نیز قیام «جعفر بن داوود قمی» در سال ۲۱۶ ق با پیروزی مردم قم و شکست فرماندار حکومت عباسی به نام «علی بن عیسی طلحی» در زمان خلافت مأمون، از این موارد می‌باشد.^۲

همچنین مردم قم در سال ۲۱۸ ق نیز در زمان خلافت «معتصم» (۱۸۰-۲۲۷ ق) قیام کردند اما خلیفه عباسی با اعزام سپاهی گران به سرکردگی «وصیف ترک» آن را سرکوب نمود. مردم قم، بار دیگر در سال ۲۵۴ ق، در زمان خلافت «معتز» (۲۳۱-۲۵۵ ق)، قیام کردند و «حسین کوکبی» را بعد از پیروزی، فرماندار این منطقه قرار دادند، ولی پس از چندی سپاه «معتز» به فرماندهی «موسی بن بغا» (م ۲۶۴ ق) به قم حمله کرد و آنجا را تصرف نمود و آسیب‌های فراوان به بار آورد.^۳

۱. فتوح البلدان، ص ۲۰۷؛ تاریخ مذهبی قم، ص ۷۹، ۸۰ و ۲۷۸؛ حضرت معصومه علیها السلام فاطمه دوم، ص ۵۶ و ۵۷.

۲. تاریخ قم، ص ۳۵؛ فتوح البلدان، ص ۳۲۲.

۳. تاریخ قم، ص ۳۵.

قم همواره در تمامی سلسله‌های حاکمان، مورد توجه جدی بوده است و خلفای غاصب و پادشاهان ستم‌پیشه با خشونت تمام با مردمان این دیار برخورد می‌کردند و حتی گاهی منجر به قتل عام و تخریب سرزمینی می‌گردید. از این قبیل حوادث تلخ می‌توان به تاخت و تاز آنان در خلافت «معتد عباسی» (۲۲۹-۲۷۹ق) و در دوره حکومت صفاریان؛ همچنین در خلافت «معتضد»^۱ و دولت غزنویان در سال ۴۲۶ق و حکومت سلجوقیان و خوارزمشاهیان و تیموریان اشاره کرد.^۲

قم در قرن هفتم (۶۲۱ق) در حمله مغول به سرکردگی «جته نویان»^۳، سپس تهاجم گسترده «تیمور گورکانی» در سال ۷۹۰ق، همچنین حمله «محمود افغان» و «اشرف ابدال» در دوره حاکمیت سلسله صفویه، شاهد کشتار گسترده مردم و ویرانی خود بود. در دوره قاجار (۱۲۰۰ تا ۱۳۴۳ق) در جریان مشروطیت نیز مردم و علمای قم، رنج‌ها و مصائب فراوانی در راه برقراری مشروطیت متحمل شدند^۴ و در دوره حکومت وابسته و فاسق پهلوی، قم مرکز مبارزات ضد استبدادی گردید.

با تأسیس حوزه علمیه قم توسط آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی رحمته الله علیه (۱۲۷۶-۱۳۵۵ق) در سال ۱۳۰۰ش و حضور بزرگان عرصه دانش، معرفت و مجاهدت، حوزه علمی و فرهنگی شیعی این شهر که از زمان هجرت و حضور اشعریون و مهاجران شیعه آغاز شده بود، سازمان یافت. این شهر مقدس همواره مرکز نشر اندیشه‌های انقلابی بوده است؛ اما قم در قیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ به رهبری امام خمینی رحمته الله علیه تبدیل به کانون مبارزات ضد استبدادی و ضد استعماری نیز گردید. این قیام، آغاز مبارزه فراگیر و آشکار با رژیم پهلوی و جهان استکبار به سرکردگی آمریکا و صهیونیسم بین‌الملل شد و سرانجام در بهمن سال ۱۳۵۷ش بعد از سال‌ها مجاهدت، به پیروزی رسید. در این باره نقش مهم رهبری امام خمینی رحمته الله علیه، روحیه انقلابی حوزه علمیه و مردم قم، سرنوشت‌ساز

۱. الکامل فی التاریخ، ج ۸، ص ۹۰ و ۹۱؛ تاریخ طبری، ج ۱۰، ص ۱۴۲.

۲. قم در قرن نهم هجری، ص ۵۹؛ الکامل، ج ۱۱، ص ۲۳۷.

۳. روضة الصفا، ج ۵، ص ۹۸؛ حبیب السیر، ج ۳، ص ۳۳.

۴. ر.ک: مشروطه از آغاز تا سرانجام، ص ۲۷۶؛ در مشروطه چه گذشت، ج ۲، ص ۸۹ و ۶۶.

بود. بدین ترتیب بود که حکومت چند هزار ساله پادشاهی در ایران با پیروزی انقلاب اسلامی، پایان یافت.

(ب) فرهنگی

حضرت معصومه علیها السلام ۱۷۸ سال پس از آغاز دوره اسلامی در این منطقه، به قم وارد شد و حضور آن بزرگ بانو و همچنین بارگاه ملکوتی ایشان، موجب توجه شیعیان ولایت مدار و تبدیل آن به مرکز تجمع محدّثان عالی مقام تشیع گردید؛ به طوری که بسیاری از عالمان و محدّثان، مانند: «علی بن ابراهیم بن هاشم قمی» و «حسین بن سعید اهوازی» از کوفه و دیگر نقاط اسلامی به قم مهاجرت کردند و مکتب حدیثی قم - که از آغاز استقرار اشعریون ایجاد شده بود - رونق گرفت و نظام مند گردید. مکتب حدیثی قم با ویژگی های «ولایت مداری»، «مبارزه با نقل و توسعه اخبار ضعیف»، «برخورد جدی با مقوله غلو» و «اصالت دادن به نصّ گرایان در مقابل عقل گرایی افراطی» به وجود آمد و در میان مکاتب حدیثی و جامعه اسلامی جایگاهی بس ممتاز یافت؛ در سایه این مکتب، بسیاری از کتب حدیثی تألیف گردید. امام صادق علیه السلام پیشاپیش، این موضوع را بیان نموده بود:

«سَتَخْلُو كُوفَةُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَيَأْزُرُ عَنْهَا الْعِلْمُ كَمَا تَأْزُرُ الْحَيَّةُ فِي جُحْرِهَا ثُمَّ يَظْهَرُ الْعِلْمُ بِبِلَدَةٍ يُقَالُ لَهَا قُمْ وَتَصِيرُ مَعْدِنًا لِلْعِلْمِ وَالْفَضْلِ...»^۱

«بزودی کوفه از مؤمنان خالی می شود و بساط علم از آنجا جمع می گردد، همان طور که مار در لانه اش جمع می شود. سپس علم در سرزمینی به نام قم طلوع می کند و آنجا معدن علم و فضیلت می گردد...»

در سایه سار بارگاه ملکوتی حضرت معصومه علیها السلام بسیاری از دانشمندان و فرهیختگان رشد و نمو یافته، صدها کتاب و آثار عمیق و دقیق در حوزه معارف اسلامی تدوین گردید.

۱. بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۲۱۳.

امام صادق علیها السلام درباره نقش ممتاز علمای قم چنین فرموده است:

«لَوْلَا الْقُمِّيُّونَ لَضَاعَ الدِّينُ»^۱

«اگر مردم و علمای قم نبودند، بی تردید دین از بین می رفت.»

قم کانون جهاد و اجتهاد

از زمان حضور شیعیان اشعری در قم به ویژه بعد از هجرت پربرکت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام، عالمان و محدثان شیعه از دیگر نقاط سرزمین های اسلامی به قم مهاجرت کردند و قم، جایگاهی قوی و مستحکم برای آنان گشت و آثار علمی فراوان، ماندگار و مؤثری به قلم دانشمندان و بزرگان نگاشته شد و مکتب حدیثی، معرفتی و فقهی قم تأسیس گردید و به مرور زمان به مدارج بالای علمی-پژوهشی دست یافت و کانون شناخت اسلام ناب گردید آن هم با رویکرد: تحقیق و پژوهش و تولید علوم اسلامی، حفظ یافته های علمی و اخلاقی پیشینیان، دفاع مقدس دینی در مقابل تهاجم گسترده بر ضد مکتب اهل بیت علیهم السلام، تبلیغ همه جانبه ی علوم و معارف علوی به جامعه ملی و جهانی، نگارش و چاپ و توزیع کتب ارزشمند معرفتی در علوم انسانی و همچنین تربیت عالمان، فضلا و مراجع عظیم الشان.

امام صادق علیها السلام پیرامون نقش و جایگاه علمی و هدایتی قم در پرتو انوار عرشی حضرت معصومه علیها السلام در زمان غیبت حضرت بقیه الله الأعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف فرموده است:

«يُظْهَرُ الْعِلْمُ بِبَلَدَةٍ يُقَالُ لَهَا قُمْ وَتَصِيرُ مَعْدِنًا لِلْعِلْمِ وَالْفَضْلِ
حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مُسْتَضْعَفٌ فِي الدِّينِ حَتَّى الْمُحَدَّرَاتِ فِي
الْجِبَالِ وَذَلِكَ عِنْدَ قُرْبِ ظُهُورِ قَائِمِنَا فَيَجْعَلُ اللَّهُ قُمْ وَأَهْلَهُ قَائِمِينَ
مَقَامَ الْحُجَّةِ وَلَوْلَا ذَلِكَ لَسَاخَتِ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا وَلَمْ يَبَقْ فِي الْأَرْضِ
حُجَّةٌ فَيُفِيضُ الْعِلْمُ مِنْهُ إِلَى سَائِرِ الْبِلَادِ فِي الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ فَيَتِمُّ

۱. بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۲۱۷.

حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ حَتَّى لَا يَبْقَى أَحَدٌ عَلَى الْأَرْضِ لَمْ يَبْلُغْ إِلَيْهِ الدِّينُ وَالْعِلْمُ ثُمَّ يَظْهَرُ الْقَائِمُ^۱؛

«علوم اسلامی از شهری به نام «قم» آشکار می شود، آنجا کانون علم و فضل می گردد؛ به گونه ای که در زمین هیچ ناآگاهی در دین باقی نمی ماند، حتی زنان خانه دار نیز دین اسلام را می شناسند. این امور در نزدیکی های ظهور قائم ما اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام صورت می گیرد؛ بدین جهت خداوند چنان می کند که قم و مردمش قائم مقام حجت خدا می باشند و اگر چنین نباشد زمین بر سراهالی آن فرو خواهد ریخت و در زمین حجتی باقی نمی ماند؛ پس از این شهر، دانش دینی به دیگر سرزمین های جهان در شرق و غرب عالم انتشار می یابد و حجت خدا بر مردمان تمام می گردد، به طوری که هیچ کس نیست که دین اسلام را نشناسد و در این صورت است که قائم آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَام ظهور می کند.»

سرزمین مقدس قم به مرور زمان در شعاع تابش نور حضرت معصومه عَلَيْهَا السَّلَام چراغ روشن و هدایتگر جوامع بشری گردید. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در این باره فرموده است:

«وَسَيَأْتِي زَمَانٌ تَكُونُ بَلَدُهُ قَمٌّ وَأَهْلُهَا حُجَّةٌ عَلَى الْخَلَائِقِ، وَ ذَلِكَ فِي زَمَانٍ غَيْبَةٍ قَائِمِنَا إِلَى ظُهُورِهِ^۲؛

«و بزودی زمانی می رسد که سرزمین قم و مردمش، حجت [و مایه ی هدایت] جهانیان می گردد و این در زمان غیبت قائم ما اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام می باشد.»

گفتنی است بسیاری از علمای قم، جزء اصحاب و شاگردان ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام بودند. اسامی برخی از آنان بدین ترتیب است: «موسی بن بکر بن عبدالله بن سعد اشعری»^۳ و

۱. بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۲۱۳.

۲. همان.

۳. رجال برقی، ص ۳۰.

«اسحاق بن عبدالله بن سعد اشعری»^۱ صحابی امام باقر علیهما السلام؛ و «زکریا بن آدم بن عبدالله اشعری»^۲ و «عمران بن عبدالله بن سعد اشعری»^۳ از محدثان مکتب امام صادق علیهما السلام؛ و «ادریس بن عبدالله بن سعد»^۴ و «ابو عبدالله محمد بن خالد بن عبد الرحمن برقی»^۵ از صحابی امام کاظم علیهما السلام؛ و «عبدالعزیز بن مهتدی بن محمد بن عبدالعزیز اشعری»^۶ و «احمد بن محمد بن عیسی بن عبدالله اشعری»^۷ از صحابی امام رضا علیهما السلام؛ و «محمد بن عبدالجبار»^۸ و «ابو اسحاق ابراهیم بن هاشم قمی»^۹ از صحابی امام جواد علیهما السلام؛ و «احمد بن اسحاق قمی»^{۱۰} و «جعفر بن عبدالله بن حسین بن مالک بن جامع حمیری قمی»^{۱۱} از صحابی امام هادی علیهما السلام؛ و «محمد بن حسن بن فروخ صفار»^{۱۲} و «سعد بن عبدالله بن ابی خلف اشعری»^{۱۳} از اصحاب امام عسکری علیهما السلام. همواره عالمان اسلامی قم در روند زمان از ارکان منظومه معارف اسلامی بوده و از بزرگان این عرصه شمرده می شده‌اند.

با تأسیس حوزه علمیه مبارکه قم در سال ۱۳۰۰ش توسط حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی رحمته الله علیه و حضور بسیاری از بزرگان عرصه فقاہت، در واقع مدرسه مهم و مؤثر دیگری در جهان تشیع، در کنار مدارس علمیه بغداد، حله، کربلا،

۱. معجم رجال الحديث، ج ۳، ص ۵۰؛ رجال نجاشي، ص ۷۳.

۲. رجال شيخ طوسي، ص ۳۷۵؛ رجال نجاشي، ص ۱۷۴.

۳. رجال كشي، ص ۳۳۱.

۴. رجال نجاشي، ص ۱۰۴.

۵. رجال نجاشي، ص ۳۳۵.

۶. رجال كشي، ص ۴۳۸؛ وی از ناحیه امام رضا علیهما السلام در قم وکالت داشت.

۷. معجم رجال الحديث، ج ۲، ص ۲۹۶؛ رجال نجاشي، ص ۸۱ و ۵۹؛ الفهرست، ص ۶۰.

۸. الفهرست، ص ۴۱۵؛ رجال شيخ طوسي، ص ۳۹۱، ۴۰۱ و ۴۴۸.

۹. رجال نجاشي، ص ۱۶.

۱۰. رجال نجاشي، ص ۹۱؛ الفهرست، ص ۶۳.

۱۱. معجم رجال الحديث، ج ۴، ص ۷۶؛ رجال شيخ طوسي، ص ۳۸۴. وی از ناحیه امام حسن عسکری علیهما السلام در قم وکالت نیز داشت.

۱۲. معجم رجال الحديث، ج ۱۵، ص ۲۴۸، ۲۵۷ و ۲۸۷.

۱۳. رجال نجاشي، ص ۱۷۷؛ رجال شيخ طوسي، ص ۳۹۹ و ۴۲۷؛ رجال أبي داود، ص ۱۶۸ و ۴۵۷.

سامرا، نجف و جبل عامل ایجاد گردید و به طور فزاینده‌ای بر رونق آن افزوده شد. علمای برجسته‌ای در این حوزه پرورش یافتند و در تمامی عرصه علوم معقول و منقول، تألیفات گرانقدری تولید گردید و مراجع عالی مقامی در این سرزمین مقدّس در کنار بارگاه مقدّس حضرت معصومه علیها السلام ظهور کردند، به طوری که دیگر حوزه‌های جهان تشیّع را کاملاً تحت تأثیر خود قرار داد.

با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران به رهبری مرجع عالیقدر، حضرت امام خمینی رحمته الله علیه، حوزه قم به عنوان حوزه اصلی و مرکزی جهان اسلام و تشیّع شناخته شد و در عرصه‌های علمی و پژوهشی در همه علوم مربوط، رشد یافت. این مرکز و پایگاه معنوی و فرهنگی تأثیر بسیاری در پیشرفت و تثبیت نظام مقدّس اسلامی ایران گذاشت و معارف اصیل اسلامی از این حوزه به تمام جهان ابلاغ گردید. شایان توجه است که تمامی این برکات از آثار وجودی و قدسی بزرگ بانوی جهان اسلام حضرت فاطمه معصومه علیها السلام می‌باشد.

فصل دوم

خاندان

شجره طوبی

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام دارای نسبی بس گرانقدر و آسمانی است. وی از نسل پیامبران الهی بوده و از طریق پدر و جد پدری به پیامبرانی چون: اسماعیل، ابراهیم، نوح، ادريس، شیث و آدم متصل می شود.

شجره‌ی والا نسب آن حضرت علیها السلام بدین گونه است:

«فاطمة بنت موسى بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي
بن أبي طالب بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف بن قصي بن
کلاب بن مرة بن كعب بن لؤي بن غالب بن فهر بن مالك بن نضر بن
کنانة بن خزيمه بن مدركة بن إلياس بن مضر بن نزار بن معد بن
عدنان...»^۱

در ضمن آن حضرت در طبقه پنجم تبار خویش از طریق جد پدری به حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و سپس به پیامبر عظیم الشان اسلام ﷺ منسوب می باشد. این سلسله نسب بدین گونه است:

«فاطمة بنت موسى بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن فاطمة علیها السلام بنت محمد ﷺ بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف...».

۱. ر.ک: أنساب الأشراف، ج ۱، ص ۱۳۳؛ الأنساب، ج ۱، ص ۱۷. شایان ذکر است که ادامه سلسله آن حضرت چنین است: «... بن ثابت بن الهميسع بن تيمن بن نبت بن قيدر بن إسماعيل بن إبراهيم بن تارخ بن ناحور بن ساروع بن أرعوا بن فالخ بن عابر بن شالغ بن قينان بن أرفخشذ بن سام بن نوح بن لملك بن متوشلخ بن إدريس بن يرد بن مهلائيل بن قينان بن أنوش بن شيث بن آدم.»

همچنین نسب آن حضرت علیه السلام از طریق دختر امام حسن مجتبی علیه السلام که همسر امام سجاد علیه السلام و مادر امام باقر علیه السلام می باشد نیز به حضرت فاطمه زهرا علیه السلام سپس به پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله متصل می شود: «فاطمة بنت موسی جعفر بن محمد بن فاطمة بنت حسن بن فاطمة بنت محمد بن عبدالله...» و به همین طریق به امیرمؤمنان امام علی بن ابی طالب علیه السلام اتصال نسبی می یابد: «فاطمة بنت حسن بن علی ابی طالب بن عبدالمطلب...» به همین جهت در زیارت نامه گرانقدر آن حضرت ذکر شده است: «السَّلامُ عَلَیْکَ یا بِنْتَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ.»

این چهار تبارنامه در طبقه نسبی حضرت «عبدالمطلب»، وحدت نسب می یابند. آن حضرت دارای پدر، مادر، برادران و خواهران عالی مقامی است که هم اینک به شرح مختصر زندگی هر یک می پردازیم:

۱. پدر

پدر عالی مقام حضرت معصومه علیه السلام، امام «موسی بن جعفر» علیه السلام است. کنیه مشهور ایشان «ابوالحسن»^۱ و لقب مشهور وی «کاظم» می باشد.^۲ آن امام در هفتم صفر سال ۱۲۸ ق در «آبواء» به دنیا آمد^۳ و نام مادر پارسایش «حمیده» است.^۴ امام صادق علیه السلام در شأن و مقام پسرش امام کاظم علیه السلام فرموده است:

«قَدْ عَلَّمَ الْحُكْمَ وَالْفَهْمَ وَالسَّخَاءَ وَالْمَعْرِفَةَ بِمَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ
النَّاسُ وَمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنْ أَمْرِ دِينِهِمْ وَدُنْيَاهُمْ وَفِيهِ حُسْنُ الْخُلُقِ وَ
حُسْنُ الْجَوَابِ وَهُوَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»^۵

«فرزندم موسی دارای علم، حکمت، سخاوت و معرفت به تمام

۱. تاج الموالید، ص ۹۵؛ تذکرة الخواص، ص ۳۱۲؛ مطالب السؤل، ص ۲۸۹.

۲. همان؛ كشف الغمة، ج ۳، ص ۳.

۳. الإرشاد، ج ۲، ص ۲۰۷. «آبواء» روستایی میان مکه و مدینه است.

۴. الإرشاد، ج ۲، ص ۲۰۸.

۵. الکافی، ج ۱، ص ۳۱۴.

احتیاجات مردم از امور دنیا و آخرت که نمی دانند و در آن اختلاف دارند،
است در وجود وی زیبایی خلق و حسن پاسخ می باشد او دری از درهای علم
و رحمت خداوند متعال می باشد.»

آن حضرت به مدت سی و پنج سال (۱۴۸-۱۸۳ق) مقام امامت را بر عهده داشت؛ آن
هم در یکی از بحرانی ترین برهه های تاریخ اسلام.^۱

امام موسی کاظم علیه السلام در شرایطی وارث سلسله نور پیامبران الهی و امامان معصوم علیهم السلام
شد که ساختار راستین اسلام از دو جهت مورد تهاجم جدی قرار گرفته بود؛ از طرفی،
حکومت غاصب عباسی با دو شیوه نظامی و فرهنگی قصد انزوای کامل خاندان پیامبر
و حذف نهاد عرشی امامت در تمامی صحنه ها را داشت و از طرف دیگر، مدعیان دروغین
امامت، موجب تشویش اذهان جامعه دینی شده بودند.

عباسیان با سه شعار مردم را به قیام بر ضد حکومت اموی تحریک کردند:
۱. بازگشت به مبانی اصیل اسلام؛

۲. بازگردانیدن حکومت به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله؛

۳. برقراری عدالت.

ولی بر خلاف انتظار مردم که در اندیشه خلافت علویان بودند و برای تحقق آن تلاش
نموده و حکومت بنی امیه را سرنگون کردند، آنان فریبکارانه در سال ۱۳۲ق خود بر مسند
خلافت نشستند و بعد از استقرار و تثبیت حکومت غاصبانه عباسی، ماهیت انحرافی و
قدرت پرستانه خویش را نشان دادند و راه و رسم بنی امیه را در پوششی از ظاهر سازی دینی
و انتساب خود به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله در پیش گرفتند.

آنان با:

۱. ظلم و ستم حکومتی و گسترش جو اختناق؛

۲. چپاول ثروت بیت المال؛

۳. کنار گذاشتن خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله از تمام امور؛

۱. الإرشاد، ج ۲، ص ۲۰۸ و ۲۲۸؛ إعلام الوری، ص ۲۹۴.

۴. ایجاد فشار و تنگناهای مختلف برای شیعیان؛

۵. گسترش فرهنگ ابتذال و انحراف؛

۶. حمایت از جریان‌های وابسته به خود و مخالف با اسلام ناب؛

نظام اسلامی و تاریخ اسلام را دچار چالش جدی در همه ابعاد کردند.

مردم بعد از کشف ماهیت و اهداف بنی‌عباس به مخالفت با آنان برخاستند. عباسیان برای جلوگیری از قیام‌های مردمی و سرکوب آن‌ها به ویژه شیعیان، شیوه ایجاد خفقان و اختناق شدید سیاسی و امنیتی و برخورد قهرآمیز را به شکل بسیار شدیدتر از حکومت اموی به کار گرفتند و از طرفی برای تضعیف موقعیت و مرجعیت دینی و علمی امامان علیهم‌السلام، سیاست انزوای ایشان و جایگزینی علمای درباری را در جامعه اسلامی در یک برنامه‌ریزی دقیق، پنهان و فریبنده به اجرا در آوردند.

در آغاز دوران خلافت عباسیان که هنوز پایه‌های اقتدار حکومت آنان، استحکام لازم را پیدا نکرده بود، امام صادق علیه‌السلام با دور اندیشی الهی از فرصت پیش آمده، استفاده نمود و جهان اسلام را با بیانات روشنگرانه، گسترش و ترویج معارف الهی و تربیت بسیاری از عالمان دین در مکتب پرفیضش، حیاتی دوباره بخشید و تحریف‌ها و انحراف‌هایی را که در دوره‌های قبل، اساس اسلام را فرا گرفته بود، یکی بعد از دیگری زدود.

ولیکن حکومت عباسیان همان سیاست‌های پیش گفته را در آخر دوره امامت امام صادق علیه‌السلام به کار گرفت و حتی «ابومسلم خراسانی» (۱۰۰-۱۳۷ق) را که فرمانده نظامی آنان بود، به گمان مخالفت با خود، به بدترین شکل به قتل رساند.

شراب‌خواری، زن‌بارگی، چپاول بیت‌المال، تثبیت قدرت سیاسی به هر قیمت، عیش و نوش درباریان، گسترش فرهنگ ضد ولایت، تحمیل فقر اقتصادی و سرکوب وحشیانه قیام‌های مردمی، به ویژه نهضت‌های شیعی، اساس مبانی حکومت بنی‌عباس را تشکیل داده بود؛ به همین علت، مردان انقلابی علوی در سال ۱۶۸ق به رهبری یکی از نوادگان امام حسن علیه‌السلام به نام «حسین بن علی» (م ۱۶۹ق) در منطقه «فَخّ» قیام کردند که با سرکوب شدید عباسیان روبرو شد و رهبر آن قیام و بسیاری از قیام‌کنندگان، به شهادت

۱. برخی از تاریخ‌نگاران سال تولد وی را ۱۰۵ق ثبت کرده‌اند.

رسیدند و جوّ شدیدتری از اختناق و خفقان همه جا را فراگرفت.

از طرف دیگر ادّعای مدّعیان دروغین امامت مثل «عبدالله افطح» (م ۱۴۸ق) که برادر امام کاظم علیّه السلام بود و کوتاه فکران مدّعی امامت «اسماعیل» (۱۰۳-۱۳۸ق) - برادر دیگر امام که در زمان امام صادق علیّه السلام فوت شده بود- موجب تشویش افکار و اذهان جامعه دینی شده بود، با آن که امام صادق علیّه السلام بارها به امامت امام کاظم علیّه السلام بعد از خود تصریح نموده بودند.

بنی عباس با آغاز امامت امام کاظم علیّه السلام در سال ۱۴۸ق. آن سیاست های اختناق زا را به شدیدترین شکل به اجرا در آوردند، به طوری که بسیاری از شاگردان امام صادق و امام کاظم علیّه السلام از اطراف ایشان پراکنده شده، به دورترین مناطق اسلامی نقل مکان کردند و بسیاری از آنان مجبور به سکوت شدند.

دوران امامت آن حضرت معاصر با حکومت چهار زمامدار غاصب عباسی بود:

۱. منصور دوانیقی (۱۳۶ - ۱۵۸ق)؛

۲. مهدی بن منصور (۱۵۸ - ۱۶۹ق)؛

۳. هادی بن مهدی (۱۶۹ - ۱۷۰ق)؛

۴. هارون بن مهدی (۱۷۰ - ۱۹۳ق).

حکومت عباسی، به نام هواداری از اسلام اصیل با ظاهر فریبنده دینی، و با به خدمت گرفتن علمای دنیا طلب و مخالف امامت و ولایت خاندان پیامبر علیّه السلام، تمام اعمال غیر اسلامی و دنیاگرایانه خود را توجیه می کرد. آن ها با اسم اسلام، مبانی اصیل اسلامی را تحریف کرده، فرهنگ ابتذال و انحراف را در جامعه ترویج نموده و با مخالفان خود به شدّت برخورد می کردند.

در مقابل، امام کاظم علیّه السلام با روشنگری ها، هدایت ها و معجزات خود، همه این ادّعاها را رد نمود و به اساسی ترین کار «امام» در هر عصر - که حفظ جوهر اساسی اسلام و ترویج آن و دفاع کارآمد در مقابل تهاجم فرهنگی درونی و برونی است - همّت گماشت و تا توانست با بیانات خود، چهره پنهان ضدّ دینی عباسیان را افشا نمود.^۱

۱. أعلام الهدایة، ج ۹، ص ۸۲.

این امام همام، در علم، زهد، عبادت، جود و سخا، اخلاق، حلم، صبر، هدایت مردم و مبارزه با ظلم و فساد، یگانه دوران خویش بود و همگان بر این موضوع اذعان داشتند. حتی هارون الرشید به پسرش مأمون چنین گفت:

«هَذَا إِمَامُ النَّاسِ وَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ خَلِيفَتُهُ عَلَى عِبَادِهِ»^۱

این (امام کاظم علیه السلام) پیشوای مردم و حجت خدا بر آفریدگان و جانشین خداوند بر بندگانش است.

سپس گفت:

«أَنَا إِمَامُ الْجَمَاعَةِ فِي الظَّاهِرِ وَالْغَلْبَةِ وَالْقَهْرِ وَمُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ إِمَامٌ حَقٌّ وَاللَّهُ يَا بُنَيَّ إِنَّهُ لَأَحَقُّ بِمَقَامِ رَسُولِ اللَّهِ مِنِّي وَمِنْ الْخَلْقِ جَمِيعاً وَاللَّهُ لَوْ نَارَعْتَنِي هَذَا الْأَمْرَ لَأَخَذْتُ الَّذِي فِيهِ عَيْنَاكَ فَإِنَّ الْمُلْكَ عَقِيمٌ»^۲

«من در ظاهر، امام این مردم هستم آن هم با استبداد و زور؛ ولی موسی بن جعفر علیه السلام پیشوای به حق است. به خدا قسم، ای فرزندم! او به جانشینی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سزاوارتر از من و تمام مردم است. اما به خداوند سوگند، اگر تو نیز بخواهی با من درباره خلافت به ستیز برخیزی، دو چشمت را در می آورم؛ زیرا حکومت داری، فرزند و نسل نمی شناسد.»

آن حضرت علیه السلام به القابی، همچون: «کاظم»، «عالم»، «عبد صالح»، «باب الحوائج» و «زین المجتهدین» مشهور گردیده است.^۳

سرانجام، حکومت عباسی که وجود امام کاظم علیه السلام را تهدیدی جدی برای خود

۱. تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۲۹؛ عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۹۱؛ بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۱۳۱؛ مدینه المعاجز، ص ۴۴۹؛ أعلام الهدایة، ج ۹، ص ۱۳۰.

۲. بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۱۳۱.

۳. رك: أعلام الهدایة، ج ۹، ص ۲۹-۲۶؛ مطالب السؤل، ص ۲۸۹؛ كشف الغمة، ج ۳، ص ۵۸.

می‌پنداشت، ایشان را بعد از حبس‌های متعدّد و طولانی در ۲۵ رجب سال ۱۸۳ق به دست زندان بانی یهودی به نام «سندی بن شاهک» مسموم و شهید نمود و جامعه اسلامی را از نور وجودش محروم ساخت.

هم‌اینک بارگاه مطهر ایشان در شهر کاظمین - که امام جواد علیه السلام نیز در آن آرمیده است - مأوا و ملجأ همگان، به ویژه شیفتگان مکتب اهل بیت علیهم السلام می‌باشد.^۱
در این باره محمد بن ادریس (۱۰۵-۲۰۴ق) - امام مذهب شافعیه - گفته است:

«قَبْرُ مُوسَى الْكَاطِمِ التَّرْيَاقُ الْمَجْرَبُ»^۲

«مرقد امام موسی کاظم علیه السلام مایه آرامش و داروی تجربه شده است.»

۲. مادر

نام مبارک مادر آن حضرت «تُكْتَم» علیها السلام ملقب به «نجمه» می‌باشد.^۳ او از مهاجران و از اهالی سرزمین «النبویه» در منطقه جنوبی مصر و اطراف رود نیل است^۴ که به تقدیر الهی، به عنوان کنیز به مدینه آورده شد. برخی از مدیحه سرایان کهن اسلامی بر این اسم تصریح کرده‌اند:

«أَلَا إِنَّ خَيْرَ النَّاسِ نَفْساً وَوَالِداً وَرَهْطاً وَأَجْدَاداً عَلِيٌّ الْمُعْظَمُ

أَتْتَنَّا بِهِ لِلْعِلْمِ وَالْحِلْمِ ثَامِناً إِمَاماً تُؤَدِّي حُجَّةَ اللَّهِ تُكْتَمُ»^۵

«آگاه باشید که بهترین مردم از نظر شخصیت، پدر، قوم و اجداد، امام بزرگوار علی بن موسی علیه السلام است. «تکتّم» او را زاییده تا این که سرچشمه علم، حلم و هشتمین امام و حجت خدا باشد.»

۱. أعلام الهداية، ج ۹، ص ۴۶؛ تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۳۳؛ إعلام الوری، ص ۳۱۱ و ۳۱۲؛ تاج الموالید، ص ۹۶؛ مطالب السؤل، ص ۲۹۳.

۲. تحفة العالم فی شرح خطبة المعالم، ج ۲، ص ۴۳؛ بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۳۱۸.

۳. إعلام الوری، ص ۳۱۳؛ عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۶. «تُكْتَم» نام دیگر «چاه زمزم» است. ر.ک: القاموس المحيط، ج ۴، ص ۲۳۹؛ لسان العرب، ج ۱۲، ص ۳۲.

۴. مراد الإطلاع على أسماء أمكنة و البقاع، ج ۳، ص ۱۳۹۴؛ آثار البلاد و أخبار العباد، ص ۶۱.

۵. بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۵.

مادر بزرگوار حضرت فاطمه معصومه علیها السلام از زنان پارسای زمان خویش بود و در عقلانیت و درایت، مرتبه بالایی داشت.

«حمیده خاتون علیها السلام» همسر گرامی حضرت امام صادق علیه السلام «نجمه علیها السلام» را در سال ۱۴۷ ق خریداری کرد و در خواب پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله را دید که به وی می فرماید:

«يَا حَمِيدَةُ هِيَ نَجْمَةٌ لِّابْنِكَ مُوسَى فَإِنَّهُ سَيُولَدُ لَهُ مِنْهَا خَيْرٌ أَهْلِ الْأَرْضِ»^۱

ای حمیده! نجمه را به فرزندت موسی هدیه نما، که به زودی برای ایشان برترین انسان روی زمین، از وی متولد خواهد شد.^۲

«حمیده خاتون علیها السلام» نیز چنین کرد و به حضرت کاظم علیه السلام گفت:

«يَا بُنَيَّ إِنَّ تَكْتَمَ جَارِيَةً مَا رَأَيْتُ جَارِيَةً قَطُّ أَفْضَلَ مِنْهَا وَلَسْتُ أَشْكُ أَنَّ اللَّهَ سَيَطْهَرُ نَسْلُهَا إِنْ كَانَ لَهَا نَسْلٌ وَقَدْ وَهَبْتُهَا لَكَ فَاسْتَوْصِ بِهَا خَيْرًا»^۳

«پسر من! این «تکتَم» دختری است که من هرگز در تمام عمرم دختری والاتر از وی ندیده‌ام. من هیچ تردیدی ندارم که اگر برای وی فرزندی باشد خداوند فرزندی از او به تو عنایت می‌کند و نسل طیب و طاهری از ایشان پدیدار خواهد کرد. او را به تو بخشیدم؛ پس همواره در حق وی خیر و سعادت مسألت نما.»

امام کاظم علیه السلام درباره حضرت «نجمه خاتون علیها السلام» فرموده است:

«بَيْنَا أَنَا نَائِمٌ إِذْ أَتَانِي جَدِّي وَأَيِّي وَمَعَهُمَا شَقَّةٌ حَرِيرٍ فَتَشْرَاهَا فَإِذَا قَمِصٌ وَفِيهِ صُورَةُ هَذِهِ الْجَارِيَةِ فَقَالَا يَا مُوسَى:

۱. کشف الغمّة، ج ۳، ص ۱۴۹؛ بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۵.

۲. بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۷؛ کشف الغمّة، ج ۳، ص ۱۵۰؛ إعلام الوری، ص ۳۱۳.

۳. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۲؛ إعلام الوری، ص ۳۱۴؛ کشف الغمّة، ج ۳، ص ۱۵۰؛ بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۵.

لَيَكُونَنَّ لَكَ مِنْ هَذِهِ الْجَارِيَةِ خَيْرُ أَهْلِ الْأَرْضِ ثُمَّ أَمَرَانِي إِذَا
وَلَدَتْهُ أَنْ أُسَمِّيَهُ عَلِيًّا، وَقَالَا: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ سَيُظْهِرُ بِهِ الْعَدْلَ وَ
الرَّأْفَةَ وَالرَّحْمَةَ، طُوبَى لِمَنْ صَدَّقَهُ وَوَيْلٌ لِمَنْ عَادَاهُ وَكَذَّبَهُ وَعَانَدَهُ؛^۱

«در هنگام خواب، جدّم و پدرم نزد من آمدند و با خود پارچه حریری
داشتند، آن را گشودند؛ در آن نقش صورت این کنیز بود. هر دو فرمودند:
ای موسی! بی تردید برای تو از این کنیز، بهترین انسان روی زمین به دنیا
می آید. سپس مرا فرمان دادند که نام فرزندم را «علی» بگذارم و فرمودند:
همانا خداوند متعال به واسطه وی، عدالت، رأفت و مهربانی را در زمین
آشکار خواهد کرد. درود و بهشت از آن کسی که وی را تصدیق کند و مرگ و
جهنّم بر آن کسی باد که وی را تکذیب کند و با او دشمنی ورزد.»

آن بزرگ بانو، اهل عبادت، دعا و انس با خدا بوده است و تاریخ نگاران بر این معنا
تصریح داشته اند.

نام های دیگری نیز برای آن حضرت ذکر شده است؛ مانند: «طاهره»، «خیزران»،
«آروی»، «سکن»، «سمانه»، «شقراء»، «سلامه» و «صقر». کنیه ی وی نیز، «أُمُّ الْبَنِينَ»
می باشد.^۲ شایان توجه است که امام کاظم علیه السلام بعد از تولّد امام رضا علیه السلام به وی لقب
«طاهره» داد.

حضرت «نجمه» علیه السلام در مکتب امام کاظم علیه السلام علم، معرفت و آشنایی با اصول و فروع
دین آموخت. همچنین هر روز ساعت ها در محضر «حمیده خاتون علیها السلام» - مادر گرامی امام
کاظم علیه السلام - معارف اسلام را فرا می گرفت.

از دامان مطهر او، دو فرزند عالی مقام: «امام رضا علیه السلام» و «حضرت معصومه علیها السلام» به
دنیا آمده اند که در تاریخ تشیّع، اسلام و جهان، نقش ویژه ای دارند.

۱. دلائل الإمامة، ص ۳۴۹.

۲. رك: الكافي، ج ۱، ص ۴۸۶؛ الإرشاد، ج ۲، ص ۲۳۹؛ حلیة الأبرار، ج ۴، ص ۳۳۷؛ مناقب آل أبي طالب، ج ۴، ص ۳۹۴.

آن پاک بانوی خاندان موسوی می‌فرماید:

«لَمَّا حَمَلْتُ بِابْنِي (عَلِيٍّ) لَمْ أَشْعُرْ بِثِقَلِ الْحَمْلِ وَكُنْتُ أَسْمَعُ فِي
مَنَامِي تَسْبِيحاً وَتَهْلِيلاً وَتَمْجيداً»^۱

«آنگاه که به پسر «علی» باردار بودم، سنگینی حمل را هرگز احساس
نمی‌کردم و همواره در حالت خواب صدای تسبیح و تهلیل و ستایش خدا را
[از روی] در رحم خود می‌شنیدم.»

سپس فرمودند:

«فَلَمَّا وَضَعَتْهُ وَقَعَ إِلَى الْأَرْضِ وَاضِعاً يَدَهُ عَلَى الْأَرْضِ رَافِعاً رَأْسَهُ
إِلَى السَّمَاءِ يُحَرِّكُ شَفَتَيْهِ كَأَنَّهُ يَتَكَلَّمُ فَدَخَلَ إِلَى أَبِيهِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ
فَقَالَ: هَنِيئاً لَكَ يَا نَجْمَةُ كَرَامَةِ رَبِّكَ فَنَاوَلْتُهُ إِيَّاهُ فِي خِرْقَةٍ بَيْضَاءَ
فَأَذِنَ فِي أُذُنِهِ الْيُمْنَى وَأَقَامَ فِي الْيُسْرَى وَدَعَا بِمَاءِ فُرَاتٍ وَحَنَكَهُ بِهِ
ثُمَّ رَدَّهُ إِلَيَّ فَقَالَ: خُذِيهِ فَإِنَّهُ بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ»^۲

«چون او را به دنیا آوردم، وی روی زمین قرار گرفت و دست‌هایش را
بر زمین گذارد و سرش را به سوی آسمان بلند کرد و دولبش را به حرکت
درآورد، به طوری که گویا سخن می‌گفت. در این هنگام پدرش حضرت
موسی بن جعفر علیه السلام وارد شد و فرمود: ای نجمه! مبارک باد بر تو این کرامت
پروردگارت. من او را در پارچه‌ای سفید پیچیدم و به وی دادم. ایشان اذان
در گوش راست و اقامه در گوش چپشان گفت و آب فرات از ما خواست و کام
وی را با آن آشنا نمود. سپس ایشان را به من برگرداند و فرمود: او را بگیر که،
او بقیة الله در زمین است.»

۱. کشف الغمّة، ج ۳، ص ۱۳۱؛ حلیة الأبرار، ج ۴، ص ۳۴۰؛ الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۳۳۷.

۲. همان.

آن بانوی بزرگوار در دوران همسری خود با امام کاظم علیهما السلام، سختی های بسیاری تحمل کرد و در برابر فشارها، ناجوانمردی ها، تهدیدات و شکنجه های فراوان عباسیان نسبت به امام کاظم علیهما السلام سخت استقامت نمود و پایدار ایستاد، از آن امام دفاع کرد و فرزندان گران قدر آن حضرت را در نبود ایشان سرپرستی، حمایت و هدایت نمود.

«علی بن میثم»^۱ - یکی از اصحاب امام رضا علیهما السلام و از متکلمین و تاریخ نگاران بنام اسلام - درباره شخصیت حضرت «نجمه علیها السلام» می گوید:

«كَانَتْ مِنْ أَفْضَلِ النِّسَاءِ فِي عَقْلِهَا وَ دِينِهَا»^۲

«نجمه، از والاترین زنان در [قدرت] عقل و مراعات دین بود.»

سرانجام آن بانوی پارسا در مدینه وفات یافت و در «مشربه امّ ابراهیم»، کنار مزار حمیده خاتون علیها السلام به خاک سپرده شد.^۳

۳. برادران و خواهران

امام موسی بن جعفر علیهما السلام به جهت «ازدیاد نسل رسالت و امامت» که دشمنان خاندان پیامبر ﷺ در اندیشه انقراض آن بودند و «تربیت نیروهای مطمئن و کارآمد علوی» برای حضور در عرصه های مختلف در جهان اسلام و «ایجاد سامانه حمایت از مکتب اهل بیت علیهم السلام توسط نسل پیامبر ﷺ» صاحب فرزندان بسیاری گردید، و در کتب تاریخی فرزندانی بسیار برای آن حضرت نام برده شده است.

شیخ مفید رحمه الله (۳۳۶-۴۱۳ق) آن حضرت را صاحب سی و هفت فرزند - شامل هجده پسر و نوزده دختر - دانسته است.^۴ برخی از بزرگان عرصه ی تاریخ این نظر را پذیرفته اند.^۵

۱. ر.ک: معجم رجال الحديث، ج ۱۲، ص ۲۵.

۲. عیون أخبار الرضا علیهما السلام، ج ۱، ص ۱۳؛ كشف الغمة، ج ۳، ص ۱۴۹ و ۱۵۰؛ بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۵.

۳. آثار اسلامی مکه و مدینه، ص ۲۳۰؛ در عصمت، ص ۳۷.

۴. الإرشاد، ج ۲، ص ۲۳۶.

۵. ر.ک: إعلام الوری، ص ۳۱۲؛ صحاح الأخبار فی نسب السادة الفاطمية الأخیار، ص ۴۵؛ الفصول المهمة، ج ۲، ص ۹۶۱.

ابن شهر آشوب (۴۸۹ یا ۴۸۸-۵۸۸ ق) برای آن حضرت، سی نفر فرزند - سیزده پسر و هفده دختر - بیان نموده است^۱ و نوبختی - از علمای قرن چهارم - برای آن حضرت، سی و سه فرزند - هجده پسر و پانزده دختر - ذکر کرده است.^۲

ابن خشاب^۳ (۴۹۲-۵۶۷ ق) و ابن طلحه شافعی^۴ (۵۸۲-۶۵۲ ق) تعداد فرزندان حضرت را سی و هشت نفر ذکر کرده اند که بیست پسر و هجده دختر می باشد. طبق نقل مؤلف کتاب «زبدة التصانیف»، تعداد فرزندان آن حضرت، سی و هشت نفر - شامل بیست و یک پسر و هفده دختر - است.^۵ سهل بن عبدالله بخاری از علمای قرن چهارم^۶ حسن بن محمد قمی به نقل از علمای تاریخ، تعداد فرزندان آن حضرت را چهل نفر - هجده پسر و بیست و دو دختر - و همچنین سبط بن جوزی (۵۸۲-۶۵۴ ق)^۷ از علمای تاریخ، تعداد فرزندان آن حضرت را چهل نفر - بیست پسر و بیست دختر - بر شمرده اند و ابن عنبه، فخر رازی (۵۴۴-۶۰۶ ق)، ابن طباطبا (م ۳۴۵ ق) و کیاء گیلانی - از علمای قرن دهم - در کتاب خود، تعداد فرزندان امام کاظم علیه السلام را شصت نفر بیان داشته است که شامل بیست و سه پسر و سی و هفت دختر است.^۸

درباره ی تعداد فرزندان امام کاظم علیه السلام آرای دیگری نیز مطرح است که از منظر دانشوران علم تاریخ و انساب، قابل توجه و تحقیق می باشد؛ مانند: ابن فندق بیهقی (۴۹۹-۵۶۵ ق)، تعداد فرزندان را سی و پنج نفر - هفده پسر و هجده دختر - بیان نموده است.^۹

۱. مناقب آل أبي طالب، ج ۴، ص ۳۲۴.

۲. فرق الشيعة، ص ۸۷.

۳. تاریخ موالید الأئمة، ص ۳۴.

۴. مطالب السؤل، ص ۲۹۳؛ كشف الغمة، ج ۳، ص ۴۱.

۵. زبدة التصانیف، ص ۱۴۲.

۶. سر السلسلة العلویة في شرح كتاب سر أنساب العلویة، ص ۳۶.

۷. تذكرة الخواص، ص ۳۱۴.

۸. رك: عمدة الطالب، ص ۱۷۷؛ الشجرة المباركة في أنساب الطالبيّة، ص ۹۰؛ النفخة العنبريّة في أنساب خير البريّة، ص ۶۲؛ سراج الأنساب، ص ۷۲.

۹. لباب الأنساب، ج ۲، ص ۳۴۹.

طبری (۲۲۴-۳۱۰ق) آنان را سی و نه نفر؛ هجده پسر و بیست و یک دختر بوده، ذکر کرده است.^۱ ابوالحسن علوی عُمَری (حدود ۳۹۰-۴۶۰ق) تعداد آنان را پنجاه و نه نفر - بیست و دو پسر و سی و هفت دختر - برشمرده^۲ و یعقوبی (متوفی پس از ۲۹۲ق) تعداد آنان را چهل و یک نفر - شامل هجده پسر و بیست و سه دختر - دانسته است.^۳ حمدالله مستوفی (۶۸۰-۷۵۰ق) فرزندان آن امام علی(ع) را پنجاه و نه نفر - شامل سی و یک پسر و بیست و هشت دختر - مطرح کرده است.^۴

با بررسی‌های تاریخی و روایی، می‌توان برادران و خواهران حضرت فاطمه معصومه علیها السلام را که مشهور و مستند به روایتی از امام کاظم علی(ع) می‌باشد،^۵ چنین دانست:

الف) برادران

۱. امام علی بن موسی الرضا علی(ع)؛

۲. احمد؛^۶

۳. ابراهیم؛^۷

۱. دلائل الإمامة، ص ۳۰۹.

۲. المجدي في أنساب الطالبين، ص ۲۹۸.

۳. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۵۰۰.

۴. تاریخ گزیده، ص ۲۰۴.

۵. ر.ک: عیون أخبار الرضا علی(ع)؛ ج ۱، ص ۸۹؛ حلیة الأبرار، ج ۴، ص ۲۷۹. قال هارون له [لإمام کاظم علی(ع)]: یا أبا الحسن، ما عليك من العیال؟ فقال علی(ع): یزیدون علی الخمسمائة. قال: أولاد کلهم؟ قال علی(ع): لا، أكثرهم موالی و حشم. أما الولد فلی نثف و ثلاثون.

۶. وی مشهور به «شاهچراغ» است. ایشان از بغداد برای دیدار و حمایت - برخی نوشته‌اند برای خونخواهی - امام رضا علی(ع) حرکت کرد که در منطقه خان زنیان فارس، مورد حمله مزدوران بنی عباس به سرکردگی «قتلغ خان» قرار گرفت. وی در شیراز به شهادت رسید و در آنجا به خاک سپرده شد. مادر وی «ام احمد» از همسران پارسای امام کاظم علی(ع) است که آن حضرت «ودیه امامت» را به وی سپرده بود تا به امام رضا علی(ع) عطا کند. ر.ک: الإرشاد، ج ۲، ص ۲۴۴؛ بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۳۸؛ اعلام الوری، ص ۳۱۲.

۷. وی از فرزندان بزرگوار امام کاظم علی(ع) است که به شجاعت، جود، سخاوت و فضیلت مشهور است. او بر ضد عباسیان همراه «ابن طباطبای» و «ابو السرایا» قیام کرد و بر منطقه «یمن» تسلط یافت و فرماندار آن دیار شد؛ ولی بعد از مدتی از لشکر مأمون شکست خورد و به بغداد تبعید گردید و در آنجا با سم به شهادت رسید و در کنار امام کاظم علی(ع) در کاظمین به خاک سپرده شد. نقل شده است که فرزند دیگری از آن امام به نام «ابراهیم

۴. عباس؛
۵. قاسم؛
۶. اسماعیل^۱؛
۷. جعفر؛
۸. هارون^۲؛
۹. حسن؛
۱۰. حسین^۳؛
۱۱. محمد^۴؛
۱۲. حمزه^۵؛
۱۳. عبدالله؛
۱۴. اسحاق؛
۱۵. عبیدالله؛

اصغر^۶ می باشد که برخی می گویند در «کاشمر» و برخی دیگر نوشته اند در کربلا مدفون است. الإرشاد، ج ۲، ص ۲۴۵؛ بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۳۰۴، إعلام الوری، ص ۳۱۳.

۱. وی دانشمندی گرانمایه بود که دارای کتاب های بسیاری در علوم و معارف اسلامی است. امام کاظم علیه السلام ایشان را از اوصیاء خود معرفی کرد. وی سرانجام در مصر وفات یافت و در آنجا به خاک سپرده شد. ر.ک: بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۳۱۴.

۲. از فرزندان بزرگوار امام کاظم علیه السلام است که مطابق نقل تاریخ، همراه حضرت معصومه علیها السلام از مدینه هجرت کرد. در ساوه توسط حمله مزدوران بنی عباس به شهادت رسید و در همان جا به خاک سپرده شد. ر.ک: الحیة السیاسیة للإمام الرضا علیه السلام، ص ۴۲۸.

۳. وی به «سید علاء الدین حسین» معروف است که در شیراز همراه احمد بن موسی (شاهچراغ) علیه السلام به شهادت رسید و بارگاه مطهر وی نیز زیارتگاه مؤمنان است. ر.ک: بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۳۱۲. شایان ذکر است که بارگاهی به همین نام نیز در طبرس موجود است.

۴. به جهت کثرت عبادت، مشهور به «محمد عابد» است. وی همراه حضرت شاهچراغ علیه السلام به شهادت رسید و پیکر مطهرش در کنار بارگاه مطهر آن حضرت، دفن گردید. بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۳۱۱؛ الإرشاد، ج ۲، ص ۲۴۵.

۵. آن فرزند بزرگوار حضرت امام کاظم علیه السلام در شهر ری وفات یافت و در آنجا به خاک سپرده شد. حضرت عبدالعظیم علیه السلام در شهر ری، به زیارت مرقد مطهر ایشان می رفت. برخی محل دفن وی را «وی» و «اصطخر فارس» بیان داشته اند. ر.ک: أنوار المشعشعین، ج ۱، ۵۳۷-۵۲۳؛ بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۳۱۳.

۱۶. زید؛

۱۷. فضل؛

۱۸. سلیمان.

شایان ذکر است که در برخی از کتب أنساب نقل شده است که «صالح بن موسی» از فرزندان امام هفتم بوده و در منطقه «تجریش» دفن شده است که هم اینک زیارتگاه مؤمنان می باشد.^۲

(ب) خواهران

۱. فاطمه صغری؛^۳

۲. فاطمه وسطی؛

۳. فاطمه آخری؛

۴. رقیه کبری؛

۵. رقیه صغری؛

۶. اُم ابیها؛

۷. حکیمه؛^۴

۸. کلثم؛

۹. اُم جعفر؛

۱. وی از قیام کنندگان بر ضد حکومت عباسی بود که به بصره تسلط یافت، ولی بعد از چندی از سپاه مأمون شکست خورد و به جهت حضور امام رضا علیه السلام به ظاهر بخشیده شد، اما بعد از مدتی مسموم شد. او به جهت آتش زدن بصره به «زید النار» مشهور گشت. ر.ک: بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۳۱۵.

۲. ر.ک: بحر الأنساب، ص ۸۲؛ کنز الأنساب، ص ۵۹.

۳. مشهور است به «بی بی هیبت» که به جهت تحت تعقیب قرار گرفتن عازم «باکو» شد و بعد از چندی در آنجا وفات یافت و دارای بارگاهی نورانی بود که به فرمان «استالین» با خاک یکسان شد؛ ولی بعد از فروپاشی شوروی سابق، دوباره تجدید بنا گردید که هم اینک مورد توجه همگان است. شایان ذکر است که «فاطمه وسطی» در اصفهان و «فاطمه آخری» در «سوخته محله» رشت، مدفون می باشند و دارای بارگاه هستند. ر.ک: بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۳۱۱.

۴. آن بانوی پارسا در مسیر هجرت خاندان امام کاظم علیه السلام به ایران، در نزدیکی بهبهان وفات یافت و بارگاه مطهرش زیارتگاه شیفتگان اهل بیت علیهم السلام است. ر.ک: بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۳۱۶.

۱۰. لبابه؛
۱۱. زینب^۱؛
۱۲. خدیجه؛
۱۳. علیّه؛
۱۴. آمنه^۲؛
۱۵. حسنه؛
۱۶. بُریّه؛
۱۷. عبّاسه^۳؛
۱۸. اُمّ سلمه؛
۱۹. میمونه؛
۲۰. اُمّ کلثوم^۴.

۱. آن بانوی گرانقدر در مسیر هجرت خود در «ارزنان» اصفهان وفات یافت و هم‌اینک مرقد مطهرش زیارتگاه مؤمنان است. ر.ک: زینب دختر موسی کاظم، ص ۲۰؛ اعلام النساء المؤمنات، ص ۴۱۶؛ منتهی الآمال، ج ۲، ص ۱۴۱.

۲. آن بانوی والا مقام که از راویان حدیث نیز بود، به مصر هجرت کرد و در آنجا مورد استقبال قرار گرفت و بعد از وفات در آن سرزمین به خاک سپرده شد. اکنون بارگاهش زیارتگاه می‌باشد و دارای کرامات فراوانی است. ر.ک: معجم البلدان، ج ۵، ص ۱۴۲.

۳. ر.ک: جمهرة أنساب العرب، ص ۶۱؛ المجدی فی أنساب الطالبیین، ص ۲۹۷. در برخی از کتب انساب، دختری به نام «عایشه» برای امام کاظم علیه السلام نیامده است، بلکه به جای وی «عباسه» ذکر شده است و احتمال دارد ذکر «عایشه» از اشتباه نویسندگان بوده است.

۴. قابل توجه است که تاریخ‌نگاران، حداکثر فرزندان آن امام علیه السلام را شصت نفر دانسته‌اند: ۲۳ پسر به نام‌های: علی (امام رضا علیه السلام)، عبدالرحمن، عقیل، قاسم، یحیی، داوود، سلیمان، فضل، احمد، حسین، ابراهیم اکبر، هارون، زید، حسن، ابراهیم اصغر، عباس، اسماعیل، محمد، اسحاق، حمزه، عبدالله، عبیدالله و جعفر و ۳۷ دختر که اسامی آنان عبارتند از: فاطمه کبری (حضرت معصومه علیها السلام)، امّ عبدالله، حکیمه، فاطمه صغری، قسیمه، لبابه، ام جعفر، امامه، کلثم، بریهه، امّ قاسم، محموده، امینه کبری، علیّه، زینب کبری، رقیه، حسنه، عباسه، امّ سلمه، اسماء کبری، امّ فروه، آمنه، امّ اییها، حلیمه، رمله، میمونه، امینه صغری، اسماء صغری، زینب صغری، امّ کلثوم کبری، امّ کلثوم صغری، خدیجه کبری، خدیجه صغری، فاطمه وسطی، امّ کلثوم وسطی، عطفه، فاطمه (آخری). ر.ک: عمدة الطالب، ص ۱۹۶؛ عوالم العلوم، ج ۲۱، ص ۳۲۳-۳۱۸؛ ریاض الأبرار،

دولت جنایتکار مأمون، تعدادی از فرزندان حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام را به شهادت رساند، همانند: امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام، احمد بن موسی (شاهچراغ)، سید علاء الدین حسین بن موسی، زید بن موسی، ابراهیم بن موسی، هارون بن موسی، عبدالله بن موسی، عبد الرحمان بن موسی، اسحاق بن موسی، فضل بن موسی و جعفر بن موسی علیهما السلام^۱. متأسفانه درباره تعداد و شرح زندگی فرزندان گرانقدر امام کاظم علیهما السلام - به جز امام رضا علیهما السلام - اطلاعات کامل تاریخی و مستند و قابل اعتنایی در دست نیست و یا در صورت وجود، باز هم به علت اختناق حاکم در آن عصر، عدم توجه تاریخ نگاران به ثبت تاریخی حوادث پیرامون افراد غیر سرآمد و همچنین ساده انگاری و عدم دقت تاریخ نویسان متأخر، همین اطلاعات موجود با تناقضات و اختلاف نظرهای فراوانی روبه روست.

ج ۲، ص ۳۳۳.

۱. ر.ک: الحیاة السیاسیة للإمام الرضا علیهما السلام، ص ۴۲۸.

فصل سوم

حضرت معصومه علیها السلام در کلام

ائمه علیهم السلام و بزرگان

در روایات و سخنان بزرگان شیعه، مطالب بسیار ممتازی در شأن، مقام و منزلت حضرت معصومه علیها السلام بیان گردیده است که جملگی نشان از عظمت شخصیت آن حضرت دارد. با بررسی متون فاخر دین می یابیم که این اوصاف تنها برای برخی از بانوان مثل: حضرت فاطمه، حضرت زینب و حضرت فاطمه معصومه علیها السلام ذکر شده است. در این فصل، به این بیانات و اوصاف که کاشف از جایگاه گرانقدر حضرت معصومه علیها السلام است، پرداخته می شود.

الف. کلام امامان علیهم السلام

توصیف عظمت شخصیت حضرت معصومه علیها السلام در کلام چهار امام معصوم علیهم السلام در مجموعه روایات شیعی ثبت گردیده است که به ترتیب زمانی، به بیان هر یک می پردازیم:

۱. امام صادق علیها السلام

الف: «إِنَّ لِلَّهِ حَرَمًا وَهُوَ مَكَّةُ وَلِلرَّسُولِ ﷺ حَرَمًا وَهُوَ الْمَدِينَةُ وَإِنَّ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ حَرَمًا وَهُوَ الْكُوفَةُ وَإِنَّ لَنَا حَرَمًا وَهُوَ بَلَدَةُ قَمٍّ وَسَتُدْفَنُ فِيهَا امْرَأَةٌ مِنْ أَوْلَادِي تُسَمَّى فَاطِمَةَ فَمَنْ زَارَهَا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ»^۱؛

«همانا برای خداوند، حرمی است و آن مکه می باشد و برای

۱. ن.خ: لرسوله.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۲۱۶، ج ۹۹، ص ۲۶۷.

پیامبرش صلی الله علیه و آله حرمی است و آن مدینه می باشد و برای امیرمؤمنان علیه السلام حرمی است و آن کوفه می باشد و برای ما، حرمی است و آن قم است. بزودی در آنجا بانویی از فرزندانم که «فاطمه» نام گذارده می شود، دفن می گردد. پس هرکسی وی را زیارت کند، بهشت برای او واجب می شود.» همین روایت به سند دیگری نیز، نقل شده است که جمله انتهایی آن، این گونه است:

«إِنَّ زِيَارَتَهَا تَعْدِلُ الْجَنَّةَ»^۱

«همانا ثواب زیارت وی، معادل و هم سنگ بهشت است.»

ب: «إِنَّ لِلَّهِ حَرَمًا وَهُوَ مَكَّةُ أَلَا إِنَّ لِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله حَرَمًا وَهُوَ الْمَدِينَةُ أَلَا وَإِنَّ لَامِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیهم السلام حَرَمًا وَهُوَ الْكُوفَةُ أَلَا وَإِنَّ قَمَّ الْكُوفَةِ الصَّغِيرَةَ أَلَا إِنَّ لِلْجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ ثَلَاثَةٌ مِنْهَا إِلَى قَمِّ ثَقْبُضَ فِيهَا امْرَأَةٌ هِيَ مِنْ وَلَدِي اسْمُهَا فَاطِمَةُ بِنْتُ مُوسَى وَتَدْخُلُ بِشَفَاعَتِهَا شِيعَتِي الْجَنَّةَ بِأَجْمَعِهِمْ»^۲

«بدانید که همانا برای خداوند، حرمی است و آن مکه می باشد و برای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله حرمی است که مدینه می باشد و برای امیرمؤمنان علیه السلام حرمی است که آن کوفه می باشد. و آگاه باشد که قم، کوفه‌ی کوچک است. همانا برای بهشت، هشت درب است که سه درب آن به سوی قم باز می شود. در آنجا بانویی از فرزندان من که نام وی فاطمه دختر موسی است، دفن می گردد. شیعیانم همگی با شفاعت او به بهشت داخل می شوند.»

۱. بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۲۶۷؛ تاریخ قم، ص ۲۱۵؛ أنوار المشعشين، ج ۱، ص ۴۹۱. قابل ذکر است که در برخی از کتب حدیثی به جای «تعديل» لفظ «تعادل» ذکر شده است. می توان این روایت را به اعتبار ذیل آن، روایت دیگری تلقی کرد که آن حضرت علیه السلام جدا از آن روایت مطرح کرده باشند.
۲. بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۲۲۸؛ نقض، ص ۱۹۶. ر.ک: أعيان الشيعة، ج ۱، ص ۲۰۷؛ این روایت در دیگر کتب روایی با اندکی اختلاف نقل شده است.

۲. امام کاظم علیها السلام

نقل شده است که حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام بعد از شنیدن جواب های حضرت معصومه علیها السلام به سؤال پرسشگران، فرمود:

«فَدَاها أَبُوها»^۱

« پدرش به فدایش باد.»

این سخن، نشان از صحت پاسخ و عظمت علمی آن حضرت و محبوبیت ایشان نزد امام کاظم علیها السلام دارد.

۳. امام رضا علیها السلام

امام رضا علیها السلام منزلت و شأن خواهرش حضرت معصومه علیها السلام و نیز آثار الهی زیارت وی را چنین بیان نموده است:

الف: «مَنْ زَارَهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ»^۲

«هرکسی ایشان (حضرت معصومه علیها السلام) را زیارت کند، بهشت از آن وی است.»

ب: «... مَنْ زَارَهَا عَارِفاً بِحَقِّهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ»^۳

«هرکسی او را زیارت کند و عظمت شخصیت و حق وی را کاملاً بشناسد، پاداش وی بهشت است.»

امام رضا علیها السلام در زیارت نامه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام اوصافی برای آن بزرگ بانو

۱. کریمه اهل بیت علیها السلام، ص ۱۷۱، به نقل از: ابن عرندس در کتاب «كشف اللثالی»؛ کریمه أهل البيت فاطمة بنت الإمام الكاظم علیها السلام، ص ۷۳.

۲. کامل الزیارات، ص ۳۲۴.

۳. بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۳۱۷ و ج ۹۹، ص ۲۶۵.

بیان می فرماید که بیانگر شخصیت ممتاز وی است. حضرت ثامن الحجج علیه السلام در فرازی از آن زیارت نامه، دو ویژگی مهم: «دارا بودن مقام شفاعت» و «شأن و منزلت والا نزد خداوند» را برای آن حضرت علیه السلام بیان می نماید:

ج: «يَا فَاطِمَةُ اشْفَعِي لِي فِي الْجَنَّةِ، فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأْنًا مِنَ الشَّأْنِ»؛^۱

«ای فاطمه! درباره بهشت در قیامت شفاعت منما؛ زیرا بی تردید برای تو نزد خداوند، شأن و منزلتی بس بزرگ است.»^۲

۴. امام جواد علیه السلام

امام جواد علیه السلام نیز پاداش زیارت حضرت معصومه علیه السلام و ارتباط نسبی خود با آن حضرت را چنین بیان می فرماید:

«مَنْ زَارَ قَبْرَ عَمَّتِي بِقُمْ فَلَهُ الْجَنَّةُ»؛^۳

«هر فردی قبر عمه ام را در قم زیارت نماید، پاداشش بهشت است.»

۱. بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۲۶۷.

۲. حدیث دیگری نیز در این باره از امام رضا علیه السلام در برخی از کتب بدون سند نقل شده است: «مَنْ زَارَ الْمَعْصُومَةَ بِقُمْ كَمَنْ زَارَنِي؛ هر کسی حضرت معصومه علیه السلام را در قم زیارت کند، گویا مرا زیارت کرده است.» ریاحین الشریعة، ج ۵، ص ۳۵؛ ناسخ التواریخ، ج ۳، ص ۶۸.

۳. بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۲۶۵؛ کامل الزیارات، ص ۳۲۴.

ب. سخن بزرگان

بی تردید تمامی بزرگان اهل تحقیق و پژوهش در عرصه های مختلف علوم اسلامی، به ویژه تاریخ، به والا مقامی و نقش بسیار مهم و مؤثر حضرت معصومه علیها السلام در تاریخ و معارف اسلامی اذعان دارند. هر کسی در سایه سار آستان آسمانی اش به کسب معارف موقّق گردیده، بهره مندی خود را مدیون عنایات آن حضرت می داند. عالمان بزرگ جهان فقهت و علوم و معارف اعتقادی و اخلاق و عرفان، از انوار ستاره بی غروب آل محمد حضرت فاطمه معصومه علیها السلام استفاده های بسیار برده و بر این موضوع تصریح می کنند. هم اینک دیدگاه برخی از آن بزرگان دانش و اخلاق و عرفان پیرامون شخصیت ممتاز و قدسی حضرت کریمه اهل بیت علیهم السلام بیان می شود:

الف) نشر

۱. ملاصدرا حجت الاسلام (۹۷۹-۱۰۴۵ق)

ملاصدراى شیرازى حجت الاسلام - مؤسس مکتب حکمت متعالیه و فیلسوف و عارف گرانقدر شیعه - در حاشیه کتاب «أسفار» چنین بیان می کند:

«كُنْتُ حِينَ تَسْوِيَةِ هَذَا الْمَقَامِ بِ (كَهْكَ) مِنْ قُرَى (قَمٍّ) فَجِئْتُ إِلَى (قَمٍّ) زَائِرًا إِلَى (بِنْتِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ) مُسْتَمِدًّا مِنْهَا وَكَانَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَأُنْكَشَفَ لِي هَذَا الْأَمْرُ بِعَوْنِ اللَّهِ تَعَالَى»^۱

«آن زمانی که این مطالب [اتحاد عاقل و معقول] را می نگاشتم، در (کهک) یکی از روستاهای قم بودم؛ برای [حل معضل علمی] و استمداد از حضرت معصومه علیها السلام به قم رفتم، روز جمعه بود. پس آن مطلب با یاری خداوند متعال برایم حل شد.»

۲. آیت الله العظمی اراکی حجت الاسلام (۱۲۷۳-۱۳۷۳ق)

آیت الله العظمی حاج شیخ محمد علی اراکی حجت الاسلام در مقدمه کتاب «درر الفوائد» این گونه می نگارد:

۱. سیمای فرزنانگان، ص ۱۹۹.

«إِنِّي وَإِنْ كُنْتُ غَيْرَ أَهْلِ لِهَذَا الشَّأْنِ لِقَلَّةِ الْإِسْتِعْدَادِ مُضَافاً إِلَى ضَيْقِ الْوَقْتِ وَلَكِنْ اعْتِمَادِي عَلَى تَوَجُّهِ الْحَضْرَةِ الْمُقَدَّسَةِ الْفَاطِمِيَّةِ حَيْثُ أَثِقُ ذَلِكَ فِي جِوَارِ تِلْكَ الْبُقْعَةِ الْمُتَوَرَّةِ مَعَ تَوَسُّلِ يَازِيَالٍ لُطْفِهِمْ فَإِنْ جَاءَ مَطْلُوباً كَانَ مِنْ بَرَكَاتِ الْبُقْعَةِ الْمُتَوَرَّةِ وَالْأَمِنْ سُوءَ حَظِّي وَقَلَّةِ اسْتِعْدَادِي»^۱

«همانا من هر چند شایسته پژوهش و نگاشتن حاشیه‌ای بر این کتاب ارزشمند (درر الفوائد) به جهت ضعف استعداد و کمی فرصت نیستم، ولی امیدم و تکیه‌گاهم به بارگاه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام است؛ چون هم‌اینک من در جوار آن بارگاه نورانی هستم و اعتماد و اتکا به آن دارم و توسل به الطاف ایشان می‌کنم. پس اگر مطلب مناسبی نگاشته شد، بدانید که از برکات آن بارگاه نورانی است و گرنه همه از بی بهره‌گی و کمی استعداد من می‌باشد.»

۳. علامه سید جعفر مرتضی عاملی رحمته الله (۱۳۶۴-۱۴۴۱ق)

این محقق و پژوهشگر تاریخ اسلام نقل می‌کند:

«...-إِنَّ هَارُونَ هَذَا كَانَ فِي الْقَافِلَةِ الَّتِي كَانَتْ تَقْصِدُ خُرَاسَانَ وَكَانَتْ تَضُمُّ عَلَوِيًّا وَ عَلَى رَأْسِهَا السَّيِّدَةُ فَاطِمَةُ أُخْتُ الرِّضَا وَ أَرْسَلَ الْمَأْمُونُ إِلَى هَذِهِ الْقَافِلَةِ فَقَتِلَ وَ شَرِدَ كُلُّ مَنْ فِيهَا وَ جَرَحُوا هَارُونَ الْمَذْكُورَ ثُمَّ هَجَمُوا عَلَيْهِ وَ هُوَ يَتَنَاوَلُ الطَّعَامَ فَقَتَلُوهُ وَ أَمَّا زَعِيْمَةُ الْقَافِلَةِ السَّيِّدَةُ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُوسَى عليه السلام فَيَقَالُ: إِنَّهَا هِيَ الْأُخْرَى فَدُسَّ إِلَيْهَا السَّمُّ فِي سَاوَةِ وَلِهَذَا لَمْ تَلْبَثْ إِلَّا أَيَّامًا قَلِيلَةً وَ اسْتَشْهِدَتْ»^۲

«...همانا هارون - برادر حضرت معصومه علیها السلام - در آن قافله‌ای بود که به سمت خراسان حرکت می‌کرد. بیست و دو نفر از علویان در آن کاروان بودند که در صدر آنان، حضرت فاطمه خواهر گرانقدر امام رضا علیه السلام بود. مأمون به سوی آنان [نیروی نظامی] فرستاد. همگان یا شهید و یا فراری داده و یا دچار جراحات شدید شدند. هارون جراحت دید، سپس بر او هجومی دیگر آوردند؛ در حالی که غذا می‌خورد، وی را شهید کردند. ولی سرآمد این کاروان حضرت معصومه علیها السلام می‌باشد، گفته شده است که ایشان همان «فاطمه آخری» است. وی را با زهر در ساوه مسموم کردند و لذا آن حضرت پس از چند روز [اقامت و زندگی در قم] به شهادت رسید.»

۱. درر الفوائد، ج ۱، ص ۲۳۸.

۲. الحیاة السیاسیة للإمام الرضا علیه السلام، ص ۴۲۸.

۴. حاج شیخ عباس قمی رحمته الله (۱۲۹۴-۱۳۵۹ق)

این محدث گرانقدر می گوید:

«اما دختران حضرت موسی بن جعفر علیه السلام؛ بر حسب آنچه به ما رسیده، افضل آنها سیّده جلیله معظّمه، فاطمه بنت امام موسی علیه السلام، معروفه به حضرت معصومه علیها السلام است که مزار شریفش در بلده طّیّبه قم است که دارای قبه عالیّه و ضریح و صحن های متعدّد و خدمه بسیار و موقوفات است و روشنی چشم اهل قم و ملاذ و معاذ عامّه خلق است و در هر سال جماعات بسیار از بلاد بعیده، شدّ رحال کنند و تعب سفر کشند به جهت درک فیوضات از زیارت آن معظّمه علیها السلام.»^۱

۵. محمد تقی سپهر رحمته الله (۱۲۱۶-۱۲۹۷ق)

محمد تقی سپهر -نگارنده کتاب «ناسخ التواریخ»- در شأن آن حضرت علیها السلام چنین مرقوم نموده است:

«حضرت فاطمه معصومه علیها السلام حضرت ولیّة الله تعالی و صفیّه، خاتون خلق جهان و ناموس خداوند عالمیان، عابده زاهده متّقیه عارفه کامله مستوره مخدّره معصومه فاطمه دختر حضرت موسی بن جعفر کاظم علیه السلام را مقامی عالی و منزلتی متعالی، شأنی رفیع و مکانی منیع است که خداوند عطایش فرموده است. مزار کثیر الأنوارش، در مدینه المؤمنین قم است و حرم محترمش، ملجأ زایرین و تمام مسلمین و مؤمنین و محل اجابت دعوات و بروز کرامات و خوارق عادات و درگاه عرش بنیانش، مسکن عباد و موطن زهّاد است.»^۲

۶. علامه محمد تقی شوشتری رحمته الله (۱۲۸۱-۱۳۷۴ش)

این عالم فرزانه و فقیه عالیقدر که از بزرگان علم رجال است، درباره مقام حضرت معصومه علیها السلام چنین نگاشته است:

«در میان فرزندان امام موسی کاظم علیه السلام -با آن همه کثرتشان- بعد از امام رضا علیه السلام، کسی هم شأن حضرت معصومه علیها السلام نیست، همان طور که در میان فرزندان حضرت امام مجتبی علیه السلام، همانند «امّ عبدالله» یافت نگردید.»^۳

۱. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۴۳۰ و ۴۳۱.

۲. ناسخ التواریخ، ج ۷، ص ۳۳۶.

۳. رسالة في تواریخ النبی و آل، ص ۱۰۳.

ب) شعر

۱. امام خمینی رحمته الله علیه (۱۲۸۱-۱۳۶۸ ش)

حضرت امام خمینی رحمته الله علیه سال‌ها در سایه‌سار آستان نورانی حضرت معصومه علیها السلام زیست. از خوان نعمت دانش، معرفت و عرفان اسلامی حوزه علمیه که به برکت انوار تابناک آن حضرت گسترده شده بود، بهره برد؛ به بلندای آن رسید، منبع فیض تعلیم و تربیت گردید و انقلاب شکوهمند اسلامی و نظام «جمهوری اسلامی» را در ایران بنا نهاد. آن رهبر و فقیه عالی‌مقام همواره خود را زائر و ارادتمند حضرت معصومه علیها السلام محسوب می‌کردند و در بیان شأن و منزلت حضرت معصومه علیها السلام مطالب ارزشمندی به اشکال مختلف ایراد فرمود. آن رهبر عظیم‌الشأن، قصیده‌ای در بزرگداشت مقام حضرت زهرا علیها السلام و حضرت معصومه علیها السلام سروده‌اند که گزیده‌ای از آن بیان می‌گردد:

«نور خدا در رسول اکرم پیدا	کرد تجلّی زوی به حیدر صفدر
و زوی تابان شده به حضرت زهرا	اینک ظاهر ز دخت موسی جعفر
آبروی ممکنات جمله از این نور	گر بُبُدی، باطل آمدند سراسر
دختر چون این دوازده‌شیمه قدرت	نامد و ناید دگر هم‌اره مقدر
آن یک امواج علم را شده مبدأ	وین یک افواج حلم را شده مصدر
آن یک در عالم جلالت «کعبه»	وین یک در ملک کبریایی «مشعر»
«لم یلدم» بسته لب و گرنه بگفتم	دُخت خدایند این دو نور مطهر
آن یک بر ملک لایزالی تازک	وین یک بر عرش کبریایی افسر
آن یک خاک مدینه کرده مزین	صفحه قم را نموده این یک انور
خاک قم این کرده از شرافت جنت	آب مدینه نموده آن یک کوثر
عرصه قم غیرت بهشت برین است	بلکه بهشتش یساوی است برابر
زیبداگر خاک قم به «عرش» کند فخر	شاید گر «لوح» را بیابد همسر

خاکی عجب خاک، آبروی خلائق ملجأ بر مسلم و پناه به کافر»^۱

۲. آیت الله العظمی حاج شیخ محمد علی اراکی رحمته الله علیه

مرجع عالی قدر جهان تشیع، آیت الله العظمی اراکی رحمته الله علیه سال ها در جوار آستان حضرت معصومه علیها السلام زندگی کرد و به تحصیل و تدریس پرداخت. وی که از مصادیق زائران بصیر و عارف نسبت به مقام ملکوتی کریمه اهل بیت علیهم السلام و از شیفتگان کمالات آن حضرت بوده است؛ دو قصیده (فارسی و عربی) در مقام و منزلت حضرت معصومه علیها السلام سروده است که گزیده ای از آن بیان می گردد:

الف) محرم اسرار حق

محرم اسرار حق، سلیل حضرت کاظم	مصطفوی فر و مرتضوی نژاد و علائم
منیع صدق و صفا، برج عفت و عصمت	فاطمه معصومه کوست اصل جمله مکارم
بحر عطا و سخا، سماء فضل و فتوت	مرقد پاکش بود مطاف عرب و اعاجم» ^۲

ب) سرّ الإله

«سرّ الإله بضعة الرسول	بنتُ الكاظمِ سَلِيلَةُ البُتُولِ
أُخْتُ الإمامِ عَمَّةُ الجَوادِ	شَفِيعَةُ لِمَحْشَرِ العِبَادِ
بِحُبِّهَا أَرْجُو النِّجَاةَ فِي الْعَدِ	مِنَ الْعَذَابِ وَالنَّكَالِ السَّرْمَدِ
بَلْ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَالسُّؤَالِ	وَكُلِّ مَا يَعْقُبُ مِنْ أَهْوَالِ
قُبَّتْهَا مَحْبُوبَةُ الْجَبَّارِ	زَائِرُهَا مَسْمُومُ لُطْفِ الْبَارِ
وَ قَبْرُهَا مُسْتَمْسِكُ الْبَرِيَّةِ	فِي كُلِّ مَا تَنْزِلُ مِنْ بَلِيَّةِ
وَ حُبُّهَا مِنْ كُلِّ شَرٍّ جُنَّةٌ	وَ بُغْضُهَا مُبْعَدٌ مِنْ جَنَّةِ

۱. دیوان اشعار حضرت امام خمینی رحمته الله علیه، ص ۲۵۳-۲۵۷.

۲. مشک فشان، ص ۲۲؛ یادنامه آیت الله العظمی اراکی، ص ۲۷۰-۲۷۲.

وَ أَصْلُهَا مِنْ أَطْيَبِ الْأُصُولِ مِنْ دَوْحَةِ سُلَالَةِ الرَّسُولِ^۱

۳. آیت الله العظمی حاج شیخ علی صافی گلپایگانی رحمته الله علیه (۱۲۹۱-۱۳۸۸ ش)

گزیده‌ای از سروده آن مرجع گرانقدر و فقیه عالی مقام و عارف ارجمند در مدح حضرت فاطمه معصومه علیها السلام، چنین است:

«اینکه بینی قم بلند آوازه در دنیا بُود
اینکه از جنت دری باز است در این سرزمین
اینکه بینی از برای قم بُود این اسم و رسم
حضرت معصومه آن دخترکه سبط مصطفی است
حضرت معصومه بانویی که همچون مادرش
ز آسمان احمدی ماهی فرود آمد به قم
نو نهالی از امیرالمؤمنین در قم غنود
دختری از حضرت زهرا گرفت اینجا مقام
کیست این دختر، همان کو آسمان حضرتش
گر هزاران شمع دانش در دیارش روشن است
از طفیل دختر صدیقه کبری بُود
شاهدی از حشمت این بانوی عظمی بُود
از برای حضرت معصومه این غوغا بُود
نو گلی از بوستان حضرت زهرا بُود
پیشوای بانوان و اسوه آنها بُود
کز شعاعش تا ابد روشن فضای ما بُود
کز جلالش در شگفتی شاخه طوبی بود
کز بزرگی افتخار آدم و حوّا بُود
مهبط خیل ملک از عالم بالا بُود
منشأ نور همه، این نیر والا بُود»^۲

۴. ملا عبدالرزاق فیاض لاهیجی رحمته الله علیه (متوفای ۱۰۷۲ ق)

او از علمای قرن یازده قمری، و از شاگردان ملاصدرای رحمته الله علیه و داماد وی می‌باشد. در قم به تحصیل، تحقیق و تألیف پرداخت و در این شهر وفات یافت و در جوار بارگاه ملکوتی حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

این عالم جلیل‌القدر، قصیده‌ای در مدح حضرت معصومه علیها السلام سروده است که بخشی از آن ذکر می‌شود:

۱. مشک فشان، ص ۹۵.

۲. همان، ص ۳۵.

«به خانه‌ای که تو کردی دمی درو مسکن
طلوع پرتو مهر تو هر کجا باشد
ز فیض بخشی خاکش چه شهر قم، چه بهشت
بسان آنکه برآید کسی ز خانه غبار
از آن همیشه دهد نور، آفتاب که کرد
نهال شمع که دارد گل تجلی بار
در آستانه او کز وفور مایه فیض
گشوده مصحف خوانا ز هر طرف بینی
غبار فرشِ دَرش آبروی مهر منیر
همیشه تا بود این آستانه مشرق نور

نرفت تا ابدش آفتاب از روزن
به آفتاب رسد جلوه سُها کردن
زعطرا و چه زمین فرج، چه دشت خُتن
در آستانه او فیض می‌توان رُفتن
ز شمع بارگه او چراغ خود روشن
بود به عینه چون نخل وادی ایمن
به چشم مردم دانا خوش است چون گلشن
چنانکه دفتر گل وا شود به روی چمن
خط کتاب او سرنوشت چرخ کهن
همیشه تا بود این خاک فیض را معدن»^۱

۵. فتحعلی خان کاشانی رحمۃ اللہ علیہ (۱۱۷۹-۱۲۳۸ق)

شاعر مدیحه سرای قرن سیزدهم «فتحعلی خان کاشانی» ملقب به «صبا» در ستایش و ثنای حضرت معصومه علیها السلام اشعاری سروده است که در کتیبه داخلی گنبد و بارگاه آن حضرت نقش بسته است:

«آتش موسی عیان از سینه‌ی سیناستی
بضعه‌ی موسی بن جعفر، فاطمه، کز روی قدر
نوگلی یکتا ز طَرفِ گلشنِ یاسین بود
پرتوی از آفتابِ اِصطفایِ مصطفی

یا که ز زین بارگاه بضعه‌ی موساستی
خاک درگاهش عبیر طَره‌ی حوراستی
آیتی روشن به صدرنامه‌ی طاهاستی
زُهره‌ای از آسمانِ عصمت زهراستی»^۲

۱. دیوان فیاض لاهیجی، ص ۱۴۱-۱۴۴؛ مشک فشان، ص ۷-۱۴.

۲. مجموعه مقالات کنگره بزرگداشت حضرت معصومه علیها السلام، ج ۴، ص ۱۰۷؛ مشک فشان، ص ۵۳.

۶. میرزا محمد صادق پروانه ناطق رحمته الله علیه (م ۱۲۳۵ ق)

شاعر توانای قرن سیزدهم «مرحوم میرزا محمد صادق پروانه» متخلص به «ناطق» قصیده‌ای نغز، مشهور به «معجزیه» به مناسبت اتمام تذهیب و طلاکاری گنبد و مرقد مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در سال ۱۲۱۸ ق سروده است که بر کاشی‌های اطراف صحن عتیق (امام هادی علیه السلام) بارگاه آن حضرت نقش بسته است که هم‌اینک برخی از ابیات منتخب آن قصیده ذکر می‌گردد:

«این قبه گلبنی است بزیور برآمده	یا پاک گوهریست پراز زیورآمده
این قبه راست اوج بجایی که پیش وی	صدر فلک بچشم ملک احقرآمده
و این قبه راست جای بجایی که پایه‌اش	از اوج مهر و ماه و زحل برترآمده
از دل سؤال کردم و گفتم: مرا بگو	کین صحن از چه رو زجنان بهترآمده
دل در جواب گفت: که اینک دراین سؤال	عقل طویل قاصرو فهم اقصرآمده
بہتر بود بحسن و علو از جنان در آن	مسکن که بنت موسی بن جعفرآمده
معصومه که در ره ایوان اقدسش	از قدر و صدق، حورو پری چاکرآمده
دراوج علم و فضل و ادب، کوکب جمیل	وز درج حلم و مجد و شرف، گوهرآمده
در گیتی از نسب، نه از او به، نه شبه او	در دهر از حسب، نه از او بهترآمده
روی امید جمله عالم باین دراست	حاجت هر آنچه بوده از این دربرآمده
فوج ملک ز شوق، دمامد گشوده پر	وز عرش بر زمین پی یکدیگرآمده» ^۱

۱. این قصیده دارای ۶۲ بیت است. قصیده معجزیه، ص ۴۶-۶۵. شایان ذکر است که هر مصرع این قصیده ماده تاریخ ۱۳۱۸ را به حروف ابجد دارد که سال طلاکاری و گنبد و ایوان حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام است.

فصل چهارم

احادیث

(پرتوی از ولایت)

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام از راویان جلیل القدری است که در کتب رجال به عنوان بانویی محدّثِ عدل، به شمار آمده و بر صحت روایات وی تصریح شده است.^۱

عدالت و وثاقت ایشان نزد تمامی علمای شیعه و بزرگانی از علمای اهل سنت، مانند: «حافظ شمس الدین محمد بن محمد جزری» (۷۵۱-۸۳۳ق) ثابت شده و از ایشان نقل حدیث گردیده است.

حضرت معصومه علیها السلام در میان مجموعه «زنان راوی» جایگاه ویژه‌ای دارد. وی از طبقه روایات امام کاظم و امام رضا علیهما السلام محسوب می‌شود. وی از «فاطمه بنت امام صادق علیه السلام» نقل روایت می‌نماید و «فاطمه بنت علی بن موسی علیهما السلام» هم از ایشان روایت نموده است.^۲

آن حضرت به جهت محدودیت‌هایی که داشته، «قلیل الروایة» می‌باشد و در کتب روایی تنها سه حدیث از ایشان روایت شده است. این روایات، دارای یک ویژگی و یک موضوع مشترک است و آن، تبیین جایگاه خاص «ولایت آل محمد صلی الله علیه و آله» می‌باشد که نشان از اهمیت این موضوع در سرنوشت انسان و در مجموعه معارف اسلامی و شرایط خاص آن زمان دارد. در اینجا به بیان و ترجمه آن احادیث می‌پردازیم:

۱. حدیث «ولایت» و «منزلت»

«عَنْ فَاطِمَةَ وَ زَيْنَبَ وَأُمِّ كَثُومَ بَنَاتِ مُوسَى عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ

۱. ر.ک: محدّثات شیعه، ص ۲۵۴؛ أعلام النساء المؤمنات، ص ۶۷۲.

۲. برای شناخت زنان راوی، مراجعه شود به: رجال برقی، ص ۶۱؛ محدّثات شیعه، ص ۲۵۴.

جَعْفَرٍ عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ عَلِيٍّ عَنْ فَاطِمَةَ وَ
سَكِينَةَ ابْنَتَيْ الْحُسَيْنِ عَنْ أُمِّ كَلْثُومَ بِنْتِ فَاطِمَةَ؛ قَالَتْ فَاطِمَةُ الرَّهْرَاءُ:
«أَنْسَيْتُمْ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيَ
مَوْلَاهُ وَقَوْلَهُ: أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى».^۱

از حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و خواهرانش زینب و امّ کلثوم نقل شده
است که آنان روایت کرده‌اند از فاطمه دختر امام صادق علیه السلام و او از فاطمه
دختر امام باقر علیه السلام و ایشان از فاطمه دختر امام سجاد علیه السلام و او نیز از فاطمه
و سکینه دختران امام حسین علیه السلام و ایشان از ام کلثوم، دختر حضرت فاطمه
زهرای علیها السلام نقل کرده است که حضرت فاطمه فرمود:

«آیا شما سخن پیامبر خدا ﷺ را در روز غدیر خم فراموش کرده‌اید که
فرمود: هر کسی که من مولا و رهبر او هستم، علی نیز مولا و رهبر اوست و
همچنین سخن او را که فرمود: «ای علی! نسبت تو به من، همانند نسبت
هارون به موسی است.»؟!»

۲. حدیث «حُبّ آل محمد»

«عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُوسَى عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ جَعْفَرٍ عَنْ فَاطِمَةَ
بِنْتِ مُحَمَّدٍ عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ عَلِيٍّ عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ الْحُسَيْنِ عَنْ زَيْنَبَ
بِنْتِ عَلِيٍّ عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: «أَلَا مَنْ مَاتَ عَلَى
حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيداً»^۲؛

از حضرت معصومه علیها السلام نقل شده است که او از فاطمه دختر امام

۱. عوالم العلوم، ج ۲۱، ص ۳۵۴؛ الغدير، ج ۱، ص ۱۹۷؛ أعلام النساء المؤمنات، ص ۵۷۷؛ إحقاق الحق، ج ۲۱، ص ۲۶.
۲. عوالم العلوم، ج ۲۱، ص ۳۵۵. شایان توجه است که این روایت دارای طرق و اسانید صحیح دیگری نیز می‌باشد.
ر.ک: بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۲۳۳ و ج ۲۷، ص ۱۱۱ و ج ۶۵، ص ۱۳۷.

صادق علیها السلام و وی از فاطمه دختر امام باقر علیها السلام و او از فاطمه دختر امام سجاد علیها السلام و ایشان از فاطمه دختر امام حسین علیها السلام و او از حضرت زینب دختر امیرمؤمنان علیها السلام و ایشان از حضرت زهرا علیها السلام دختر رسول خدا ﷺ شنیده و نقل کرده است که «پیامبر خدا ﷺ فرمود: آگاه باشید! هرکسی با دوستی خاندان پیامبر بمیرد، شهید از دنیا رفته است.»

۳. حدیث «معراج»

«...حَدَّثَنَا فَاطِمَةُ بِنْتُ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا قَالَتْ: حَدَّثَنِي فَاطِمَةُ وَزَيْنَبُ وَأُمُّ كُلْثُومَ بَنَاتُ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ عَلِيٍّ عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ الْحُسَيْنِ عَنْ أُمِّ كُلْثُومَ بِنْتِ عَلِيٍّ عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ قَالَتْ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ:

لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ دَخَلْتُ الْجَنَّةَ فَإِذَا أَنَا بِقَصْرِ مِنْ دُرَّةٍ بَيْضَاءَ مُجَوَّفَةٍ وَعَلَيْهَا بَابٌ مُكَلَّلٌ بِالذَّرِّ وَالْيَاقُوتِ وَعَلَى الْبَابِ سِتْرٌ فَرَفَعْتُ رَأْسِي فَإِذَا مَكْتُوبٌ عَلَى الْبَابِ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلِيُّ وَلِيُّ الْقَوْمِ».

وَإِذَا مَكْتُوبٌ عَلَى السِّتْرِ «بَخْ بَخْ مِنْ مِثْلِ شَيْعَةِ عَلِيٍّ». فَدَخَلْتُهُ فَإِذَا أَنَا بِقَصْرِ مِنْ عَقِيقٍ أَحْمَرَ مُجَوَّفٍ وَعَلَيْهِ بَابٌ مِنْ فِضَّةٍ مُكَلَّلٍ بِالزَّبَرْجَدِ الْأَخْضَرِ وَإِذَا عَلَى الْبَابِ سِتْرٌ فَرَفَعْتُ رَأْسِي فَإِذَا مَكْتُوبٌ عَلَى الْبَابِ: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلِيُّ وَصِيُّ الْمُصْطَفَى» وَإِذَا عَلَى السِّتْرِ مَكْتُوبٌ: «بَشَّرَ شَيْعَةَ عَلِيٍّ بِطَيْبِ الْمَوْلِدِ» فَدَخَلْتُهُ فَإِذَا أَنَا بِقَصْرِ مِنْ زُمُرْدٍ أَخْضَرَ مُجَوَّفٍ لَمْ أَرَأْ أَحْسَنَ مِنْهُ وَعَلَيْهِ بَابٌ مِنْ يَاقُوتَةِ حَمْرَاءَ

مُكَلَّلَةٍ بِاللُّوْلُوِّ وَعَلَى الْبَابِ سِتْرٌ فَرَفَعْتُ رَأْسِي فَإِذَا مَكْتُوبٌ عَلَى السِّتْرِ: «شِيعَةُ عَلِيٍّ هُمُ الْفَائِزُونَ».

فَقُلْتُ: حَبِيبِي جَبْرِئِيلُ! لِمَنْ هَذَا؟ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ! لِبْنِ عَمِّكَ وَوَصِيِّكَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ يُحْشَرُ النَّاسُ كُلُّهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ خُفَاءً عُرَاءً إِلَّا شِيعَةَ عَلِيٍّ وَيُدْعَى النَّاسُ بِأَسْمَاءِ أُمَّهَاتِهِمْ مَا خَلَا شِيعَةَ عَلِيٍّ فَإِنَّهُمْ يُدْعَوْنَ بِأَسْمَاءِ آبَائِهِمْ.

فَقُلْتُ: حَبِيبِي جَبْرِئِيلُ! وَكَيْفَ ذَاكَ؟ قَالَ: لَا تَنْهَمُ أَحَبُّوا عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَطَابَ مَوْلِدُهُمْ.^۱

... نقل کرد برای ما فاطمه دختر امام رضا علیه السلام از حضرت فاطمه معصومه و زینب و امّ کلثوم دختران امام کاظم علیه السلام که ایشان از فاطمه دختر امام باقر علیه السلام و او از فاطمه دختر امام سجاد علیه السلام و او از فاطمه دختر امام حسین علیه السلام و وی از امّ کلثوم دختر امیرمؤمنان علیه السلام و ایشان از حضرت زهرا علیه السلام نقل می‌کند: «از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود:

آن گاه که مرا به سوی آسمان‌ها (شبانۀ) حرکت دادند، وارد بهشت شدم؛ ناگاه خود را در کنار کاخی از مرواریدهای سپید توخالی دیدم. آن قصر دارای دربی سراسر مزین به مروارید و یاقوت بود و بر آن پرده‌ای قرار داشت؛ چون سر خود را بالا بردم، دیدم بر آن درب نوشته شده است:

«هیچ معبودی جز خداوند نیست. محمد، پیامبر خداست و علی، امام و صاحب اختیار امت می‌باشد».

و همچنین بر آن پرده نگاشته شده بود:

«آفرین آفرین بر کسانی که مانند شیعیان علی هستند.»

۱. بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۷۶؛ الغدير، ج ۱، ص ۱۹۷؛ أعلام النساء المؤمنات، ص ۵۷۸.

سپس داخل آن قصر شدم. خود را در کنار قصری از عقیق سرخ میان تهی دیدم که بر آن دربی از طلای سراپا مزین به زبرجد سبزرنگی بود. بر آن درب پرده‌ای قرار داشت. نگاه به بالا کردم، دیدم که بر آن درب نوشته شده است:

«محمد، پیامبر خدا و علی، جانشین مصطفی می باشد».

بر آن پرده نیز چنین نگاشته شده بود:

«به شیعیان علی مؤده طهارت و پاکیزگی ولادت ده».

چون داخل آن قصر شدم، خود را در کنار قصر دیگری از زمرد سبز میان تهی دیدم که تاکنون زیباتر از آن ندیده بودم. بر آن دربی از یاقوت قرمز بود که سراسر مزین به مروارید بود و بر آن پرده‌ای قرار داشت. سر خود را بالا بردم، بر آن نوشته شده بود:

«شیعیان همانان هستند که رستگار و پیروزند».

پس گفتم: ای دوست گرامی ام جبرئیل! اینها همه از آن کیست؟

بیان داشت: ای محمد! برای پسر عمو و جانشینت علی بن ابی طالب است. تمامی مردم به جز شیعیان علی، در روز قیامت عریان و پابرهنه محشور می گردند. مردمان به نام مادرشان خوانده می شوند، مگر شیعیان علی که آنان به نام پدرشان خوانده می شوند.

سپس پرسیدم: «دوست گرامی ام جبرئیل! چرا این گونه است؟

پاسخ داد: «زیرا آنان «علی» را دوست دارند، بنابراین پاک سرشت و حلال زاده اند».

فصل پنجم

اوصاف و القاب

اوصاف بسیاری برای حضرت فاطمه معصومه ﷺ، در متون فاخر اسلامی بیان شده است که هر یک، نشان از فضایل والای آن بزرگ بانو دارد.

آراستگی آن حضرت به فضایل اعتقادی، رفتاری، اخلاقی و پیراستگی ایشان از تمامی رذایل، از آن بانوی عالی مقام، چهره‌ای عرشی و ملکوتی ساخته است که همانند ستاره‌ای درخشان و بی غروب در آسمان تاریخ اسلام می‌درخشد و وی را همانند الگویی حضرت فاطمه زهرا ﷺ به شخصیتی ممتاز در میان بانوان ادیان الهی و بشریت، تبدیل نموده است.

تعظیم و تکریم برخی از ائمه اطهار ﷺ از مقام آن بانوی گرامی؛ تأثیر و نقش شگرف آن حضرت در تاریخ تشیع، به ویژه در زمان معاصر؛ طلوع آفتاب کرامت بارگاهش و مرکزیت قم برای کسب و تبلیغ و گسترش معارف دین، همگی کاشف از عظمت وجودی آن منبع فیض برکات رحمانی و معدن کمال صفات الهی می‌باشد.

«کتاب فضل تو را آب بحر کافی نیست که ترکم سرانگشت و صفحه بشمارم»

بی‌تردید بیان آن فضایل از زبانی قاصر و قلمی کم بهره، ممکن نیست.

«یک دهان خواهم به پهنای فلک تا بگویم وصف آن رشک ملک»

درباره‌ی اوصاف کریمانه آن حضرت، می‌توان عناوین بسیاری بیان نمود که در این بخش، به ذکر برخی از آنها که یا در متون اسلامی آمده و یا در سیره اخلاقی و رفتاری آن حضرت است، بسنده می‌شود.

۱. معصومه

واژه «عصمت» در فرهنگ و ادبیات عمومی به معنای «حفظ و حراست» است^۱ و در اصطلاح معارف دینی «مصون بودن و پیراستگی از لغزش‌های علمی و رفتاری، به سبب عنایات ویژه‌ی الهی و وجود کمال تقوای دینی»^۲ می‌باشد.

«معصومه» به معنای «بانوی دارای عصمت در اوج پیراستگی از رذایل صفاتی و لغزش‌های رفتاری» است.

«عصمت» بر دو نوع است:

۱. عصمت علمی؛

۲. عصمت عملی.

تمامی رهبران دینی مبعوث و یا منصوب الهی، به دلایل عقلی و نقلی، دارای هر دو نوع عصمت می‌باشند. آنان در عرصه علوم و معارف دینی، متصل به منبع فیض (علم لدنی و الهی) و در حوزه رفتاری - فردی و اجتماعی -، دارای تمامی مراتب والای کمال انسانی هستند. خداوند در قرآن بر عصمت الهی عموم انبیا عَلَيْهِمُ السَّلَام تصریح نموده است و می‌فرماید:^۳

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمْ أَقْتَدِهِ﴾^۴

«آنان (پیامبران پیشین) کسانی هستند که خداوند ایشان را هدایت

نموده است؛ پس از هدایت آنان پیروی کن.»

همچنین در قرآن کریم به طور ویژه از عصمت پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و خاندان وی یاد کرده است:

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ

تَطْهِيرًا﴾^۵

۱. ر.ک: جمهرة اللغة، ج ۲، ص ۸۸۷؛ الصحاح، ج ۵، ص ۱۹۸۶.

۲. ر.ک: شرح المقاصد، ج ۴، ص ۲۱۲؛ شرح التجرید، ص ۴۶۴؛ کشف المراد، ص ۳۷۴.

۳. شایان ذکر است که حضرت فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَام نیز دارای عصمت علمی و عملی بوده است و آیه‌ی تطهیر و دیگر روایات اسلامی، دلالت بر آن دارند.

۴. سوره انعام (۶)، آیه: ۹۰.

۵. سوره احزاب (۳۳)، آیه: ۳۳.

«بی گمان خداوند اراده کرده است که از شما اهل بیت، پلیدی را
بزیداید و شما را پاک و طاهر نماید.»

امام سجاد علیه السلام نیز درباره‌ی عصمت تمامی امامان شیعه علیهم السلام فرموده است:

«إِلَامُ مِمَّا لَا يَكُونُ إِلَّا مَعْصُومًا»^۱

«تمامی امامان از ما، بی تردید معصوم می باشند.»

ابن عباس از پیامبر گرانقدر اسلام صلی الله علیه و آله چنین روایت کرده است:

«أَنَا وَعَلِيٌّ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَتِسْعَةٌ مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ
مُظَهَّرُونَ مَعْصُومُونَ»^۲

«من، علی، حسن، حسین و نه نفر از نسل حسین، پاکان و دارای
مقام عصمت می باشیم.»

البته دیگر افراد ممتازی نیز مانند حضرت مریم و حضرت زینب علیهما السلام هستند که دارای
«عصمت عملی» بوده، هرگز مرتکب خطا و گناه نمی شوند و مرتبه‌ای از مراتب عالی علوم الهی
را نیز دارا می باشند. حضرت فاطمه معصومه علیها السلام یکی از آن افراد می باشد. در برخی از کتب نقل
شده است که امام رضا علیه السلام این وصف و عنوان را برای این بانوی با کرامت به کار برده‌اند:

«مَنْ زَارَ الْمَعْصُومَةَ يُقَمِّ كَمَنْ زَارَنِي»^۳

«هرکسی [مزار] معصومه را در قم زیارت کند، گویا مرا زیارت کرده است.»

همچنین خود آن حضرت علیها السلام این وصف را به خودشان در جریان شفای «یعقوب
نصرانی» نسبت داده، و فرموده بود: «أَنَا الْمَعْصُومَةُ أُخْتُ الرِّضَا علیه السلام» که تفصیل این

۱. معانی الأخبار، ص ۱۳۲.

۲. عیون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۶۴.

۳. ریاحین الشریعة، ج ۵، ص ۳۵؛ ناسخ التواریخ، ج ۳، ص ۶۸. شایان ذکر است که برخی از محققین این حدیث را
دارای سندی معتبر نمی دانند هر چند در کتب متأخرین نقل شده است.

جریان در عنوان و باب «أَخْتُ الرِّضَا» می‌آید. این وصف برای آن حضرت علیه السلام از دیرباز مورد توجه و بر سر زبان‌ها بوده است.^۱
بنابراین حضرت فاطمه معصومه علیه السلام دارای عصمت عملی و نیز مراتب والای علوم و معارف اسلامی می‌باشد.

۲. شفیعه

واژه‌ی «شفاعت» در لغت و فرهنگ عمومی به مفهوم «میانجی‌گری کردن»^۲ و در اصطلاح معارف اسلامی به معنای «میانجی‌گری اشخاص ممتاز، مانند پیامبران و امامان یا امور گرانقدر الهی، مثل قرآن، برای نجات فرد یا افرادی از عذاب و یا ارتقای مقام آنان در دنیا و آخرت»^۳ است.

«شفیعه» به معنای «بانویی است که دارای مقام شفاعت می‌باشد و آن را برای برخی افراد، در دنیا و به‌ویژه در آخرت، اجرا می‌نماید.»
«شفاعت» اولاً و بالذات از آن خداوند است:

﴿قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾^۴

«بگو تمامی شفاعت تنها برای خداست. برای وی سلطنت آسمان‌ها

و زمین می‌باشد.»

سپس خداوند به افراد ممتازی، مقام شفاعت را در آخرت اعطا می‌نماید:

﴿لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا﴾^۵

«هیچ کس قدرت و اختیار شفاعت ندارد، مگر کسانی که در این مورد،

نزد خداوند پیمان گرفته‌اند.»

۱. عوالم العلوم، ج ۲۱، ص ۳۳۲.

۲. ر.ک: العین، ج ۱، ص ۲۶۰؛ معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۲۰۱.

۳. ر.ک: کشف المراد، ص ۴۱۶؛ الاعتقادات، ص ۱۶۸.

۴. سوره زمر (۳۹)، آیه: ۴۴.

۵. سوره مریم (۱۹)، آیه: ۸۷.

همچنین در آیه‌ی دیگری در این باره آمده است:

﴿يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا﴾^۱

«در روز قیامت شفاعت کسی فایده ندهد، مگر شفاعت کسانی که خداوند
مهربان به ایشان اجازه داده و از گفته‌ی آنان خرسند گردیده است.»

«شفاعت»، مقام بسیار ستوده و ارزشمند است که خداوند متعال والاترین آن، یعنی
«مقام محمود» را برای پیامبر گرامی اسلام ﷺ قرار داده است:

﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدُ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا﴾^۲

«مقداری از شب را به عبادت بپرداز؛ باشد که پروردگارت تو را به
«مقامی بس ستوده» برانگیزد.»

مفسران قرآن نیز واژه و عبارت «مقام محمود» را به «شفاعت» تفسیر کرده‌اند، آن هم
شفاعتی گسترده و بی‌نهایت.^۳

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام بر اساس روایاتی، جزو شخصیت‌های ممتاز و برجسته‌ای
است که دارای مقام شفاعت می‌باشد. امام رضا علی‌ه السلام در زیارت‌نامه آن بزرگ بانو فرموده است:

«يَا فَاطِمَةُ اشْفَعِي لِي فِي الْجَنَّةِ فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأْنًا مِنَ الشَّأْنِ»^۴

«ای فاطمه! مرا برای [کسب] بهشت شفاعت فرما؛ زیرا نزد خداوند
برای تو منزلتی عظیم از شؤون الهی است.»

۱. سوره طه (۲۰)، آیه: ۱۰۹.

۲. سوره اسراء (۱۷)، آیه: ۷۹.

۳. ر.ک: مجمع البیان، ج ۳، ص ۴۳۵؛ منهج الصادقین، ج ۳، ص ۴۶۲؛ التبیان، ج ۶، ص ۵۱۲؛ المیزان، ج ۱۳، ص ۱۷۶؛

الکشاف، ج ۲، ص ۶۸۷؛ تفسیر الصافی، ج ۳، ص ۲۱۱؛ تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۳۱۴.

۴. کامل الزیارات، ص ۳۲۴.

امام صادق علیه السلام در روایتی فرموده است:

«...أَلَا إِنَّ قَمَّ الْكُوفَةِ الصَّغِيرَةَ أَلَا إِنَّ لِلْجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ ثَلَاثَةٌ مِنْهَا إِلَى قَمٍّ تُقْبَضُ فِيهَا امْرَأَةٌ مِنْ وَلَدِي اسْمُهَا فَاطِمَةُ بِنْتُ مُوسَى وَ تَدْخُلُ بِشَفَاعَتِهَا شِعْيَ الْجَنَّةِ بِأَجْمَعِهِمْ»^۱

«بدانید و آگاه باشید که قم، کوفه کوچک است. آگاه باشید که همانا بهشت، هشت در دارد که سه تای آن به سوی قم است. در آن شهر، بانویی از تبار من وفات می‌کند؛ اسم وی فاطمه است و با شفاعت او، تمامی شیعیان من وارد بهشت می‌شوند.»

وجود مبارک حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در دنیا، الگویی برای هدایت و در آخرت، مایه‌ی شفاعت است. یکی از آثار این شفاعت، نجات از عذاب هولناک و وحشت‌زای قیامت است:

﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَتْهُمْ السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُوا يَا حَسْرَتُنَا عَلَىٰ مَا فَرَطْنَا فِيهَا وَهُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ عَلَىٰ ظُهُورِهِمْ أَلَا سَاءَ مَا يَزِرُونَ﴾^۲

«تا آن‌گاه که قیامت ناگهان فرا رسد، می‌گویند: ای وای بر ما که در اعمال خود کوتاهی کردیم. آنان گناهانشان را به دوش دارند که چه بد بارگرانی است.»

﴿وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا * إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا﴾^۳

«[عباد الرحمان] می‌گویند: پروردگارا! عذاب جهنم را از ما دور گردان که آن بسی مهلک و سخت است. بی‌گمان آن جا، بد قرارگاه و سخت منزلگاهی است.»

۱. بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۲۲۸.

۲. سوره أنعام (۶)، آیه: ۳۱.

۳. سوره فرقان (۲۵)، آیات: ۶۵ و ۶۶.

در آن بحران عظیم است که نقش شفاعت اولیای خدا، مانند حضرت معصومه ﷺ معلوم می شود.

«آنان که خاک را به نظرکیما کنند آيا شود که گوشه چشمی به ما کنند»

حکایت

شیخ عباس قمی بیان داشته است: در عالم رؤیا «مرحوم میرزای قمی» (۱۱۵۱-۱۲۳۱ق) را دیدم. از ایشان سؤال کردم: «آیا حضرت معصومه ﷺ اهل قم را شفاعت خواهد کرد؟» میرزای قمی با تندی پرسید: «چه گفتی؟! من سؤال خود را تکرار کردم. ایشان فرمود: «شفاعت اهل قم با من است؛ حضرت معصومه ﷺ تمام شیعیان عالم را شفاعت خواهد کرد.»^۱

همچنین مشهور است که در سال ۱۲۹۵ق در اطراف قم، قحطی شدیدی رخ داد؛ به طوری که مردم به ستوه آمدند. اهالی برای رفع این مشکل تصمیم گرفتند از میان خود چهل نفر متدین انتخاب کنند تا به قم بیایند و از حضرت معصومه ﷺ یاری طلبند. آنان در حرم حضرت معصومه ﷺ بست نشستند و برای رفع قحطی، به آن حضرت توسل جستند. در شب سوم، یکی از آنان میرزای قمی را به خواب دید. میرزا از علت بست نشینی سؤال کرد، وی جواب داد: «مدتی است که منطقه ی ما بر اثر نباریدن باران، دچار خشکسالی و قحطی شده است و ما برای رفع خطر، به اینجا پناه آورده ایم». میرزای قمی در جواب می گوید: «این مقدار از من هم ساخته است، در این امور به ما مراجعه کنید؛ اما اگر شفاعت در جهان آخرت را خواستید، دست توسل به دامن این شفیعه ی روز جزا دراز کنید.»^۲

۳. بنت الولی

یکی از ویژگی های حضرت فاطمه معصومه ﷺ این است که از خاندان پیامبر گرامی اسلام ﷺ است و تولدشان در بیت عصمت و طهارت می باشد. بی تردید انتساب به این

۱. بارگاه فاطمه معصومه ﷺ، ص ۱۶۱.

۲. ر.ک: پرتوی از روی دوست، ص ۱۰۰؛ کرامات معصومیه، ص ۱۸۵.

تبار عالی مقام و شجره و ریشه نورانی، مزیتی است که اقتضای بزرگی و بزرگواری دارد. آن بزرگ بانو ثمره‌ای تابناک و معطر از درخت طیبه‌ی عرشی خاندان پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله است:

﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا﴾؛^۱

«آیا ندیده‌ای که خداوند چگونه مثل می‌زند که سخن پاک همانند درخت پاک است که ریشه‌اش پا بر جا و شاخ و برگش تمام آسمان را فرا می‌گیرد؛ و هر وقت خداوند اجازه فرماید، میوه‌اش ظهور می‌کند؟!»

آن حضرت، دختر امام و ولی خدا و پرورش یافته در خانه هدایت و عبادت و خاندان امامت و رسالت است:

﴿فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ﴾؛^۲

«در خانه‌هایی پرورش یافته‌اند که خداوند اجازه فرموده است که به بلندای عظمت دست یابند و در آن، نام خدا آورده شود و صبحگاهان و عصرگاهان در آن تسبیح خداوند می‌شود.»

«ولایت» در لغت به معنای «زعامت و رهبری»^۳ و در فرهنگ اسلامی به معنای «زعامت و رهبری مشروع الهی» است.^۴

انتساب آن حضرت به ولایت، همان طور که در زیارت‌نامه‌ی گرانقدر ایشان ذکر گردیده است: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ وَلِيِّ اللَّهِ» نشان از عرشی بودن حیات کریمانه و ولایی بودن روحیه و رویه ایشان دارد.

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام رویشی مبارک از سرزمین پاک و طاهر ولایت و امامت است:

۱. سوره ابراهیم (۱۴)، آیات: ۲۴ و ۲۵.

۲. سوره نور (۲۴)، آیه: ۳۶.

۳. رك: تهذيب اللغة، ج ۱۵، ص ۳۲۱؛ المحيط، ج ۱۰، ص ۳۷۹.

۴. الميزان، ج ۱۰، ص ۸۹؛ رسالة الولاية، ص ۴.

﴿وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبَثَ لَا يُخْرِجُ إِلَّا نَكِدًا﴾^۱

«سرزمین پاک گیاهش به اذن پروردگارش می‌روید و زمینی که ناپاک است، از آن جز حاصلی ناپاک و ناچیز نمی‌روید.»

«دختر عصمت کبری و تجلی بتول شافع محشر و از نسل گرامی رسول
اوست معصومه که دارد زپدر، نام و نشان زائرش غرق سعادت، متنعم به جنان»

۴. أُخْتُ الْوَلِيِّ

یکی دیگر از فضایل نسبی که اقتضای کسب صفات عالیّه و حرکت در مسیر کمال انسانی دارد، خواهر امام و أُخت الولاية بودن حضرت فاطمه معصومه علیها السلام می‌باشد. این عنوان، دارای بار معنایی ویژه و دو بعد مفهومی است:

الف) نَسَبِي

این خصوصیت دلالت بر هم‌ریشه‌ای بودن آن بزرگ‌بانو در تبار و تربیت با برادر بزرگوارش، امام رضا علیه السلام، دارد. آن ولی خدا و امامی که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در شأن و منزلت ایشان فرموده است:

«سَتُدْفَنُ بَضْعَةً مِنِّي بِخُرَاسَانَ مَا زَارَ مَكْرُوبٌ إِلَّا نَفَسَ اللَّهُ
كُرْبَتَهُ وَلَا مُذِيبٌ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ»^۲

«بعد از چندی، پاره‌ای از وجودم در خراسان دفن می‌شود. هیچ غمگینی وی را زیارت نمی‌کند، مگر این که خداوند اندوهش را می‌زداید و هیچ گنهکاری زیارتش نکند، مگر این که خداوند او را می‌بخشاید.»

۱. سوره أعراف (۷)، آیه: ۵۸.

۲. بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۳۴.

ب) وصفی

این وصف در مرتبه اول نشان از همراهی، غمخواری، همیاری، همفکری و پیوستگی و در مرتبه بعد، داشتن نسبت خویشاوندی با مقام ولایت دارد؛ زیرا لفظ «أخت» در این موارد در فرهنگ ادبیات عرب در این معنا نیز استعمال می‌گردد، مانند این که گفته می‌شود: «نَهَجُ الْبَلَاغَةَ أُخْتُ الْقُرْآنِ» است.

بزرگ بانوی جهان اسلام، حضرت معصومه علیها السلام نیز، مانند حضرت زینب علیها السلام، به دلیل قرابت فکری و معنوی با ولی زمان خود، (امام رضا علیه السلام)، متصف به وصف «أخت الولی» گردیده است.

۵. أُخْتُ الرِّضَا

یکی از ویژگی‌های حضرت فاطمه معصومه علیها السلام، خواهری حضرت ثامن الحجج، امام علی بن موسی الرضا علیه السلام است. ایمان به امامت ساحت مقدس امام رضا علیه السلام، میزان صحت و سلامت دین‌مداری و اسلام راستین است و شرط تحقق ایمان کامل انسان مسلمان می‌باشد؛ همان‌طور که آن حضرت در حدیث «سلسلة الذهب» از پدر و تمامی اجدادش، از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ایشان حضرت جبرئیل علیه السلام نقل کرده‌اند که خداوند متعال فرمود:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ فِي حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي»؛

«[اعتقاد گفتن ذکر] «هیچ معبودی جز خداوند نیست» (توحید)،

قلعه من است پس هرکسی داخل قلعه‌ام شود، از عذاب من در امان خواهد بود.»

سپس امام رضا علیه السلام فرمود:

«بِشُرُوطِهَا وَأَنَا مِنْ شُرُوطِهَا»؛

«البته این [ایمن بودن] شروطی دارد و امامت من، از جمله شروط آن

است.»

۱. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۳۵؛ بحار الأنوار، ج ۳، ص ۷.

بنابراین اعتقاد به امامت امام رضا علیها السلام و پذیرش آن، شرط تحقق ایمان، نجات از عذاب و سرمایه‌ی کمال انسان است.

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام خواهر بزرگوار چنین امامی است. همان‌طور که پیش از این گفته شد، در ادبیات عرب، انتساب بانویی به عنوان «أُخْتُ» علاوه بر دلالت نسبی، بالکنایه دلالت بر موَدّت، همراهی، همیاری، پیوستگی و قرابت فوق‌العاده اعتقادی، رفتاری و اخلاقی بین هر دو طرف دارد.

این دو عنوان «أُخْتُ الْوَلِيِّ» و «أُخْتُ الرِّضَا» هر چند در اینجا دارای وحدت مصداقی هستند، ولی از تفاوت معنوی نیز برخوردار می‌باشند. فرق بین «أُخْتُ الْوَلِيِّ» و «أُخْتُ الرِّضَا» این است که در عنوان اوّل، قرابت ولایی به شکل عام اراده شده است و در عنوان دوم، قرابت خاص با امام رضا علیها السلام و جمیع ویژگی‌های ممتاز ذاتی وی لحاظ گردیده است. شایان ذکر است که این عنوان را خود حضرت معصومه علیها السلام به خویش داده است، سپس به آن اشتهار یافته است؛ چنانکه محدّث نوری در کتاب «دار السلام» بیان نموده است: فردی نصرانی به نام «یعقوب» در بغداد زندگی (۱۲۵۴-۱۳۲۰ ق) می‌کرد، وی مبتلا به مرض استسقاء بود. به تمامی پزشکان مراجعه می‌نماید، ولی درمان نمی‌شود، تا این که شبی در خواب، یک سیّد بزرگوار نورانی می‌بیند که به او می‌گوید: «اگر می‌خواهی شفا پیدا کنی، شرطی بین ما و تو باید باشد و آن، این است که به «کاظمین» بیایی و مرا زیارت نمایی. آن وقت شفا پیدا می‌کنی.»

ایشان می‌گوید: «از خواب بیدار شدم و آن رؤیا را به مادرم گفتم. او گفت: «این از وسوسه‌های شیطان است. برو یک صلیب و زُنار به خود ببنداز.» و من این کار را کردم. بار دیگر که خوابیدم، خانمی بزرگوار و پوشیده در رؤیا دیدم که تخت من را تکان می‌داد و می‌فرمود:

«برخیز! صبح شد، مگر پدرم با تو شرط نکرد که وی را زیارت کنی تا شفا یابی؟!»

به او گفتم: «پدر تو کیست؟»

فرمود: «الإمام موسی بن جعفر علیهما السلام.»

به او گفتم: «شما چه کسی هستید؟»

فرمود: «أنا المعصومة أخت الرضا عليه السلام».

لذا از خواب بیدار شدم. متحیر بودم که چکار کنم و به کجا روم؟! در قلبم افتاد که به منزل سید راضی بغدادی بروم. رفتم و درب را زدم.

گفت: «کیستی؟»

گفتم: «در را باز کنید.»

آن سید به دخترش گفت: «او یک نصرانی است که می خواهد اسلام بیاورد.»
بعد از آن که من داخل شدم، به او گفتم: «شما از کجا می دانستید؟»

گفت: «جدم در خواب به من خبر داد.»

او مرا به کاظمین برد و به منزل شیخ عبدالحسین تهرانی وارد شدیم. داستان را برای او تعریف کردم و او مرا به حرم برد و در کنار ضریح آن حضرت به طواف و دعا مشغول شدم، ولی اثری از درمان در من ظاهر نشد. ولی آن گاه که بیرون آمدم، احساس کردم خوب شده‌ام، تشنگی را احساس می‌کردم، آب خوردم، به یک باره اخلاط زیادی از گلو من فرو ریخت. گویا کوهی از دوش من برداشته شد، ورم بدنم برطرف شد، رخساره زرد من به سرخی گرایید و هیچ اثری از آن بیماری در خود ندیدم.^۱

۶. عمّة الولی

همواره انتساب نسبی شخص به خاندانی والا مقام، اقتضای بزرگواری و تربیت الهی وی را دارد، مگر این که عوامل خاصی باعث انحطاط، انحراف و سقوط شخصیتی او شود؛ مانند یکی از فرزندان حضرت نوح علیہ السلام که با دوری از هدایت‌های پیامبر زمان خود (حضرت نوح علیہ السلام)، زمینه سقوط و نابودی خود را فراهم آورد.

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام، همانند حضرت زینب علیها السلام دارای ویژگی «بنت الولی»، «أخت الولی» و «عمّة الولی» است. آن حضرت در تمامی این نسبت‌ها بخوبی در دامان مقام «ولایت» تربیت یافت و با تمام وجود از آن دفاع نمود و فضایل و صفات کمال انسانی را به بهترین و کامل‌ترین وجه در وجود مبارک خویش متجلی نمود.

۱. دارالسلام، ج ۲، ص ۱۹۱.

وی «عمّة الجواد» است که حضرت امام رضا علیها السلام بعد از ولادت امام جواد علیها السلام می فرمود:

«هَذَا الْمَوْلُودُ الَّذِي لَمْ يُولَدْ فِي الْإِسْلَامِ أَعْظَمُ بَرَكَةً مِنْهُ»؛

«این نوزاد، کسی است که در جهان اسلام تاکنون شخصی با برکت

تراز او زاییده نشده است.»

حضرت معصومه علیها السلام سال های کودکی حضرت جواد علیها السلام را درک کرد و در غیاب حضرت امام رضا علیها السلام در زمان هجرت اجباری وی، در خدمت آن خَلَف صالح بود. حضرت جواد علیها السلام نیز به جهت شناخت عمیقی که از عظمت شخصیتی آن بانوی پارسا داشت فرمود:

«مَنْ زَارَ قَبْرَ عَمَّتِي يَقُمَّ فَلَهُ الْجَنَّةُ»؛^۲

«هر کسی قبر عمه مرا در قم زیارت کند برای او بهشت است.»

حضرت معصومه علیها السلام به مدت هشت سال در کنار امام جواد علیها السلام قرار داشت و در سال های پایانی حیات امام رضا علیها السلام جای خالی پدر را که به اجبار به مرو (خراسان) برده شده بود برای وی که امام و حجت آینده اسلام بود با تمام وجود پر کرد.

۷. بنت العصمة

مقام عصمت، جایگاه بسیار والایی است که خداوند نصیب اولیای ممتازش، انبیاء و ائمه علیهم السلام می نماید.^۳ آنان دارای مقام عصمت تامّ علمی و عملی می باشند و منزلتی عرشی و با شکوه و آسمانی دارند. حضرت فاطمه معصومه علیها السلام بزرگ بانویی از این سلسله نورانی و دختری عالی مقام از نسل عصمت و طهارت است؛ بدین جهت در زیارت نامه شریف وی چنین آمده است:

«السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا بِنْتَ

۱. بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۲۰.

۲. بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۲۶۵.

۳. حضرت فاطمه زهرا علیها السلام نیز دارای مقام «عصمت تام» می باشد.

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ فَاطِمَةَ وَخَدِيجَةَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا بِنْتَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ وَلِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا أُخْتَ وَلِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّةَ وَلِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا بِنْتَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ.

امام صادق عليه السلام درباره عصمت امامان شیعه، فرموده است:

«نَحْنُ تَرَاجِمَةُ أَمْرِ اللَّهِ، نَحْنُ قَوْمٌ مَعْصُومُونَ»^۱

«ما ترجمان و بیان کننده دستورات خداوندیم. ما جماعتی هستیم که

همگی معصوم می باشیم.»

۸. عظيمة الشأن

حضرت فاطمه معصومه عليها السلام بی تردید دارای شأن و منزلتی بس عظیم است و روایاتی از امام صادق، امام کاظم، امام رضا و امام جواد علیهم السلام بیان شده است که دلالت بر این مقام والا دارد؛ به طوری که زیارت آن بزرگ بانو، موجب وصول انسان به بهشت می گردد^۲ و تأثیر و ثواب آن، معادل زیارت امام معصوم است.^۳

امام رضا عليه السلام در زیارت نامه شریف آن حضرت می فرماید:

«يَا فَاطِمَةُ اشْفَعِي لِي فِي الْجَنَّةِ فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأْنًا مِنْ

الشَّأْنِ»^۴

«ای فاطمه! مرا درباره دستیابی به بهشت، شفاعت نما؛ زیرا برای تو

نزد خداوند، شأن و منزلتی از شؤون الهی می باشد.»

۱. الکافی، ج ۱، ص ۲۰۴.

۲. اشاره به روایت های امام صادق، امام رضا و امام جواد علیهم السلام دارد که به زائر آن حضرت عليها السلام، بشارت بهشت داده اند.

۳. چنانکه در روایت منسوب به امام رضا عليه السلام و منقول در برخی از کتب دلالت بر این موضوع دارد که آن حضرت عليه السلام فرموده است: «إِنَّ مَنْ زَارَ الْمَعْصُومَةَ بِقَمِّ زَارَتِي».

۴. کامل الزیارات، ص ۳۲۴.

در این فراز از زیارت، به آن حضرت به اسم خاص وی، بدون انتساب به عنوانی، خطاب شده است که این، نشان از عظمت شخصی ایشان دارد. سپس در مقام تعلیل درباره تقاضای شفاعت از آن حضرت، بیان می‌گردد که «نزد خداوند برای تو، شأن و منزلتی بس بزرگ از میان شوونات الهی است». قابل ذکر است که کلمه «شأن» در این زیارت‌نامه به صورت نکره غیر موصوف به وصفی و غیر مقید به حدّ و حدودی، آورده شده است. این شیوه بیانی، دلالت بر این دارد که شأن و منزلت حضرت معصومه علیها السلام قابل توصیف نیست و حدّ و مرزی ندارد.^۱

آن بانوی آسمانی چنان دارای شأن و منزلت و منزلت الهی است که در روز قیامت همه پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام به شفاعت وی از عذاب رهایی یافته و به بهشت در می‌آیند. امام جعفر صادق علیها السلام در این باره فرموده است:

«...نَدْخُلُ بِشَفَاعَتِهَا شِيعَتِي الْجَنَّةَ بِأَجْمَعِهِمْ»^۲

«همه شیعیان من با شفاعت دختر موسی وارد بهشت می‌شوند».

۹. کریمه اهل بیت علیهم السلام

واژه «کَرَم» و «کرامت» به معنای «بزرگی و بزرگواری است که موجب عنایت و توجه به دیگران» می‌شود.^۳

یکی از اوصاف ارزشمند و القاب مشهور حضرت فاطمه معصومه علیها السلام، «کریمه اهل‌البیت» است. واژه‌ی «کریمه» به معنای «بانویی است که بزرگ و بزرگوار بوده و دارای روحیه جود و سخاوت فراوان» می‌باشد. خداوند، اولین کریم عالم وجود بوده که کرامتش

۱. ر.ک: المطوّل، ص ۷۰. سعدالدین تفتازانی مؤلف این کتاب، در مورد این قاعده بلاغی چنین بیان کرده است: «وَأَمَّا تَنْكِيرُهُ فَلِلْإِفْرَادِ، نَحْوُ: «وَجَاءَ رَجُلٌ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى» [سوره قصص (۲۸)، آیه: ۲۰] أَوْ النُّوعِيَّةِ، نَحْوُ: «وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ» [سوره بقره (۲)، آیه: ۷] أَوْ التَّعْظِيمِ أَوْ التَّحْقِيرِ، يَعْنِي أَنََّّهُ أُبْلَغَ فِي ارْتِفَاعِ شَأْنِهِ وَانْحِطَاطِهِ مَبْلَغًا لَا يُمْكِنُ أَنْ يَعْرِفَ». این قاعده، در هر دو عنوان «مسند الیه» و «غیر مسند الیه» جاری است.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۲۲۸.

۳. ر.ک: مجمع البحرین، ج ۶، ص ۱۵۳؛ مفردات ألفاظ القرآن، ص ۷۰۷.

حدی ندارد و لذا فضیلت کرامت را دوست داشته و شخص کریم، محبوب او می باشد. پیامبر گرامی اسلام ﷺ در این باره فرموده است:

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى كَرِيمٌ يُحِبُّ الْكَرَمَ»^۱

«همانا خداوند متعال، کریم است و بزرگواری را دوست دارد.»

در میان خاندان پیامبر گرامی اسلام ﷺ دو نفر به این عنوان در میان عموم مردم زبانزد می باشند:

۱. امام حسن مجتبیٰ (کریم اهل البيت ﷺ)؛

۲. حضرت فاطمه معصومه (کریمه اهل البيت ﷺ).

این عنوان، لقب بسیار گرانبی است که در میان بانوان ممتاز جهان اسلام به آن حضرت عطا شده است. این لقب توسط یکی از معصومان به حضرت فاطمه معصومه (ع) داده شده است. آیت الله سید محمود مرعشی نجفی (رحمته الله) (۱۳۷۰-۱۳۳۸ ق)^۲ - پدر بزرگوار حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (رحمته الله) - بعد از مداومت به اذکار و توسل به اهل بیت (ع) به مدت چهل شب و تقاضای بسیار برای کشف و رؤیت مرقد مطهر و بی نام و نشان حضرت فاطمه زهرا (ع)، سرانجام در عالم مکاشفه، یکی از دو امام باقر و یا امام صادق (ع) را مشاهده می نماید. بعد از اظهار تقاضای خود، آن حضرت به وی می فرماید:

«عَلَيْكَ بِكَرِيمَةِ أَهْلِ الْبَيْتِ»^۳

«بر شما باد زیارت کریمه اهل بیت (ع).»

او گمان می کند که مراد از «کریمه اهل بیت (ع)» حضرت زهرا (ع) است، به همین جهت عرض می کند: «جانم فدای شما، من برای شناخت مکان دفن ایشان، این اذکار و توسل را انجام داده ام». آن حضرت برای توضیح می فرماید:

۱. کنز العمال، ج ۶، ص ۳۴۷؛ میزان الحکمة، ج ۷، ص ۴۶۶؛ نهج الفصاحة، ص ۲۹۹.

۲. وی از علمای بزرگ شیعه بود که در علم انساب، تبخیر و ویژهای داشت و کتاب «مشجرات السادة العلویین» را تألیف کرد. او در سال ۱۳۳۸ ق، وفات یافت و در نجف اشرف به خاک سپرده شد.

۳. قبسات، ص ۱۰۹.

«بنا نیست قبر مخفی حضرت زهرا علیها السلام تا ظهور حضرت حجة بن الحسن علیهما السلام معلوم شود و خلاف وصیت ایشان عمل گردد. مراد از کریمه اهل بیت علیهم السلام، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در قم است.»

ساحت مقدس حضرت فاطمه معصومه علیها السلام مظهر جود و کرم می باشند و چنانکه از روایات استفاده می شود، زائرش را مورد لطف و عنایت کریمانه خویش قرار می دهند. امیرمؤمنان، امام علی بن ابی طالب علیهما السلام، درباره ویژگی کریمان فرموده است:

«الْكَرِيمُ إِذَا وَعَدَ وَفَى وَإِذَا تَوَعَّدَ عَفَا»^۱

«انسان کریم هرگاه وعده دهد، وفا می کند و هر وقت که غضب و تهدید نماید، می بخشد.»

همچنین بیان داشته است:

«وَعْدُ الْكَرِيمِ نَقْدٌ وَتَعْجِيلٌ»^۲

«وعده انسان کریم، حتمی و با شتاب است.»

آن حضرت علیها السلام درباره ی معیار شناخت انسان کریم، فرموده است:

«بِكَثْرَةِ الْإِضْطَالِ يُعْرَفُ الْكَرِيمُ»^۳

«به زیادی احسان و بخشش، انسان کریم شناخته می شود.»

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام دارای تمامی این اوصاف و فضایل آسمانی است؛ از این رو یکی از لقب های زرّین و ممتازش «کریمه اهل بیت» می باشد.

۱. غررالحکم، ج ۲، ص ۳۷۵؛ میزان الحکمة، ج ۷، ص ۴۶۸.

۲. غررالحکم، ج ۲، ص ۳۸۲؛ میزان الحکمة، ج ۷، ص ۴۶۸.

۳. غررالحکم، ج ۲، ص ۲۷۹؛ میزان الحکمة، ج ۷، ص ۴۶۸.

۱۰. عالمه

واژه‌ی «علم» به معنای «دانش و فهم» می‌باشد.^۱
علم و دانش، از ویژگی‌های انسان است و اولین آموزگار انسان نیز خداست:

﴿وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا﴾^۲

«و خداوند به آدم علیه السلام تمامی اسمها را آموخت.»

و یکی از معیارهای برتری انسان نسبت به یکدیگر، علم و دانش است:

﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾^۳

«آیا کسانی که اهل دانش‌اند، با کسانی که علم و دانش ندارند،

یکسان هستند؟!»

در متون فاخر اسلامی پیرامون ارزش علم و تأکید بر تحصیل آن، روایات بسیاری وجود دارد.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله درباره جایگاه و ارزش علم، فرموده است:

«الْعِلْمُ رَأْسُ الْخَيْرِ كُلِّهِ وَالْجَهْلُ رَأْسُ الشَّرِّ كُلِّهِ»^۴

«علم، ریشه تمامی خوبی‌ها و جهل، منشأ تمامی بدی‌هاست.»

امام باقر علیه السلام نیز ارزش شخصیت عالم، بیان داشته است:

«عَالِمٌ يَنْتَفِعُ بِعِلْمِهِ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ أَلْفَ عَابِدٍ»^۵

«دانشمندی که مردم از دانش وی بهره‌مند شوند، ارزشمندتر از هفتاد

هزار عبادت‌کننده است.»

۱. ر.ک: لسان العرب، ج ۱۲، ص ۴۱۶؛ مجمع البحرین، ج ۶، ص ۱۱۹.

۲. سوره بقره (۲)، آیه: ۳۱.

۳. سوره زمر (۳۹)، آیه: ۹.

۴. بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۱۷۵.

۵. الکافی، ج ۱، ص ۳۳.

طبق فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جایگاه عالم - البته دانشمند با ایمان صالح - بهشت برین است:

«مَنْ كَانَ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ كَأَنَّ الْجَنَّةَ فِي طَلَبِهِ»^۱

«هرکسی به دنبال تحصیل علم باشد، بهشت مشتاق حضوری و در پی تحصیل او می باشد.»

خاندان پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله خاندان معرفت و دانش می باشند و از این خانه، علم و معرفت دینی به جهانیان ارائه شده است چنانکه امام باقر علیه السلام می فرماید:

«إِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ مِنْ عِلْمِ اللَّهِ عَلِمْنَا وَمِنْ حُكْمِهِ أَخَذْنَا
وَمِنْ قَوْلِ الصَّادِقِ سَمِعْنَا فَإِنْ تَتَّبِعُونَا تَهْتَدُوا»^۲

«بی تردید ما اهل بیت از علم خدا دانش داریم و از حکم و حکمت او می گیریم و از سخن [فرشته ای] راستگو می شنویم. پس اگر از ما پیروی کنید، هدایت می یابید.»

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در مکتب امام کاظم و امام رضا علیهما السلام تربیت و پرورش یافت؛ به همین علت از همان سنین کودکی به عنوان یک بانوی عالم و اهل فضل محسوب می گردید. روزی گروهی از مردم به خانه امام کاظم علیه السلام مراجعه کردند تا سوالاتی را که در اوراقی نوشته بودند بپرسند ولی امام در مسافرت به سر می برد. حضرت معصومه علیها السلام برگه ها را گرفت و پس از مطالعه، پاسخ هر یک را نوشته و به آنها تحویل داد. آنان در مسیر برگشت امام کاظم علیه السلام را دیدند و جریان را به وی گفتند. امام بعد از خواندن جواب های حضرت معصومه علیها السلام فرمود:

«فَدَاهَا أَبُوهَا»^۳

«پدرش به فدایش باد.»

۱. کنز العمال، ج ۱۰، ص ۱۶۲.

۲. بحار الأنوار، ج ۲، ص ۹۴؛ بصائر الدرجات، ص ۵۱۴.

۳. به نقل از: ابن عرندس در کتاب «كشف اللثالي». ر.ک: کریمه اهل بیت علیها السلام، ص ۱۷۱؛ کریمه اهل البيت فاطمة بنت الإمام الكاظم علیه السلام، ص ۷۳.

و کیست که نداند، از منبع فیض بارگاه مطهر این بانوی والامقام است که حوزه‌های علمیه شیعه طلوع کرده‌اند و منشأ حفظ و تولید و تبلیغ معارف اسلام به سرزمین‌های اسلامی و جهان می‌باشند. حوزه‌های پیر برکتی که مرکز پرورش عالمان و بزرگان عرصه‌ی علم، اخلاق و معارف اسلامی هستند.

۱۱. محدّثه

واژه‌ی «محدّثه» که از مصدر «تحدیث» مشتق است، در فرهنگ واژگانی عرب، به معنای «بیان کلام دیگران»^۱ و در اصطلاح علم حدیث، به معنای «بیان کلام و سخنان حجج الهی» است.^۲

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام جزو بانوان «محدّث» از خاندان پیامبر گرامی و ائمه اطهار علیهم السلام است که احادیثی بیان و روایت کرده است. برخی دیگر از بانوان محدّث آن خاندان آسمانی، عبارتند از: حضرت فاطمه زهرا، حضرت زینب، فاطمه دختر امام سجّاد، فاطمه دختر امام باقر، فاطمه دختر امام صادق که درود خداوند بر آنان باد.^۳ هر چند آن بزرگ بانو به جهت شرایط نامناسب و اختناق حاکم بر جامعه آن زمان، روایات اندکی بیان کرده است، اما همان احادیث مضبوط ایشان در مجامع روایی شیعه، جملگی پیرامون ولایت و ارزش ولایت‌مداری، دوستی و مودّت خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله است. از آن حضرت در مجامع روایی معتبر چند روایت ثبت گردیده که در فصل روایات به تفصیل آمده است.^۴ از ویژگی‌های آن روایات، زنانه بودن تمامی سلسله سند، همنام بودن راویان و از خاندان پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله بودن آنان است. این امر نشان می‌دهد که بانوان این خاندان گرامی نیز در عرصه‌ی فرهنگی و بیان حقایق اسلامی کوشا بوده‌اند.

تمامی عالمان علم رجال که از حضرت معصومه علیها السلام سخن گفته‌اند، وی را به عنوان

۱. ر.ک: لسان العرب، ج ۲، ص ۱۳۱؛ القاموس المحيط، ج ۱، ص ۲۲۲.

۲. ر.ک: أصول الحدیث، ص ۳۱.

۳. ر.ک: محدّثات شیعه، ص ۲۵۴؛ أعلام النساء المؤمنات، ص ۶۷۲.

۴. ر.ک: فصل چهارم، (احادیث).

محدثی عدل و ثقه، مدح نموده اند؛^۱ زیرا چهار امام علیهم السلام از وی به عظمت یاد کرده و با تعبیراتی والا، ایشان را ستوده اند. یکی از آن تکریم و تجلیل ها، این است که سه امام بزرگوار (امام صادق، امام رضا و امام جواد علیهم السلام) پاداش زیارت برای زائر وی را بهشت بر شمرده اند.

۱۲. طاهره

«طهارت» در فرهنگ لغت، به معنای «پاکی و پاکیزگی»^۲ و در اصطلاح فقهی، به مفهوم «به کار بردن آب یا خاک به شکل ویژه، با نیت الهی که دارای سه قسم (وضو، غسل و تیمم) می باشد»^۳ و در اخلاق عرفان، به معنای «پیراستگی از آلودگی های قلبی و باطنی» است.^۴

یکی از محبوبان خداوند، انسان پاک و پاکیزه می باشد:

﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ﴾^۵؛

«همانا خداوند، توبه کنندگان و انسان های پاک را دوست دارد.»

بنابراین طهارت، بر دو گونه است:

۱. طهارت ظاهری: پاکی و پاکیزگی از آلودگی های ظاهری (نجاست و خبائث).
- امام رضا علیهم السلام فرموده است:

«مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ التَّنْظُفُ»^۶؛

«پاکیزگی از اخلاق پیغمبران است.»

۱. ر.ک: قاموس الرجال، ج ۱۲، ص ۳۲۷؛ محدثات شیعه، ص ۲۵۴؛ أعيان الشيعة، ج ۲، ص ۵؛ أعلام النساء المؤمنات، ص ۶۹۲.

۲. ر.ک: معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۲۵۹؛ تاج العروس، ج ۱۱، ص ۲۴۶.

۳. ر.ک: المبسوط، ج ۱، ص ۴.

۴. معراج السعادة، ص ۸۴۰.

۵. سوره بقره (۲)، آیه: ۲۲۲.

۶. بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۳۳۵.

۲. **طهارت باطنی:** پاکی و پیراستگی از آلودگی‌های اعتقادی و اخلاقی و رفتاری. امیرمؤمنان، امام علی بن ابی طالب علیه السلام در این باره فرموده است:

«إِنْ كُنْتُمْ لَا مُحَالَةً مُتَطَهِّرِينَ فَتَطَهَّرُوا مِنْ ذَنْسِ الْغُيُوبِ وَ
الدُّنُوبِ»^۱

«اگر حتماً باید پاک و پاکیزه باشید، پس می‌باید از آلودگی به عیب‌ها
و گناهان پاک گردید.»

برخی از بزرگان اخلاق و عرفان، چهار مرتبه برای «طهارت» بیان نموده‌اند:

۱. طهارت بدن از حدث، خبث و کثافات؛

۲. طهارت اعضا و جوارح از معاصی و گناهان؛

۳. طهارت نفس از اخلاق ذمیمه و ملکات رذیله؛

۴. طهارت دل از غیر خدا.^۲

حضرت معصومه علیها السلام دارای طهارت تام و کامل الهی و نماد طهارت باطنی و ظاهری و مراتب مختلف آن بوده، همانند جدّه‌اش حضرت زهرا علیها السلام که همواره دارای کمال در هر دو بعد طهارت بوده است. بی‌تردید کسی که می‌تواند «شفاعت» نماید و پاداش زیارتش «بهشت» است، باید دارای بالاترین مراتب طهارت باطنی و ظاهری باشد. شایان توجه است که یکی از القاب حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و مادر گرامی‌اش، حضرت خدیجه علیها السلام و همچنین مادر بزرگوار حضرت فاطمه معصومه علیها السلام، نیز «طاهره» می‌باشد.

۱۳. حمیده

واژه «حمد» به معنای «ستایش کردن و ثناگویی شخصی، به جهت دارا بودن صفات نیک که اختیار آن را دارد» است.^۳

۱. غررالحکم، ج ۱، ص ۴۴۷.

۲. معراج السعادة، ص ۸۴۰.

۳. ر.ک: مجمع البحرين، ج ۳، ص ۳۸؛ مفردات ألفاظ القرآن، ص ۲۵۶.

«حمیده» به معنای «بانوی ستوده» می باشد. بانویی که دارای صفات نیک و فضایل بسیاری است که موجب می شود دیگران به ستایش وی پردازند. حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به سبب صفات عالیّه و فضایل کامله خویش، همواره مورد تکریم و بزرگداشت ائمه علیهم السلام، اصحاب و بزرگان بوده است. او در بین دختران امام کاظم علیها السلام جایگاه منیع و ممتازی دارد و در بین بانوان خاندان پیامبر ﷺ هم جزو معدود زنانی است که دارای منزلت ویژه می باشد؛ به طوری که امام رضا علیها السلام زیارت نامه ی او را انشا و بیان نموده است و سه معصوم، پاداش زیارتش را «بهشت» اعلام کرده و از او به نیکی و عظمت یاد نموده اند. چنانچه در آن زیارت نامه ی گرانقدر، از ایشان تقاضای «شفاعت» می شود.^۱

قابل ذکر است که جدّه بزرگوار ایشان نیز «حمیده» نام دارد.^۲

۱۴. بَرّه

واژه ی «بَرّه» در لغت و فرهنگ عمومی، به معنای «نیکوکاری و خوش رفتاری» است.^۳ نیکی و نیکوکاری از صفات پسندیده ی انسانی است که همواره در متون فاخر دینی به آن توصیه و تأکید شده است.

واژه ی «بَرّه»؛ یعنی «بانویی که نیک و نیکوکار است».

البته نیکی و نیکوکاری، بر دو قسم است:

۱. **مادی**، مانند: مساعدت مالی به دیگران؛

۲. **معنوی**، مانند: هدایت و راهنمایی دیگران.

خداوند درباره ارزش نیکوکاری و سرانجام افراد نیک اندیش و نیکوکار می فرماید:

۱. ر.ک: فصل سوم، (حضرت معصومه علیها السلام در کلام معصومین علیهم السلام و...) .

۲. الکافی، ج ۱، ص ۴۷۶ و ۴۷۷؛ کشف الغمّة، ج ۳، ص ۳.

۳. ر.ک: العین، ج ۸، ص ۲۵۹.

﴿إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ * وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ﴾^۱

«همانا نیکان در بهشت برین بوده و بی‌تردید بدکاران در دوزخ‌اند.»

پیامبر گرامی ﷺ درباره‌ی نیکوکاری فرموده است:

﴿إِنْ أَسْرَعَ الْخَيْرِ ثَوَابًا الْبِرُّ وَإِنْ أَسْرَعَ الشَّرِّ عِقَابًا الْبَغْيُ﴾^۲

«همانا سریع‌ترین چیزی که انسان به ثواب آن می‌رسد، نیکوکاری

است و سریع‌ترین چیزی که به عذابش می‌رسد، بدکاری است.»

همچنین در باب موارد نیکوکاری، بیان داشته است:

«ثَلَاثٌ مِنْ أَبْوَابِ الْبِرِّ: سَخَاءُ النَّفْسِ وَطِيبُ الْكَلَامِ وَالصَّبْرُ عَلَى

الْأَذَى»^۳

«سه چیز از درهای نیکوکاری است: علاقه قلبی به جود و کرم، زیبا

سخن گفتن و بر آزار [و مشکلات] صبر و استقامت داشتن.»

خداوند در قرآن ویژگی‌های نیکویی و نیکوکاری را بر شمرده است:

﴿لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ
الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى
الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَ
السَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا
عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ
صَدَقُوا وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾^۴

«نیکوکاری آن نیست که شما نگاه خود را به جانب مشرق و مغرب

۱. سوره انفطار (۸۲)، آیات: ۱۳ و ۱۴.

۲. الخصال، ج ۱، ص ۸۶ و ۱۱۰؛ میزان الحکمة، ج ۱، ص ۳۷۰؛ ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۷۵.

۳. تحف العقول، ص ۸؛ مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۳۶۱؛ بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۶۲.

۴. سوره بقره (۲)، آیه: ۱۷۷.

اندازید، بلکه آن کس نیکویی می کند که به خدا، قیامت، فرشتگان، قرآن و پیامبر داشته و دارایی خویش را با آن که علاقه به آن دارد، به خویشان، یتیمان، فقرا، در راه ماندگان، در خواست کنندگان و در راه آزاد کردن بردگان پرداخت می کند. نماز را به پای می دارد، زکات را ادا می کند، [این افراد] هرگاه عهدی ببندند وفا می کنند و در تنگدستی و به گاه سختی و فشار صبور می باشند. آنان همان کسانی هستند بکه در داشتن ایمان راست گفته اند و آنان هستند که اهل تقوا می باشند.»

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله درباره نشانه های انسان نیکوکار، فرموده است:

«أَمَّا عَلَامَةُ الْبَارِّ فَعَشْرَةٌ: يُحِبُّ فِي اللَّهِ وَيُبْغِضُ فِي اللَّهِ وَيُصَاحِبُ فِي اللَّهِ وَيُفَارِقُ فِي اللَّهِ وَيَعْضَبُ فِي اللَّهِ وَيَرْضَى فِي اللَّهِ وَيَعْمَلُ لِلَّهِ وَ يَطْلُبُ إِلَيْهِ وَيَخْشَعُ اللَّهُ خَائِفًا مَخَوْفًا طَاهِرًا مُخْلِصًا مُسْتَحْيَا مُرَاقِبًا وَيُحْسِنُ فِي اللَّهِ»^۱

«اما علامت انسان نیکوکار، ده چیز است: دوستی و دشمنی او با دیگران برای خداست، همراهی و همنشینی او از دیگران در راه خدا و جدایی او با دیگران به خاطر خداست، خشم و غضب وی در راه خدا و خرسندی او در راه خداست، تمامی اعمال او برای خداست، دعا و تقاضای او به سوی خداست، برای خدا خاشع و ترسان است و از کرده خود می ترسد، همواره پاک، با اخلاص، دارای روحیه شرم و حیاست و همیشه مراقب خود است که گناه نکند و همواره در راه خدا احسان و نیکی می نماید.»

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام مصداق کامل این امور بود و شخصیت و زندگی اش تجلی بخش معارف قرآنی و روایی است.

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در اوج مراتب نیکی و نیکوکاری است؛ زیرا تعبیرات

۱. تحف العقول، ص ۲۱؛ میزان الحکمة، ج ۱، ص ۳۷۶.

گران‌سنگی که حضرات معصومین علیهم‌السلام درباره‌ی وی فرموده‌اند، کاشف از وجود نیکی و صفات عالی‌ه‌ی او، می‌باشد.

۱۵. رشیده

واژه «رشد» در ادبیات، به معنای «پیشرفت در عرصه روحی و عقلی» است؛^۱ چنان که در این آیه شریفه به این معنا به کار رفته است:

﴿إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا * يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ﴾^۲

«همانا قرآنی شگفت‌آور شنیدیم که به سوی رشد و کمال هدایت

می‌کند. پس ما به آن ایمان آوردیم.»

بنابراین واژه‌ی «رشید» به معنای «توانمندی فردی و دارا شدن قدرت بالای فهم، درک و شناخت عقلی» می‌باشد.

این وصف آن‌گاه که درباره شخصیت‌های بزرگ استعمال می‌شود، در مقام بیان قدرت بالای معنوی و روحی آن‌ها و به معنای «کمال و اوج رشد روحی» می‌باشد؛ مانند آیه شریفه:

﴿إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ﴾^۳

«همانا تو (شعیب) فردی بردبار و خردمند می‌باشی.»

بی‌گمان حضرت فاطمه معصومه علیها‌السلام در اوج رشد و کمال عقلی و روحی بوده است. تعبیرات و توصیفات حضرات معصومین علیهم‌السلام از وی، نشان از رشد و کمال و بزرگی آن بانوی گرانقدر دارد.

۱. ر.ک: معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۳۹۸؛ أساس البلاغة، ص ۲۳۲؛ المصباح المنیر، ج ۱، ص ۲۲۷.

۲. سوره جن (۷۲)، آیات: ۲ و ۱.

۳. سوره هود (۱۱)، آیه: ۸۷.

۱۶. تقویه

«تقوا» در لغت؛ یعنی «خویشتن داری و پرهیز از ارتکاب اموری که به انسان زیان می‌رساند»^۱ و در اصطلاح دینی، به معنای «پرهیزکاری از مخالفت فرامین الهی» است.^۲ انسان متقی دارای روحیه و رویه خویشتن‌پایی در برابر ارتکاب گناه می‌باشد و به عبارت دیگر «تقوا»؛ یعنی «زندگی کردن بر اساس دستورات الهی».

خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنْ اتَّقُوا اللَّهَ﴾^۳

«و بی‌تردید ما سفارش کرده‌ایم به کسانی که پیش از شما کتاب به آنان داده شده و به خود شما، که تقوای الهی را پیشه‌ی خود سازید.»
مراعات «تقوا» دارای آثار بسیاری است که به برخی از موارد قرآنی آن اشاره می‌شود:

۱. هدایت قرآنی

﴿هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ﴾^۴

«این قرآن، سخنی روشن برای مردم و هدایت و پندی برای اهل تقواست.»

۲. پشتیبانی از سوی خدا

﴿وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ﴾^۵

«و بدانید که همانا خداوند با اهل تقواست.»

۱. ر.ک: أساس البلاغة، ص ۶۸۶؛ المصباح المنیر، ج ۲، ص ۶۷۰.

۲. ر.ک: مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۷؛ المیزان، ج ۱، ص ۴۳.

۳. سوره نساء (۴)، آیه: ۱۳۱.

۴. سوره آل عمران (۳)، آیه: ۱۳۸.

۵. سوره بقره (۲)، آیه: ۱۹۴.

۳. محبوبیت الهی

﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ﴾^۱

«همانا خداوند اهل تقوا را دوست دارد.»

۴. رستگاری اخروی

﴿وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ﴾^۲

«و آخرت نزد پروردگارت برای اهل تقواست.»

۵. بهترین زاد و توشه

﴿وَنَزَوْدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى﴾^۳

«و زاد و توشه بگیرید که همانا بهترین توشه، تقواست.»

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در طول تاریخ حیات آسمانی خویش، در اوج مراتب تقوا بود؛ چنانکه عنوان «معصومه» نیز بیانگر همین تقوای والای آن بزرگ بانو است.

۱۷. مرضیه

واژه‌ی «رضایت» در لغت، به معنای «پسندیدن، تأیید و پذیرش قلبی» می باشد و در حوزه معارف دینی، به معنای «خرسند و خشنودی به مقدّرات الهی و پسندیدن آن»^۴ است و «مرضیه»؛ یعنی «بانویی که پسندیده و مورد تأیید و تکریم است». خداوند در قرآن فرموده است:

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ * جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا

۱. سوره توبه (۹)، آیه: ۷.

۲. سوره زخرف (۴۳)، آیه: ۳۵.

۳. سوره بقره (۲)، آیه: ۱۹۷.

۴. ر. ک: لسان العرب، ج ۱۴، ص ۳۲۳؛ تاج العروس، ج ۱۹، ص ۴۶۲.

أَبْدَأَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ؛^۱

«همانا کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، آنان همان بهترین انسان‌ها می‌باشند. پاداش ایشان نزد پروردگارشان، بهشت‌هایی است که از پایین دست آن، جوی‌ها جاری است و در آن جاودانه زندگی می‌کنند. خداوند از آنها راضی است و ایشان را پسندیده و آنان نیز از خداوند راضی هستند [و بندگی خدا را پسندیده‌اند] و این، بدین خاطر است که آنان خشیت خدا را در دل دارند.»

بنابراین حضرت فاطمه معصومه علیها السلام دارای تمامی ویژگی‌هایی است که موجب می‌شود خداوند از وی راضی بوده، ایشان را تأیید نماید و پسندیده باشد. این مقام بزرگی است و نشان می‌دهد که او نورانی و از مصادیق بارز «خیر البریه» می‌باشد. در زیارت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام این اوصاف برای آن سرور زنان جهان نیز بیان شده است:

«وَصَلَّ عَلَى الْبُتُولِ الظَّاهِرَةِ الصَّدِيقَةِ الْمَعْصُومَةِ التَّقِيَّةِ النَّقِيَّةِ الرَّضِيِّةِ الْمَرْضِيَّةِ الرَّكِيَّةِ الرَّشِيدَةِ»^۲

۱۸. رَضِيَّه

دارا بودن مقام «رضا» یکی از مهم‌ترین عوامل کمال شخصیتی انسان است و نشان از ایمان عمیق و افق دید وسیع نسبت به قضا و قدر الهی دارد. واژه‌ی «رَضِيَّه» به معنای «بانوی پسندیده و راضی به تمام مقدرات الهی» است.^۳ یکی از القاب حضرت فاطمه معصومه علیها السلام «رَضِيَّه» است؛ یعنی «بانویی که راضی و تسلیم در مقابل تقدیر الهی است و از آثار عالی‌ه آن نیز بهره‌مند می‌باشد».

۱. سوره بینه (۹۸)، آیات: ۸ و ۷.

۲. بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۲۰۰؛ إقبال الأعمال، ص ۱۰۰-۱۰۲.

۳. رك: البحر المحيط، ج ۴، ص ۱۷۵.

امام صادق علیه السلام درباره‌ی مقام رضا، فرموده است:

«رَأْسُ طَاعَةِ اللَّهِ الرَّضَا بِمَا صَنَعَ اللَّهُ فِيهَا أَحَبُّ الْعَبْدُ وَفِيهَا
كِرَّةٌ»^۱

«سرآمد تمامی طاعات الهی، رضایت داشتن به مقدرات الهی است؛

چه خوشایند بنده باشد، چه آن را ناخوش دارد.»

بر اساس فرموده قرآن، کسانی که دارای مقام رضا هستند و در زندگی بر طبق تقوا عمل می‌نمایند و به مقدرات الهی رضایت دارند، مورد رضایت خداوند بوده و آنان حزب خدایند.

﴿رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ﴾^۲

«خداوند از آنان راضی و آنان نیز از خداوند راضی می‌باشند. آنان

حزب خدایند.»

ثمره‌ی دستیابی به این مقام، کسب پیروزی و منزلت بزرگ الهی است:

﴿رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾^۳

«خداوند از آنان راضی بود و ایشان نیز از خداوند راضی می‌باشند و

این همان مقام پیروزی بزرگ است.»

بی‌تردید این افراد در حیات بعد از مرگ و آخرت، دارای زندگی بهشتی و پراز تنعم خداوندی خواهند بود:

﴿فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ * فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ﴾^۴

«پس آن کس که بار [عبادات و] اعمالش گران سنگ باشد، او در یک

زندگی پراز رضایت اخروی به سر خواهد برد.»

۱. بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۱۵۷.

۲. سوره مجادله (۵۸)، آیه: ۲۲.

۳. سوره مائده (۵)، آیه: ۱۱۹.

۴. سوره قارعه (۱۰۱)، آیات: ۶ و ۷.

﴿يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً *
فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي﴾^۱

«ای نفس مطمئن! به سوی پروردگارت بازگرد، در حالی که راضی از خدا هستی و خداوند نیز از تو راضی می باشد، بدین جهت در جمع بندگان شایسته ام قرار گیر و داخل بهشت شو.»

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به جهت رضایت کامل به مقدرات الهی که در تمامی دوران سخت حیات خود داشت، بی گمان از افراد شایسته و برگزیده ی الهی می باشد. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرموده است:

﴿إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا ابْتَلَاهُ، فَإِنْ صَبَرَ اجْتَبَاهُ، وَإِنْ رَضِيَ اصْطَفَاهُ﴾^۲

«آنگاه که خداوند فردی را دوست بدارد، او را امتحان می نماید. اگر صبور باشد، انتخابش می کند و اگر راضی باشد، وی را بر میگزیند.»

۱۹. نَقِيَّة

«نقاوت» در لغت به معنای «پاکی و عدم آلودگی» است^۳ و واژه ی «نَقِيَّة»؛ یعنی «بانویی که دارای باطن و سرشتی پاک بوده و از تمام آلودگی باطنی پیراسته باشد». انسان موجودی است که اعمالش از اعتقاد و تمایلات درونی وی نشأت می گیرد.

«ای برادر! تو همه اندیشه ای مابق، تو استخوان وریشه ای

گر بود اندیشه ات گل، گلشنی وربود خاری، تو هیمة گلخن»

به همین جهت اسلام و ادیان الهی به موضوع «تزکیه باطن» اهمیت فراوانی داده اند. خداوند در سوره ی «شمس» یازده قَسَم یاد می کند؛ سپس رستگاری و نجات را از آن کسی

۱. سوره فجر (۸۹)، آیات: ۲۷ - ۳۰.

۲. بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۱۴۳.

۳. ر.ک: القاموس المحيط، ج ۴، ص ۴۵۸؛ تاج العروس، ج ۲۰، ص ۲۶۳.

بر می‌شمارد که باطن پاک دارد:

﴿وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا * وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا * وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا *
وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا * وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا * وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَاهَا * وَ
نَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا * قَالَ هَمْهَا فُجُورُهَا وَتَقْوَاهَا * قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا * وَ
قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا﴾^۱

«سوگند به خورشید و تابش آن، و به ماه آن گاه که در پی خورشید می‌آید، و به روز هنگامی که جهان را روشن می‌سازد، و به شب وقتی جهان را در پرده سیاهی می‌کشد، و به آسمان بلند و آن که آن را بنا نهاد، و به زمین و آن که آن را بگسترانید، و به نفس انسان و آن که او را به حد کمال بیافرید، و به او شرّ و خیر الهام نمود، که بی‌تردید آن کسی که نفس خود را تزکیه و پاک کرده، رستگار شود و آن که آن را پلید گرداند، نومید خواهد بود.»

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام دارای باطنی پاک و سرشتی آسمانی بود؛ لذا از شفاعت اخروی و کرامات غیر قابل انکاری در عرصه‌ی هدایت جامعه برخوردار می‌باشد. تجلیل و تکریم چهار امام معصوم علیهم السلام از ایشان، کاشف از نورانیت وجود مطهر آن حضرت دارد.

«گوهر پاک بیاید که شود منبع فیض ورنه هر خشت و گلی، لؤلؤ و مرجان نشود»

۲. عابد

- «عبادت» به معنای «پرستش و نیایش» است.^۲ «عبادت» دارای دو قسم است:
۱. عبادت بالمعنی الأعمّ؛ یعنی «پرستش و عبودیت و رفتار مطابق با نظر معبود»؛
 ۲. عبادت بالمعنی الأخصّ؛ یعنی «نیایش و دعا کردن».
- در اینجا مراد، عبادت بالمعنی الأخصّ و نیایش است.

۱. سوره شمس (۹۱)، آیات: ۱-۱۰.

۲. ر.ک: معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۲۰۵؛ تاج العروس، ج ۵، ص ۸۲.

عبادت و نیایش به درگاه خداوند، هدیه ای است الهی که نصیب خوبان و صالحان می شود.

عبادت، انسان زمینی را به اوج مصاحبت با ذات باری تعالی می رساند.
عبادت، راز و نیاز انسان با خدا می باشد و بالی برای پرواز و رهایی انسان از دام هوا و هوس است.

عبادت، دستیابی به درگاه خداوند مهربان برای کسب تمامی نیازهاست.
اگر عباداتی، مانند نماز و دعا نباشد، خداوند به هیچ انسانی توجه نمی کند:

﴿قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ﴾^۱

«بگو: اگر دعای شما نباشد، پروردگارم به هیچ یک از شما توجهی نمی کند.»

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در این باره فرموده است:

«الدُّعَاءُ مَخُّ الْعِبَادَةِ وَلَا يَهْلِكُ مَعَ الدُّعَاءِ أَحَدٌ»^۲

«دعا، مغز عبادت است و هیچ کس با دعا کردن، گرفتار هلاکت نمی شود.»

و همچنین فرموده است:

«الدُّعَاءُ سَلَاخُ الْمُؤْمِنِ وَ عَمُودُ الدِّينِ وَ نُورُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ»^۳

«دعا، سلاح انسان با ایمان، ستون دین و نور آسمان ها و زمین است.»

و خداوند درباره ی آثار بد «روی گردانی از عبادت» فرموده است:

۱. سوره فرقان (۲۵)، آیه: ۷۷.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۴۶۸.

۳. همان.

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾^۱

«همانا کسانی که از عبادت من روی برمی گردانند، به زودی در جهنم

جاودانه داخل می شوند.»

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام همانند جدّه ی بزرگوارش حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در میان بانوان خاندان پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به عبادت، دعا و ذکر، مشهور است و در هفده روز آخر عمر خود که در قم به سر برد، همواره به عبادت و نیایش مشغول بود. مکان عبادت و راز و نیاز حضرت هم اینک «بیت النور» نامیده می شود. و البته این سیره ی تمام پیامبران و امامان و اولیای خداست که شب و روز به عبادت بپردازد.

«هُمْ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ إِذَا بَدَأَ ظِلَامٌ وَلَيْلُ الْغَائِدِينَ يَطُوُلُ
هُمْ التَّائِبُونَ الْغَائِدُونَ أُولُوا التَّهَيُّ وَهُمْ لِقُلُوبِ الْعَارِفِينَ عُقُولُ»

«هنگامی که شب فرا می رسد، ایشان رکوع و سجده کننده برای پروردگارند و البته شب عابدان، طولانی است. و ایشان توبه گذارند و عبادت می کنند و خردمندی هستند که برای دل های عارفان هدایت گرند.»

در پایان قابل ذکر است که اوصاف و فضایل حضرت فاطمه معصومه علیها السلام بی تردید بسیار فراتر از مواردی است که در این فصل بیان گردید؛ اوصافی مانند: «مؤمنه»، «صدیقه» و «مهاجرة»؛ ولی بنای این فصل بر آن شد که تنها از اوصافی که در متون اسلامی به صراحت و یا به کنایه و با انتزاع از مجموعه ای از عبارات فاخری که بیان گردیده است، سخن به میان آید؛ وگرنه آن بزرگ بانو، آراسته به جمیع فضایل و پیراسته از تمامی رذائل می باشد.

بی گمان حرم آسمانی آن حضرت نیز منبع جمیع فضایل و مدرسه ی عرشی معرفت، محبت، نجات و کمال است که با تواضع و فروتنی در برابر این آستان ملک پاسپان و سر و دل سپردگی به آن، می توان به سعادت و رستگاری دنیوی و اخروی دست یافت.

۱. سوره غافر (۴۰)، آیه: ۶۰.

«درکوی دوست، شوکت شاهی نمی خزند اقراربندگی کن و دعوای چاکری»

دستیابی به معرفت، ایمان، استقامت و مجاهدت در صراط مستقیم «عبودیت الهی» رهروی و تبعیت از پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، طریق نجات و کمال است. انسان های مقرب و صالح، با گام برداشتن در این طریق نورانی، به اوج قله کمال صعود کردند و از آن راه هرگز دست نشستند.

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ
الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ
تُوعَدُونَ﴾^۱

«بی گمان کسانی که گفتند: پروردگار ما خداست سپس استقامت
ورزیدند فرشتگان بر آنان نازل می شوند و می گویند نترسید و اندوهگین
نباشید؛ شما را به بهشتی که وعده داده می شدید بشارت باد.»

۱. سوره فصلت (۴۱)، آیه: ۳۰.

فصل ششم

مسیر هجرت

حرکت و سفرهای ویژه و اثرگذار در تاریخ اسلام و جهان، مانند: هجرت تاریخی پیامبر گرامی اسلام ﷺ از «مکه» به «مدینه»، حرکت حماسه ساز امام حسین علیهما السلام از «مدینه» به «مکه» و «کربلا» و هجرت اجباری امام رضا علیهما السلام از «مدینه» به «مرو»، همواره دارای جایگاه ممتازی در اذهان تاریخ نگاران و عموم مردم بوده است. مورخان و پژوهشگران نیز در مورد آن، کتاب ها و مقالات فراوانی نگاشته اند.

سفر و هجرت تاریخ ساز حضرت معصومه علیها السلام از «مدینه» به «قم» به مقصد اصلی «مرو»، یکی از تأثیرگذارترین سفرهای تاریخی اسلام و ایران است که موجب تحولات بسیار در عرصه ی فرهنگ، سیاست و معارف اسلامی شد و منشأ جوشش نهضت های ضد استبدادی و استکباری گردید. با این وجود، متأسفانه بسیاری از مورخان قرون نخستین به جهت:

۱. درباری نویسی «تاریخ»؛
۲. وجود جوّ اختناق درباره علویان؛
۳. نگاه سطحی داشتن و عدم احتمال تأثیرگذاری بالای این هجرت در اذهان مورخان؛

به هجرت آن حضرت به شکل مشروح و مبسوط نپرداختند، به همین جهت زوایای بسیاری از این هجرت تاریخی در حاله ای از ابهام است. یکی از ابعاد این هجرت، مسیر حرکت آن حضرت از «مدینه» تا «قم» است که هیچ یک از مورخان در این باره سخنی بیان نکرده اند.

شرح جغرافیای هجرت آن حضرت، از آن جهت مهم است که می‌توان افزون بر تعیین مسیر حرکت و بررسی علل انتخاب آن، آثار ماندگار و تأثیرات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی آن را کاوش و پژوهش کرد و تصویری شفاف از حوادث آن به دست آورد و ترسیم نمود. متأسفانه به علل پیش گفته، مستند قابل اعتنایی در این باره وجود ندارد و مسیر حرکت، حوادث و پیشامدهای آن، افراد و همراهان حضرت معصومه علیها السلام و سرنوشت آنان به طور شفاف معلوم نیست. بدین جهت در این بخش به تحلیل جغرافیایی هجرت آن حضرت و احتمالات گوناگون آن می‌پردازیم تا بر حسب قرائن، آن مسیری که احتمال بالا و بیشتری دارد، روشن و معرفی گردد.

مسیرهای اصلی

از آنجایی که مقصد اصلی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام دیدار و زیارت امام رضا علیه السلام بوده است، هشت مسیر اصلی از «مدینه» تا «مرو» را می‌توان ترسیم نمود:

۱. مدینه، نقره، نِباج، بصره، اهواز، بهبهان، اصطخر، ابرقوه، یزد، خرانق، نیشابور، طوس، سرخس و مرو.
۲. مدینه، نقره، نِباج، بصره، اهواز، دزفول، اراک، ساوه، قم، ری، سمنان، دامغان، نیشابور، طوس، سرخس و مرو.
۳. مدینه، نقره، نِباج، بصره، اهواز، فارس، اصفهان، نیشابور، طوس، سرخس و مرو.
۴. مدینه، نقره، نِباج، بصره، اهواز، اصفهان، یزد، طبس، نیشابور، طوس، سرخس و مرو.
۵. مدینه، نقره، نِباج، بصره، اهواز، فارس، کرمان، طبس، نیشابور، طوس، سرخس و مرو.
۶. مدینه، نقره، نِباج، بصره، اهواز، فارس، اصفهان، قم، ری، سمنان، دامغان، نیشابور، طوس، سرخس و مرو.
۷. مدینه، نقره، نِباج، بصره، عمان، ابُلّه، عبادان، مهربان، اَرْجان، اصفهان، کوه مسکین، نایین، ده گرمه، رباط زبیده، چهارده، طبس، نیشابور، طوس، سرخس و مرو.

۸. مدینه، نقره، قادسیه، کوفه، بغداد، کرمانشاه، همدان، ساوه، قم، ری، سمنان، دامغان، نیشابور، طوس، سرخس و مرو.

با توجه به حضور قطعی حضرت معصومه ﷺ در «ساوه»، سپس «قم»، مشخص می شود که آن حضرت از یکی از سه مسیر (طریق دوم یا ششم و یا هشتم) وارد ایران شده اند. در بین این سه مسیر می توان گفت: طریق هشتم ارجحیت دارد؛ زیرا شهر ساوه در مسیر همدان و قم قرار دارد و همچنین وقتی مسیر به سمت ساوه باشد، راه نزدیک و هموار از طریق میسور هشتم است.

بنابراین کاروان آن حضرت ﷺ از شاهراه معمول و مشهور بین بغداد و مرو، مسیر خویش را تعیین نموده و به راه خود ادامه داده است.

در این سفر تاریخی که از «مدینه» شروع و به «قم» منتهی گردیده است، به صورت مرسوم، آن کاروان از منازل متعددی عبور کرده که به ترتیب ذکر می شود:

«مدینه، رکابیّه، طرف، سَفَره، بَطْن النَّخْل، مَكْهُولین، حُصَین، عُسَیله، مُحَدَث، مَعْدِن نَقْرَه، حَاجِز سَمیراء، تُوَز، فید، أَجْفَر، خَزِیمَیّه، ثَغَلَبَه، بَطان، شَقُوق، زُبَاله، قاع، عَقَبه، وَاقِصه، مُغِیْثه، قَادِسیّه، کوفه، شاهی، قَنَاطِر، یَعْقُوبِیّه، سوق أَسَد، ذَمَار، پِل سَوَاران، قِصرابن هُبَیره، بَزِیقیا، رود کُوْثی، رود مَلْک، پِل صَرَصَر، بغداد، نَهروان، دِیرتَرْمَه، دَسْکِرَه، جَلُولَا، خانقین، قِصرشیرین، حُلوان، مَازِزُوسْتان، مَرَجُ القَلْعَه، قِصر یزید، زُبَیدِیّه، خوشکارش، قِصر عَمْرُو، قَرَمَاسین، شَبْدِیز، دَکان، قِصر اللّصُوص، خُنْدان، همدان، بورتِجَر، طَرزَه، رَوْنَه، سُونَقین، ساوه، قم».

همان طور که ملاحظه گردید، بین «مدینه» و «قم» ۶۱ شهر، محل اقامت و استراحت کاروانیان قرار دارد.^۲ مسافتی که کاروان آن حضرت پیمود، قریب ۳۲۰ فرسخ، معادل ۱۹۲۰ کیلومتر می باشد؛ از «مدینه» تا «بغداد» ۱۶۵ فرسخ و از «بغداد» تا «قم» ۱۵۵ فرسخ می باشد.

۱. «شبداز» نیز به آن گفته می شود. شایان ذکر است که دو مکان به این اسم است: یکی، قصر بزرگ متوکل در «سامرا» و دیگری، مکانی بعد از «حُلوان».

۲. جغرافیای تاریخی سرزمین های اسلامی، ص ۳ و ۴؛ آثار البلاد و أخبار العباد، ص ۴۲۰.

گای لسترنیج، ایران شناس بریتانیایی^۱ درباره شاهراه «بغداد» به «مرو» که به «چین» ادامه می‌یافت، چنین نگاشته است:

در زمان عباسیان، «بغداد» بزرگ‌ترین شهر عراق بود، ولی یک قرن قبل از آن که این سلسله روی کار بیاید، مسلمانان قرن اول پس از فتح عراق، اقدام به ساختن سه شهر بزرگ «واسط»، «کوفه» و «بصره» نمودند. این سه شهر، تا چندین قرن آبادانی و رونق داشتند و با «انبار» از شهرهای دوره‌ی ساسانیان - که در ساحل «فرات» و «بغداد» در یک عرض جغرافیایی بود - بزرگ‌ترین شهرهای پر جمعیت عراق را در دوره‌ی عباسیان تشکیل می‌دادند.^۲

وی در ادامه نوشته است:

معروف‌ترین شاهراه‌ها، جاده‌ی بزرگ خراسان بود که به شرق می‌رفت و پایتخت را به شهرهای «ماوراءالنهر» در مرزهای «چین» متصل می‌ساخت. این جاده از دروازه‌ی خراسان، در خاور بغداد، شروع می‌شد و از صحرا می‌گذشت و از پل‌های مستحکمی که روی رودخانه‌ها ساخته بودند، عبور می‌کرد تا به «خلوان» پای گردنه‌ای که از آنجا به کوه‌های ایران می‌رسید، منتهی می‌گردید. در اینجا به ایالت «جبال» وارد می‌شد و پس از عبور از یک سربالایی تند، به «کرمانشاه» می‌رسید و ایالت «جبال» را با خطی مورّب در نور دیده، به سمت شمال خاوری می‌رفت و از «همدان» نیز می‌گذشت تا به «ری» می‌رسید. پس از عبور از «ری» به سمت مشرق متوجه می‌شد و از «قومس» عبور نموده، کوه‌های طبرستان را در سمت چپ و کویر لوت را در جنوب خود می‌گذاشت، تا نزدیک «بسطام» به ایالت «خراسان» وارد می‌گردید و از «نیشابور» عبور نموده، از «طوس» می‌گذشت و به «مرو» می‌رسید.^۳

۱. گای لسترنیج یا گای لی استرنج (Guy Le Strange) متولد ژوئیه ۱۸۵۴م و درگذشته دسامبر ۱۹۳۳م در شهر هانستون بریتانیا می‌باشد. وی مسلط بر زبان فارسی و عربی بود و در زمان سلطنت ناصرالدین شاه در ایران اقامت گزید و به تحقیق پیرامون جغرافیای ایران پرداخت.

۲. جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ص ۳ و ۴.

۳. جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ص ۱۰؛ المسالك و الممالك، ص ۱۱۵ و ۱۴۵.

شایان ذکر است که مسیر حرکت تاریخی امام رضا علیها السلام از «مدینه» تا «معدن نقره» با مسیر حرکت کاروان حضرت معصومه علیها السلام مشترک است؛^۱ ولی کاروان امام رضا علیها السلام از مسیر «نِباج» به طرف «بصره» حرکت کرد، به خلاف کاروان حضرت معصومه علیها السلام که به طرف «قادسیه» راه پیمود. کاروان امام رضا علیها السلام از جنوب، سپس مرکز ایران به سمت «مرو» حرکت کرد، اما کاروان حضرت معصومه علیها السلام از طرف «بغداد» وارد غرب ایران شد، سپس با حرکت به سمت مرکز آن، قصد سفر به سوی «مرو» را داشت که در «ساوه» مورد هجوم مزدوران حکومت عباسی قرار گرفت.

سرانجام این هجرت تاریخی با شهادت بسیاری از مردان خاندان امام کاظم علیها السلام و یاران ایشان در آن دیار و اطراف آن و عزیمت حضرت معصومه علیها السلام به «قم» و رحلت آن بزرگ بانو در این سرزمین مقدس، پایان یافت.

با کاروان نور

در این سفر تاریخی و هجرت ولایی، تعدادی از فرزندان و شیعیان امام کاظم علیها السلام، حضرت معصومه علیها السلام را همراهی می کردند. متأسفانه مستندات قابل اعتماد درباره افراد همراه و سرگذشت ایشان در طول این سفر، در دست نمی باشد. در برخی از نگاشته ها از «هارون بن موسی» علیها السلام^۲، به عنوان قافله سالار و تعدادی دیگر از موسویان به عنوان همراهان و اعضای کاروان، نام برده شده است؛ این اسامی عبارت اند از:

الف) برادران

۱. هارون بن موسی علیها السلام؛
۲. جعفر بن موسی علیها السلام؛
۳. محمد بن موسی علیها السلام؛
۴. اسحاق بن موسی علیها السلام؛
۵. فضل بن موسی علیها السلام.

۱. المسالك و الممالك، ص ۱۱۵.

۲. الحیاة السیاسیة للإمام الرضا علیها السلام، ص ۴۲۸.

ب) خواهران

۱. فاطمه صغری علیها السلام؛
۲. خدیجه خاتون علیها السلام؛
۳. میمونه علیها السلام.

ج) نوادگان امام کاظم علیه السلام

۱. مهدی بن محمد بن موسی علیه السلام؛
۲. قاسم بن حمزه بن موسی علیه السلام؛^۱
۳. احمد از نوادگان امام کاظم علیه السلام.

د) دیگران

همچنین یک نفر خدمتکار به نام «سلطان موصلی» همراه آن حضرت بود ولیکن تعداد و نام دیگر افراد نامشخص است.

گویا تمامی برادران بزرگوار و مردان همراه آن حضرت، در این هجوم وحشیانه مأموران حکومت غاصب عباسی به شهادت رسیدند که همگی در آن نواحی مدفون می‌باشند. پیکرهای مطهر «هارون» و «اسحاق» در اطراف ساوه، «محمد»، «قاسم بن حمزه»، «مهدی بن محمد» و «احمد» در تفرش و «جعفر» در روستای «گیو» دفن گردید.

در برخی از کتب تاریخی، انساب و سیره آمده است که حضرت «فاطمه صغری» و «خدیجه خاتون» در اطراف آشتیان و یا حشمتیه از توابع خمین مدفون می‌باشند و «میمونه» به همراه حضرت معصومه علیها السلام به قم آمد و در آنجا وفات یافت و «سلطان موصلی» نیز بعد از مدتی در نایین رحلت نمود و در آن سرزمین دفن گردید.^۲

۱. در برخی از کتب تاریخی در میان همراهان حضرت معصومه علیها السلام، نام «قاسم» نیز به عنوان «برادر» ذکر شده که این امر اشتباه است؛ چرا که «قاسم بن موسی» در شهر «قاسم» عراق و یا «کلیبر» مدفون است و این «قاسم» که همراه آن حضرت بوده است، «قاسم بن حمزه بن موسی» می‌باشد.

۲. ر.ک: المجدی فی أنساب الطالبین، ص ۲۹۸؛ منتهی الآمال، ج ۲، ص ۱۶۲؛ الحیة السیاسیة للإمام الرضا علیه السلام، ص ۴۲۸؛ سیمای آشتیان، ص ۹۸.

فصل هفتم

کرامات

کرامت و تفاوت آن با معجزه

واژه‌ی «کرامت» در لغت، در سه معنا به کار رفته است:

۱. «بزرگی ورزیدن، سخاوت و داد و دِهش»؛ مانند:

«ای صاحب کرامت، شکرانه‌ی سلامت روزی تفقدی کن درویش بی نوا را»

۲. «ارجمندی و عزت»؛ مانند:

«نه هرکس سزاوار باشد به صدر کرامت به فضل است و رتبت به قدر»

۳. «آفرینش امور خارق العاده و فراتر از قدرت و شرایط طبیعی و عادی انسان» که به تعبیر اهل عرفان، یک نوع «ولایت تکوینی» است؛ مانند: طئی الارض و احضار و انتقال چیزی از جایی به جای دیگر.

«بیا ای موسی کز کف، عصا سازی، توافعی را به فرعونان، خود بنما کرامت های موسی را»

مراد از «کرامت» در اینجا معنای سوم است.

فرق این نوع «کرامت» با «معجزه» آن است که معجزه برای اثبات نبوت پیامبران و امامت امامان می باشد، مانند معجزه قرآن و شق القمر برای اثبات نبوت پیامبر گرامی اسلام ﷺ و درون آتش رفتن حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام و سخن گفتن برای اثبات امامت در برابر ادعای امامت توسط برادرش «عبدالله افطح» و کرامت چنین نیست بلکه می تواند از اولیای خداوند نیز ایجاد شود و یا توسط پیامبران و امامان برای غیر اثبات نبوت و امامت واقع گردد.

یکی از ویژگی‌ها و فضایل اولیای خداوند، دارا بودن این خصوصیت «کرامت» در دو زمان حیات و پس از مرگ است.^۱
در قرآن کریم پیرامون معجزات انبیا، موارد چندی بیان شده است؛ مانند معجزات و تصرفات تکوینی حضرت عیسی علیه السلام:

﴿أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطَّيْنِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ﴾؛^۲

«همانا من نزد شما با نشانه و معجزه‌ای از جانب پروردگارتان آمده‌ام. همانا من از گل برای شما چیزی به شکل پرنده می‌سازم و در آن می‌دمم و آن به اذن خداوند پرنده‌ای می‌شود و به اجازه خداوند کور مادرزاد و شخص پیس را شفا می‌دهم و مردگان را به اذن خداوند زنده می‌کنم.»

و همچنین آیاتی درباره کرامت اولیای الهی نازل شده است، مانند آوردن تخت بلقیس از نزد وی به حضور حضرت سلیمان علیه السلام توسط آصف بن برخیا.

﴿قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رَآهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي﴾؛^۳

«گفت [آصف بن برخیا] همان که نزد وی علمی از کتاب الهی بود: من آن تخت را نزد توای سلیمان می‌آورم قبل از آنکه چشم برهم زنی و چون آن را نزد خود یافت گفت این از فضل و کرم خداوند است.»

این نوع معجزات و کرامات از ساحت مقدس پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه

۱. ر.ک: مجمع البحرین، ج ۶، ص ۱۵۲؛ لسان العرب، ج ۱۲، ص ۵۱۰.

۲. سوره آل عمران (۳)، آیه: ۴۹.

۳. سوره نمل (۲۷)، آیه: ۴۰.

معصومین ﷺ بارها مشاهده گردیده و صحابی و دیگران بر آن شهادت داده اند اما مشرکان و منافقان، ایمان نیاورده و می گفتند که همه این امور «سحر و جادو» است، همانطور که کرامات فراوانی از اولیای الهی در طول تاریخ نیز مشاهده شده است.

پرتوی از کرامت

کرامات حضرت معصومه ﷺ بارها و به اخبار متواتر و با مشاهدات فراوان ثابت شده است؛ هم اینک به بیان اندکی از دریای کرامات آن حضرت می پردازیم:

۱. عنایت به زوّار

آیت الله مرعشی نجفی رحمته الله علیه (۱۳۱۵-۱۴۱۱ق) حکایت کرده است که: در شب سرد زمستانی، در عالم خواب، دیدم خانمی وارد اتاق شد. قیافه ی آن بانوی گرمی را به خوبی دیدم، ولی آن را توصیف نمی کنم، فرمود:

«سید شهاب! بلند شو و به حرم برو. عده ای از زوّار من پشت در حرم از سرما، هلاک می شوند؛ آنان را نجات بده.

من به طرف حرم راه افتادم. دیدم پشت در شمالی حرم، عده ای زوّار پاکستانی یا هندوستانی در اثر سردی هوا به خود می لرزند. در زدم، حاج آقا حبیب - خادم حرم - با اصرار من در را باز کرد. من جلو و آنها نیز پشت سر من وارد حرم شدیم.»^۱

همچنین یکی از خدّام و کلیدداران حرم حضرت معصومه ﷺ نقل کرده است:

«شبى از شب های سرد زمستانی در خواب، حضرت معصومه ﷺ را دیدم، فرمود:

«بلند شو و بر سر مناره ها، چراغ روشن کن.»

من از خواب بیدار شدم، ولی توجهی نکردم. مرتبه دوم همان خواب تکرار شد و باز بی توجهی کردم. در مرتبه سوم حضرت فرمود:

۱. ر.ک: کرامات حضرت معصومه ﷺ، ص ۳۷؛ گلستان معصومیه، ص ۲۶۳.

«مگر من نمی‌گویم: بلند شو و بر سر مناره، چراغ روشن کن!؟»

از بستر خواب بلند شدم، بدون آن که علت آن را بدانم، در نیمه شب بالای مناره رفته و چراغ را روشن کردم و برگشته و خوابیدم. صبح از خواب بلند شدم و درهای حرم را باز کردم و بعد از طلوع آفتاب، از حرم بیرون آمدم و با دوستانم کنار دیوار و زیر آفتاب زمستانی نشسته و صحبت می‌کردیم که متوجه صحبت چند نفر زائر شدم که به یکدیگر می‌گفتند: «معجزه و کرامت این خانم را دیدید! اگر دیشب در این هوای سرد و با این برف زیاد، چراغ مناره حرم این خانم روشن نمی‌شد، ما هرگز راه را نمی‌یافتیم و در بیابان هلاک می‌شدیم.»^۱

«چراغ صاعقه‌ی آن سحاب روشن باد که زد بر خرمن من آتش محبت او»

۲. حمایت از حوزه علمیه

بعد از رحلت «آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری رحمته الله علیه» (۱۲۳۸-۱۳۱۵ ش) - مؤسس حوزه علمیه قم- مدتی زمام امور حوزه به دست سه مرجع تقلید، از جمله «آیت الله العظمی سید صدرالدین صدر رحمته الله علیه» (۱۲۹۹-۱۳۷۳ ق)، قرار گرفت و شهریه‌ی طلاب بر عهده‌ی وی بود. ایشان فرمود:

«در یکی از ماه‌های سال پولی نداشتم که به طلاب شهریه دهم، در ماه اول قرض کردم و شهریه را دادم. ماه دوم نیز این‌گونه شد و قرض کردم و شهریه را پرداخت نمودم. ماه سوم دیگر جرأت قرض کردن نداشتم و شهریه ندادم. طلاب به خانه من آمدند و اظهار نیاز نمودند. طلاب عزیز بسیار ناراحت و نگران شدند و از وضعیت پیش آمده برای خود و من، بسیار متأثر بودند و من نیز در این موضوع اندوهگین گشته و گریان شدم.

«شب هنگام تا سحر خوابم نبرد. به حرم حضرت معصومه علیها السلام مشرف شدم. بعد از

۱. ر.ک: کراماتی از کریمه اهل بیت علیهم السلام، ص ۱۲۵؛ کرامات معصومیه، ص ۲۴.

ادای نماز صبح و تعقیبات مرسوم، با حالت ناراحتی از مسائل روز گذشته که در نظرم جلوه می کرد و مرا می آزد، کنار ضریح آن حضرت آمدم و با ناراحتی به ایشان خطاب کردم و گفتم: «عمّه جان! این رسم نیست که عده ای طلاب غریب و همسایه شما از گرسنگی جان دهند. این درست نیست؛ اگر توانایی نداری، به برادر بزرگوارت حضرت امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام یا به جدّت امیرالمؤمنین علیهما السلام متوسّل شو! خداحافظ.»

وی می گوید: آن را گفتم و به حالت قهر و عصبانیت از حرم بیرون آمدم. در درون منزل با حالت اندوه و غم نشسته و از وضعیت دیروز طلاب سخت ناراحت بودم. در همین اوان، پیشخدمت منزل (کربلایی محمد) داخل شد و گفت: «یک آقا با چمدانی در دست می گوید: می خواهم همین الآن خدمت آقا مشرف شوم و وقت دیگری ندارم که موقع دیگر بیایم.»

«به او گفتم: بگو بیاید... مردی موّقر و متشخّص با کلاه شاپو بر سر و چمدانی در دست، وارد شد. سلام کرد و عذرخواهی نمود و گفت:

«بخشید بی موقع خدمت شما شرفیاب شدم، غیر از این وقت فرصت دیگری نداشتم. من مسافرم و به سمت تهران با اتوبوس عزیمت می کنم. وقتی به نزدیکی قم رسیدم، نگاهم به گنبد حضرت معصومه علیها السلام افتاد، ناگهان به فکرم رسید که من با آتش و باد مسافرت می کنم و هر ساعتی احتمال خطر است. اگر پیشامدی رخ دهد، من بمیرم و مالم تلف شود و دین خدا و امام علیهما السلام بر گردنم بماند، چه خواهم کرد؟! بدین جهت وقتی به قم رسیدم، از راننده مهلت گرفتم که مقداری معطل شود، مسافرین هم به زیارت بروند و من هم خدمت شما رسیدم تا «خمس» خود را پرداخت نمایم.»

اموال و وجوهات شرعی ایشان محاسبه شد و پرداخت نمود و با آن، تمامی مشکلات حل شد.

«آیت الله العظمی صدر» می گوید: «سریعاً به زیارت حضرت معصومه علیها السلام رفتم و عذرخواهی کردم و اظهار تشکر نمودم و گفتم: عمّه جان! بحمدالله خوب توانایی داری.»^۱

۱. ر.ک: بارگاه فاطمه معصومه علیها السلام، ص ۱۰۶-۱۰۸؛ کرامات حضرت معصومه، ص ۴۱؛ کراماتی از کریمه اهل بیت علیها السلام،

«بگرفته آب و رنگ ز فیض حضور تو هر گل در این چمن که سزاوار دیدن است»

۳. عنایت به گرسنگان

مرحوم حاج شیخ علی نظری (م ۱۳۶۶ ش) بعد از مراجعت به قم، در مدرسه «خان» اقامت گزید. ایشان نقل می‌کند:

در ایامی وضعیت مالی من به شدت دچار مشکل شد، به طوری که نمی‌توانستم غذا بخرم. گرسنگی شدیداً بر من فشار می‌آورد تا جایی که ناگزیر بودم پاهایم را جمع کنم و در بغل بگیرم تا احساس گرسنگی نکنم.

در این دوران سخت، شبی فرد خیّری از اهالی قم، مجلس اطعامی در منزل خود برگزار می‌کند و وقتی مهمان‌ها می‌روند و او استراحت می‌نماید، در عالم رؤیا خدمت حضرت معصومه علیها السلام می‌رسد. آن حضرت بر ایشان تغیر و ناراحتی می‌کند و می‌فرماید: «شما خودتان و مهمان‌هایتان سیر شدید و به خواب رفتید، ولی آقای حاج شیخ علی در مدرسه «خان» از گرسنگی خوابش نمی‌برد». ایشان از خواب برخاست و زود غذایی برداشته و به مدرسه «خان» آمد...

حاج شیخ علی نظری می‌گوید: آن شخص برای من ماهانه ای تعیین کرد که هر ماه به من پرداخت می‌کرد و دیگر من هرگز محتاج نشدم.^۱

۴. شفای خادم حرم

یکی از خدّام حضرت معصومه علیها السلام به نام «میرزا اسدالله» به سبب ابتلا به یک نوع بیماری خاص، انگشتان پایش سیاه شده بود. همه‌ی جرّاحان اتفاق نظر داشتند که باید آن انگشتان بریده شود تا آن بیماری به اندام بالاتر سرایت نکند. در شب آن روزی که

ص ۹۱؛ کرامات معصومیه، ص ۱۹۸.

۱. ر.ک: بارگاه فاطمه معصومه علیها السلام، ص ۱۵۷؛ کراماتی از کریمه اهل بیت علیهم السلام، ص ۱۴۳؛ گلستان معصومیه، ص ۲۶۴؛

کرامات معصومیه، ص ۷۶.

می خواستند وی را جراحی کنند، او از نزدیکان خود تقاضا کرد تا وی را به حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام ببرند تا در تمام آن شب، کنار ضریح نورانی آن حضرت باشد. او در آن شب از درد ناله می کرد و به آن حضرت توشل می جست. در نزدیکی صبح ناگهان صدای «میرزا اسدالله» شنیده شد که می گفت: «درب را باز کنید، حضرت مرا شفا داد.» درب را که باز کردند، او را خوشحال و خندان یافتند. وی گفت:

«در عالم خواب، خانم مجلله ای به نزد من آمد و فرمود: چه شده است؟»

عرض کردم: «این بیماری مرا عاجز کرده است و از خدا شفای دردم و یا مرگم را خواسته ام.»

آن گاه حضرت، گوشه ی مقنعه ی خود را چند بار روی پایم کشید و فرمود: «تو را شفا دادیم.»

عرض کردم: «شما کیستید؟»

فرمود: «مرا نمی شناسی و حال آن که خادمی مرا می کنی؟! من «فاطمه دختر موسی بن جعفر علیهما السلام» هستم.»

«میرزا اسدالله» بعد از بیداری، مقداری پنبه در اطراف خود یافت. آنها را جمع نمود و با خود برد. ایشان به هر مریضی، اندکی از پنبه ها را می داد و آن بیمار آن را به محل درد می کشید، بی درنگ شفا می یافت.^۱

۵. شفای غریب

بعد از فروپاشی شوروی سابق و آزاد شدن جمهوری های مسلمان نشین، مردم «نخجوان» عده ای از جوانان خود را به حوزه علمیه قم فرستادند تا با آشنا شدن به معارف اسلام، توان تبلیغ آن را در منطقه خود داشته باشند. تعداد پنجاه نفر انتخاب گردیدند و به قم اعزام شدند. در این میان، جوانی بود که به جهت معیوب بودن یکی از چشمانش، در مرحله

۱. أنوار المشعشعين، ج ۱، ص ۵۰۲-۵۰۴؛ کراماتی از کریمه اهل بیت علیها السلام، ص ۱۴۳؛ گلستان معصومیه، ص ۲۶۴؛ کرامات معصومیه، ص ۴۱.

پذیرش حوزه انتخاب نشده بود؛ ولی به جهت اصرار بسیار پذیرفته شد و به قم اعزام گردید. به هنگام بدرقه، فیلم بردار مراسم از صورت این جوان و چشم معیوبش تصویر برجسته‌ای گرفته و به نمایش می‌گذارد. این جوان با دیدن این منظره، بسیار ناراحت شده و دل شکسته می‌گردد.

وقتی کاروان به قم می‌رسد و آنان در مدرسه خود قرار می‌گیرند، این جوان به حرم مشرف شده، با اخلاص تمام متوسل به حضرت معصومه علیها السلام می‌شود و در همان حال خوابش می‌برد. در خواب، عوالمی را مشاهده می‌کند و بعد از بیداری متوجه می‌شود که چشم او سالم و بی‌عیب است. دوستانش با دیدن وی و وقوع این کرامت، همگی به حرم مشرف شده و ساعت‌ها مشغول دعا و توسل می‌شوند.^۱

۶. درمان دردها

یکی از اهالی مشهد به نام «امیر محمد کوهی» که سال‌ها به بیماری فلج مبتلا بود، می‌گوید:

برای مداوا همه کار کردم. نزد اطبای مشهد و تهران رفتم، مراحل مختلف درمان را طی کردم، ولی فایده‌ای نداشت. به حرم حضرت رضا علیه السلام رفتم، دعا خواندم و توسل کردم، جوابی نشنیدم. روزی خانواده مرا با ویلچر به حرم آن امام رؤوف بردند. گفتم:

«آقا! شما غیر مسلمانان را محروم نمی‌کنید، پس چرا به من شیعه توجه نمی‌فرمایید؟»

آقا! جوابم را بده یا می‌روم قم به خواهرتان شکایت می‌کنم و او را واسطه قرار می‌دهم.»
آن گاه خطاب به حضرت معصومه علیها السلام عرض کردم: «من همسایه برادر شما هستم، فردی عاقله مندم، در عمر خود خیانتی نکردم و در حد توان درستکار بودم، پس چرا ایشان مرا شفا نمی‌دهند؟!»

در عالم خواب، خانمی را دیدم که به من فرمود: «شما باید به قم بیایی تا شفایت

۱. ر.ک: بارگاه فاطمه معصومه علیها السلام، ص ۱۳۲؛ کراماتی از کریمه اهل بیت علیهم السلام، ص ۱۴۴؛ گلستان معصومیه، ص ۲۶۰؛

کرامات معصومیه، ص ۱۵۹.

دهم. «عرض کردم: «شما که به خانه ما آمدی و میهمان ما هستی، همین جا شفایم بده؛ من پولی ندارم که به قم بیایم». فرمود: «شما باید به قم بیایی.» خوابم را برای همسر و فرزندانم نقل کردم. بعد از مدتی پسرم گفت: «پدر! ما که همه دارایی خود را در راه معالجه شما خرج کردیم، من مبلغی را آماده کرده‌ام، این را خرج سفر کنید و به قم بروید. امیدوارم که شفا پیدا کنید.»

من راهی قم شدم. پس از رسیدن به قم، وضو گرفتم و وارد حرم شدم. از دو نفر تقاضا کردم، زیر بغلم را بگیرند و کنار ضریح ببرند. بعد از زیارت و توسل بسیار در کنار ضریح به محل اسکان خود رفتم، پتو را به سر کشیدم و خوابم برد. در عالم خواب، خانمی را دیدم، با چادر مشکی و روبندی سبز رنگ به من فرمود:

«پسر! خوش آمدی، اکنون شفا یافتی. برخیز، تو هیچ بیماری نداری.»

عرض کردم: «من بیمار و زمین گیرم.»

ایشان یک پیاله گلی پر از چای را به دست من داد و فرمود: «بخور!»

من چای را خوردم، ناگهان از خواب بیدار شدم، دیدم می‌توانم روی پای خود بایستم. از جا برخاستم و سریعاً خود را به ضریح مقدس آن کریمه‌ی اهل بیت علیهم السلام رساندم.^۱

۷. دارالشفاء

«حضرت آیت الله العظمی اراکی رحمته الله علیه» (۱۳۱۲ - ۱۴۱۵ ق) نقل کرده‌اند:

«آقا سید کمال» از کمر تا پایین فلج بود. یکی از اطرافیان مرحوم حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری به نام «آقا سیف» به او گفته بود: «اگر تو سید بودی، شفای خود را از حضرت معصومه علیها السلام گرفته بودی.»

«آقا سید کمال» وقتی این حرف را می‌شنود، بی‌اختیار می‌شود. به کمک کسی به حرم حضرت معصومه علیها السلام مشرف می‌شود و پای ضریح می‌نشیند و خطاب به آن حضرت می‌گوید: «از این جا نمی‌روم تا شفای مرا بدهید.»

۱. ر.ک: کراماتی از کریمه اهل بیت علیهم السلام، ص ۱۷۳؛ کرامات معصومیه، ص ۱۰۹.

بعد از مدّتی می‌بیند، کسی به او می‌گوید: «بلند شو.»

عرض می‌کند: «نمی‌توانم برخیزم.»

آن شخص دوباره به او می‌گوید: «بلند شو. این کاغذ را هم به آقا سیّد حسین تاجر بده.»^۱
او بلند می‌شود و می‌بیند کاغذی در دست اوست. دست خود را از ترس این که مبادا آن کاغذ مفقود شود، باز نمی‌کند و فوراً در خانه آقا سیّد حسین رفته و بدون آن که بفهمد که در کاغذ چه چیزی نوشته شده، آن را به او می‌دهد.^۲

۸. شفاعت حضرت معصومه علیها السلام و عنایت امام رضا علیه السلام

«آیت‌الله میرزا حسنعلی تهرانی رحمته الله علیه» (م ۱۳۲۵ ق) از عالمان بزرگوار و از شاگردان «مرحوم آیت‌الله الحقّ میرزا محمد حسن شیرازی» (۱۳۲۰-۱۳۱۲ ق) بود. برادر وی حاج حسینعلی تهرانی شال فروش مخارج تحصیل او را فراهم می‌آورد و از تهران به سامرا می‌فرستاد. بعد از مدّت‌ها، آیت‌الله حسنعلی تهرانی به مشهد می‌آید و در آنجا ساکن می‌شود. پس از چندی برادرش رحلت می‌کند و او نمی‌تواند خود را به تشییع جنازه‌اش در قم برساند؛ به همین جهت به حرم حضرت ثامن الحجج امام رضا علیه السلام می‌رود و از آن امام رؤوف تقاضا می‌کند که به خواهرش حضرت معصومه علیها السلام برای شفاعت برادر وی سفارش بنمایند.

بعد از این جریان، یکی از شاگردان حاج شیخ حسنعلی تهرانی خواب می‌بیند که در عالم رؤیا، به قم مشرف شده و به حرم حضرت معصومه علیها السلام رفته است. خدام حرم مردم را کنار می‌زنند و می‌گویند:

«حضرت رضا علیه السلام به قم تشریف آورده‌اند، می‌خواهند سفارش برادر حاج شیخ حسنعلی را به خواهرشان حضرت معصومه علیها السلام بنمایند.»^۳

۱. وی از تجار با ایمان و پارسای قم بوده است. حضرات: آیت‌الله العظمی حائری یزدی و مرعشی نجفی درباره محتوای آن نامه از وی پرسیده بودند و او گفته بود که: اجازه ندارم بگویم.

۲. رک: یادنامه آیت‌الله العظمی اراکی، ص ۵۸۷.

۳. رک: بارگاه فاطمه معصومه علیها السلام، ص ۱۱۳؛ کراماتی از کریمه اهل بیت علیهم السلام، ص ۹۸؛ کرامات معصومیه، ص ۲۴۵.

«شاهان من آربه عرش رسانم سریر فضل مملوک آن جنابم و مسکین این درم
گر برگنم دل از تو و بردارم از تو مهر آن مهربرکه افکنم و آن دل کجا برم؟
نامم ز کارخانه ی عشاق، محو باد گر جز محبت تو بود ذکر دیگرم»

۹. نجات از سیل ویرانگر

در وسط شهر قم رودخانه ای قرار دارد که آب های باران از مرکز ایران در آن جاری است. این رودخانه در کنار حرم کریمه اهل بیت حضرت معصومه علیها السلام است. یک سال سیل عظیمی در این رودخانه ایجاد شد، به طوری که آب آن تالابه ی دیواره های اطراف رودخانه رسید و مردم به شدت نگران و مضطرب بودند؛ زیرا اگر سیل به اطراف سرازیر می شد، حرم حضرت معصومه علیها السلام و بسیاری از خانه ها، بازارها و مراکز دیگر ویران می شد. در این بحران به یکباره مشاهده شد که با توسل مردم و عنایت حضرت، آب آرام گرفت و به سمت دیگر رفت.

روزی که سیل «تیمره»^۱ از رود «ناریار» آمد به شهر قم زقضا های کردگار
دانی که کرد دفع بلا را از این دیار؟ معصومه علیها السلام بود دختر موسی تاجدار
ذریه رسول خدا، غمگسار قم^۲

۱۰. احیای جنین

«حضرت آیت الله شب زنده دار رحمته الله علیه» (۱۳۰۸-۱۳۹۳ ش) بیان فرموده بودند:
عموی من (مرحوم حاج قنبر) همسرشان حامله می گردد و بعد از مدتی متوجه می شود که جنین حرکت ندارد. نزد پزشکان می رود و آنان بعد از معاینات متعدد می گویند:

۱. «تیمره» ناحیه ای است در بخش مرکزی ایران که اکنون تجمع آب های مرکزی ایران است. ر.ک: أنوار المشعشعین،

ج ۱، ص ۱۶۳؛ تاریخ قم، ص ۲۱ و ۴۷.

۲. أنوار المشعشعین، ج ۱، ص ۵۰۲؛ کوثر کویر، ص ۱۷۰؛ کرامات معصومیه، ص ۱۰۸.

«جنین فوت کرده و باید با عمل جراحی به بیرون از رحم منتقل شود». با توجه به این که عمل برای آن بانو سخت و گران بوده است، تصمیم می‌گیرند که برای شفا و حلّ مسأله [از جهرم] به مشهد مشرف شوند و از حضرت رضا علیه السلام رفع مشکل را طلب کنند. آنان حرکت می‌کنند تا به قم می‌رسند. آن بانو می‌گوید: «من برای زیارت حضرت معصومه علیه السلام به آستان مقدّس وی رفتم. به محض ورود به آن آستان آسمانی، جنین در رحم من شروع به حرکت کرد.»^۱

۱. بانوی ملکوت، ص ۱۰۵.

فصل هشتم

ثواب زیارت

پاداش زیارت

یکی از زیارت‌هایی که در روایات، آثار بسیار گرانقدری برای آن بیان شده، زیارت کریمه اهل بیت علیهم السلام می‌باشد.

امام صادق، امام رضا و امام جواد علیهم السلام در مورد ارزش بالای زیارت آن بزرگ بانو و آثار الهی و سرنوشت ساز آن، سخن گفته‌اند.

امام صادق علیهم السلام فرموده است:

«...سَتُدْفَنُ فِيهَا امْرَأَةٌ مِنْ أَوْلَادِي تُسَمَّى فَاطِمَةَ، فَمَنْ زَارَهَا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ»^۱

«دختری از فرزندان من در آن (قم) دفن می‌شود که فاطمه نام دارد.

هر کس ایشان را زیارت کند، بهشت بر او واجب است.»

امام علی بن موسی الرضا علیهم السلام نیز فرموده است:

«مَنْ زَارَهَا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ»^۲

«هر کس او (فاطمه معصومه) را زیارت کند، بهشت بر او واجب است.»

و همچنین آن امام رؤوف علیهم السلام بیان داشته است:

«مَنْ زَارَهَا عَارِفًا بِحَقِّهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ»^۳

«هر فردی با شناخت کامل وی را زیارت کند، بهشت از آن اوست.»

امام جواد علیهم السلام نیز در این موضوع فرموده است:

«مَنْ زَارَ قَبْرَ عَمَّتِي بِقَمٍّ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ»^۴

«هر کس مقبره عمه ام (فاطمه معصومه) در قم را زیارت کند، بهشت

بر او واجب است.»

۱. بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۲۱۶.

۲. کامل الزیارات، ص ۳۲۴؛ عیون أخبار الرضا علیهم السلام، ج ۲، ص ۲۶۷.

۳. بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۲۶۵.

۴. کامل الزیارات، ص ۳۲۴.

رهاورد زیارت

زیارت و قرائت زیارت نامه مخصوص آن حضرت، دارای نکات مهمی است:

۱. نشان از عظمت شخصیتی حضرت معصومه علیها السلام دارد.
 ۲. دارای آثار ارزشمند تربیتی در دو عرصه معرفتی و رفتاری می باشد.
 ۳. مایه ی پیوند مستحکم ولایی و عاطفی با مکتب اهل بیت علیهم السلام و سلسله انبیا و اولیای الهی علیهم السلام می گردد.
 ۴. اسباب نیل به سعادت ابدی و عامل کسب بهشت برین می باشد.
- زیارت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام همان طور که در روایت - به سند صحیح^۱ - بیان شده، دارای پاداشی بس گرانبهاست که آن پاداش، «بهشت» است. بنابراین آن زیارت، موجب «مغفرت و غفران» و «کسب بهشت» می باشد؛ بدین جهت شتاب در زیارت آن حضرت، یکی از مصادیق این فرمان خداوند است:

﴿وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ﴾^۲

«و بشتابید به سوی اسباب آمرزش پروردگارتان و بهشتی که عرض آن آسمان ها و زمین است.»

بی تردید آن زیارت، یکی از موارد «کار نیک و خیر» نیز می باشد که خداوند به پیشی گرفتن به آن فرمان داده است:

﴿فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ﴾^۳

«پس به سوی اعمال خیر بشتابید و از یکدیگر سبقت بگیرید.»

زیارت حضرت معصومه علیها السلام موجب «سعادت و خوشبختی» زائر می گردد و او را اهل

۱. ر.ک: عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۶۷؛ کامل الزیارات، ص ۳۲۴.

۲. سوره آل عمران (۳)، آیه: ۱۳۳.

۳. سوره بقره (۲)، آیه: ۱۴۸.

بهشت می گرداند:

﴿وَأَمَّا الَّذِينَ سُعِدُوا فِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا ذَامَتِ السَّمَاوَاتُ
وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرَ مَجْذُوذٍ﴾^۱

«و کسانی که سعادت مند گردیده اند، در بهشت هستند و در آن جاودانه
باقی می مانند، تا آن گاه که آسمان ها و زمین برقرار است؛ مگر آنچه را
مشیت که پروردگارت اقتضا کرده، و این پاداشی بی کم و کاست و همیشگی
است.»

همچنین چون رهاورد زیارت آن بزرگ بانو، ورود به بهشت است، بدین سبب آن
زیارت، مایه ی «فوز»، «رستگاری»، «بهروزی» و «سرافرازی» می باشد:

﴿لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ
الْفَائِزُونَ﴾^۲

«جهنمیان با بهشتیان مساوی نیستند، بهشتیان همان رستگاران و
بهروزان می باشند.»

بنابراین زیارت آن بزرگ بانو و شتاب و پیشی گرفتن در آن و ایمان به مفاد آن، مایه ی
رستگاری؛ رشد شخصیتی؛ ایمانی و تقوایی؛ توفیق و توبه و مغفرت الهی؛ کسب بهشت؛
سعادت مندی و بهروزی انسان است.

باید توجه داشت که نقش زیارت در کسب بهشت، به شکل «مقتضی» است؛ یعنی
اگر «مانعی»، مانند: «ریا»، «نفاق»، «شرک» و «فسق» برای انسان وجود نداشته باشد، این
زیارت به اقتضای خود، عمل می کند و نتیجه بخش خواهد بود.

بی تردید نفس زیارت اولیاء الله و بزرگان دین، دارای عنایات و تفضلات الهی و آثار
ممتاز و بسیاری می باشد؛ ولی هدف اصلی از زیارت انسان های والا مقام و قدسی، افزون

۱. سوره هود (۱۱)، آیه: ۱۰۸.

۲. سوره حشر (۵۹)، آیه: ۲۰.

بر تجلیل از آن ذوات مقدّس و دستیابی به ثواب و عنایات، در واقع کسب رشد معرفتی و ایمانی، سلامت رفتاری، جدّیت در مراعات تقوای الهی و آراستگی به اخلاق اسلامی می‌باشد.

زیارت نامه

شایان توجه است که حسب مدارک موجود در بین بانوان خاندان پیامبر گرامی اسلام ﷺ، تنها حضرت زهرا و حضرت معصومه علیها السلام دارای «زیارت نامه» به انشای معصوم علیها السلام می باشند و این، نشان دیگری بر عظمت شخصیت آن بزرگ بانوست. زیارت حضرت معصومه علیها السلام به انسان، معرفت و شناخت ارزانی می کند و زائر را در سلوک اخلاقی و صعود به اوج کمالات انسانی قرار می دهد. حضرت معصومه علیها السلام دارای سه زیارت نامه است که هم اینک به ذکر هر یک و ترجمه آن می پردازیم:

زیارت نامه مشهور

زیارت نامه مشهور و مرسومی که ساحت مقدس امام رضا علیها السلام آن را بیان فرموده اند، در بسیاری از کتب ادعیه و زیارات ذکر گردیده است. آن زیارت نامه گران اثر چنین است:

السَّلَامُ عَلَى آدَمَ صِفْوَةِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَى نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَى مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَى عِيسَى رُوحِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ خَلْقِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَصِيَّ رَسُولِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا سِبْطَيِ النَّبِيِّ الرَّحْمَةِ وَ سَيِّدَيِ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ سَيِّدَ الْعَابِدِينَ وَ قُرَّةَ عَيْنِ التَّائِبِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ بَاقِرَ الْعِلْمِ بَعْدَ النَّبِيِّ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ الصَّادِقَ الْبَارِئَ الْأَمِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ الطَّاهِرَ الطُّهَرَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا الْمُتَرَضَّى. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ التَّقِيِّ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ التَّقِيَّ التَّائِبَ الْتَّائِبَ الْأَمِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ. السَّلَامُ عَلَى الْوَصِيِّ مِنْ بَعْدِهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى نُورِكَ وَسِرَاجِكَ وَوَلِيِّ وَلِيِّكَ وَوَصِيِّ وَصِيِّكَ وَ حُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ فَاطِمَةَ وَ خَدِيجَةَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

بِنتِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ وَلِيِّ اللَّهِ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا أُخْتَ وَلِيِّ اللَّهِ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا عَمَّةَ وَلِيِّ اللَّهِ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ عَرَفَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ فِي الْجَنَّةِ وَحَشَرَنَا فِي زُمَرَتِكُمْ وَأَوْرَدَنَا حَوْضَ نَبِيِّكُمْ وَ سَقَانَا بِكَأْسِ جَدِّكُمْ مِنْ يَدِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ. صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ. أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُرِينَا فِيكُمْ الشُّرُورَ وَالْفَرَجَ وَأَنْ يَجْمَعَنَا وَإِيَّاكُمْ فِي زُمَرَةِ جَدِّكُمْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَنْ لَا يَسْلُبَنَا مَعْرِفَتَكُمْ إِنَّهُ وَلِيُّ قَدِيرٍ. اتَّقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِحُبِّكُمْ وَالْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَالتَّسْلِيمِ إِلَى اللَّهِ رَاضِيًا بِهِ غَيْرُ مُتَكَبِّرٍ وَلَا مُسْتَكْبِرٍ وَعَلَى يَقِينٍ مَا أَقْبَى بِهِ مُحَمَّدٌ وَبِهِ رَاضٍ نَطْلُبُ بِذَلِكَ وَجْهَكَ يَا سَيِّدِي. اللَّهُمَّ وَرِضَاكَ وَالدَّارَ الْآخِرَةَ يَا فَاطِمَةُ اشْفَعِي لِي فِي الْجَنَّةِ فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأْنًا مِنَ الشَّأْنِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَخْتِمَ لِي بِالسَّعَادَةِ فَلَا تَسْلُبْ مِنِّي مَا أَنَا فِيهِ وَ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. اللَّهُمَّ اسْتَجِبْ لَنَا وَتَقَبَّلْهُ بِكَرَمِكَ وَعِزَّتِكَ وَ بِرَحْمَتِكَ وَ عَافِيَتِكَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ وَسَلَّمْ تَسْلِيمًا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

سلام بر «آدم» برگزیده‌ی خدا، سلام بر «نوح» پیام‌آور خدا، سلام بر «ابراهیم» دوستدار راستین خدا، سلام بر «موسی» هم‌سخن خدا و سلام بر «عیسی» روح خدا. سلام بر توای پیامبر خدا، سلام بر توای برترین آفریده‌ی خدا، سلام بر توای برگزیده‌ی خدا، سلام بر توای «محمد بن عبدالله»؛ ای پایان‌بخش پیامبران خدا، سلام بر توای امیر مؤمنان، «علی بن ابی طالب»؛ ای جانشین فرستاده‌ی خدا، سلام بر توای «فاطمه» بزرگ‌سرور زنان جهان، سلام بر شما ای دو‌نواده‌ی پیام‌آور رحمت و ای دو‌سرور جوانان اهل بهشت، سلام بر توای «علی بن حسین» سرآمد تمام عبادت‌کنندگان و ای نور چشم همه‌ی بینندگان، سلام بر توای «محمد بن علی» ای شکافنده‌ی علم بعد از پیامبر، سلام بر توای «جعفر بن محمد» ای راستگوی نیکو‌کردار امین، سلام بر توای «موسی بن جعفر» ای پاک‌نهاد پاک‌سرشت، سلام بر توای «علی بن موسی»؛ ای پسندیده‌ی برگزیده، سلام بر توای «محمد بن علی» ای پارسای پرهیزگار، سلام بر تو ای «علی بن محمد» ای پاک‌سرشت خیرخواه امین، سلام بر توای «حسن

بن علی «سلام بر جانشین پس از وی (قائم آل محمد علیهم السلام)». پروردگارا درود فرست بر نور و چراغ تابناک و وارث اولیائت و جانشینانت و حجت تو بر تمام خلقت. سلام بر تو ای دختر رسول خدا، سلام بر تو ای دختر فاطمه و خدیجه، سلام بر تو ای دختر امیرمؤمنان، سلام بر تو ای دختر حسن و حسین، سلام بر تو ای دختر ولی خدا، سلام بر تو ای خواهر ولی خدا، سلام بر تو ای عمه ی ولی خدا، سلام بر تو ای دختر موسی بن جعفر، و رحمت و برکات بی پایان خدا بر تو باد. سلام [ما] بر شما باد، خداوند ما را با شما در بهشت آشنا کند و پیوند دهد و در میان شما جای دهد، و ما را به حوض (کوثر) پیامبر. که از تبار شماست. برساند و از جام جدّتان رسول خدا و با دست علی بن ابی طالب علیه السلام سیرابمان گرداند، درود خدا بر شما باد. از خداوند می خواهیم که شادمانی و گشایش را در امور شما، به ما نشان دهد. و [سرانجام] ما و شما را در کنار جدّتان «محمد» - که درود خدا بر او باد- گرد آورد. و از ایشان می خواهیم معرفت شما را از ما نگیرد، زیرا بی گمان او بر همه چیز حاکم و تواناست. من به وسیله ی دوستی با شما (اهل بیت) و بیزاری از دشمنانتان و تسلیم بودن نسبت به مقدرات الهی، با خشنودی و بدون هیچ گونه انکار و تکبری به خدا تقرب می جویم. بارخدا، یقین به دینی که پیامبر آورده و به آن خشنودم، لطف و عنایت تو را می طلبم ای مولای من! رضای تو را خواستارم و سرای آخرت را خواهانم. ای «فاطمه» مرا در بهشت شفاعت نما که تو نزد خدا مقامی بس گران داری. خدایا از تو می خواهیم زندگی مرا با سعادت پایان بخشی و ایمان و ولایت خاندان پیامبر را از من نگیری، که هیچ توان و قدرتی نیست جز به توفیق خدای والای بزرگ. بار خدایا دعاهایم را به احسان و عزّت و به رحمت و عافیت اجابت نما و بپذیر و بر محمد و همه ی خاندانش درود و رحمت فرست، ای مهربانترین مهربانان!

زیارت نامه غیر مشهور اول

زیارت نامه دوم غیر مشهور بوده و در برخی از کتب ادعیه و تاریخی بیان گردیده است و دارای مفاد و مضامینی عالی و کاشف بسیاری از اوصاف و فضائل حضرت فاطمه می معصومه علیها السلام می باشد و آن چنین است:

السلام على مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيِّينَ. السلام على سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ. السلام على حَبِيبِ رَبِّ
العَالَمِينَ وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ؛ السلام على أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ. السلام على سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ. السلام
على حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ؛ السلام على الْبَتُولِ الْعَذْرَاءِ وَالْإِنْسِيَةِ الْحَوْرَاءِ
بِنْتِ خَيْرَةِ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ وَأُمِّ الْأَيِّمَةِ الْجَبَّاءِ وَجَلِيلَةِ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ
نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ؛ السلام على الْإِمَامِينَ الْهُمَامِينَ الثَّوَرِينَ السَّيِّدِينَ
الطُّهْرَيْنِ الطَّاهِرِينَ الشَّهِيدِينَ الْمُظْلُومِينَ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ سَيِّدَيِ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ
النَّسْعَةِ الْمُعْصومِينَ مِنْ ذُرِّيَةِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. السلام عليك يا
فاطمة يا أختَ الرِّضَا الْمُرتَضَى الْمُجْتَبَى وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ؛ السلام عليك أَيَّتُهَا الطَّاهِرَةُ
الْحَمِيدَةُ الْبُرَّةُ الرَّشِيدَةُ التَّقِيَّةُ الرَّضِيَّةُ الْمَرْضِيَّةُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ؛ [السلام عليك
يا فاطمة يا بِنْتَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَحُجَّتَهُ وَأَمِينَهُ. وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ]؛ أَشْهَدُ أَنَّهُمْ الْأَيِّمَةُ
الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ الْمُعْصومُونَ الْمُكْرَمُونَ الْمُقَرَّبُونَ [الْمُتَّقُونَ] الصَّادِقُونَ. وَأَنَّ الْحَقَّ
مَعَهُمْ وَفِيهِمْ وَإِلَيْهِمْ وَأَنَّ مَنْ وَالَاهُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهَ. وَمَنْ عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهَ. [أَتَيْتُكَ]
أَتَيْكَ يَا سَيِّدَتِي يَا فَاطِمَةَ زَائِرًا لَكَ عَارِفًا بِحَقِّكَ وَبِحَقِّ أَخِيكَ وَأَبَائِكَ الْأَطْهَارِ طَالِبًا
فِكَائِكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَثُلَّتِ سَأْمُنِكَ الشَّفَاعَةَ إِذَا امْتَأَزَ الْأَخْيَارُ مِنَ الْأَشْرَارِ فَاشْفَعِي لِي
عِنْدَ رَبِّكَ وَعِنْدَ آبَائِكَ الْأَبْرَارِ فَإِنَّكَ مِنْ أَهْلِ بَيْتٍ لَا يَخْشُرُ مَنْ تَوَلَّاهُمْ وَلَا يَخْشَى مَنْ
أَنْتَهُمْ [أَتَيْتُهُمْ]. اللَّهُمَّ إِنَّهُ قَدْ جَاءَنِي الْخَبَرُ عَنِ الصَّادِقِينَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِمُ
أَفْضَلُ الصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ: إِنَّ مَنْ زَارَ فَاطِمَةَ بِقَمِّ فَلَهُ الْجَنَّةُ. فَهَذَا أَنَا ذَا يَا إِلَهِي قَدْ جِئْتُهَا زَائِرًا
لَهَا عَارِفًا بِحَقِّهَا. فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. وَانْفَعْنِي بِزِيَارَتِهَا. وَلَا تَحْرِمْ شَفَاعَتَهَا.

وَارْزُقْنِي الْجَنَّةَ كَمَا وَعَدْتَهَا. إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

«سلام بر محمد پایان بخش پیامبران، دورد بر سرور تمامی رسولان، سلام بر محبوب پروردگار جهانیان و بر او رحمت و برکات الهی باد. سلام بر امیرمؤمنان، سلام بر حجت پروردگار جهانیان و رحمت و برکات الهی بر او باد. سلام بر آن بانوی پاکدامن عقیق و انسانی بسان فرشته، همان دختر برگزیده‌ی سرور پیامبران و مادر تمامی امامان برگزیده‌ی بزرگوار و دختر ارجمند سرور اولیای سفارش شده؛ فاطمه‌ی زهرا سرور تمامی زنان جهان که رحمت و برکات خداوند بر او باد. سلام خدا بر دو امام والامقام و دو نور پاک و پاکیزه دوشهید مظلوم: امام حسن و امام حسین دو سرور جوانان اهل بهشت و بر نه امام معصوم از نسل حسین که درود خدا و رحمت و برکات او بر آنان باد. درود بر تو ای فاطمه خواهر امام رضا آن امامی که برگزیده و پسندیده الهی است و رحمت و برکات خداوند بر او باد. سلام بر تو ای بانوی پاک، ستوده، نیکوکردار، والا، پرهیزگار و پاک سرشت، راضی به قضای الهی و پسندیده خداوندی و رحمت و برکات خداوند بر تو باد. من شهادت می‌دهم که بی‌گمان آن امامان پیشوایان ارزشمند و کاملی هستند که هدایتگر و دارای مقام عصمتند، بزرگوار و مقرب درگاه خداوند و راستگو و درست‌کردارند و بی‌تردید حق با آنان و در آنان و به سوی آنان است و شهادت می‌دهم که هر که پیرو آنان باشد بی‌تردید پیرو خداست و هر که با آنان دشمنی ورزد دشمن خداست. ای بانوی بزرگوار من هم‌اینک به زیارت تو آمده‌ام. آگاه به حق و منزلت تو و برادر و پدران معصوم توام از شما تقاضا دارم که گردن و جان مرا از آتش دوزخ برهانید و از شما عاجزانه درخواست می‌کنم که شفاعتم نمایید، آنگاه که خوبان از بدان جدا می‌شوند؛ پس مرا نزد خدا و پدران پاک‌نهادت شفاعت نما؛ زیرا تو از خاندان پیامبری هستی که هر که پیرو و محب آنان باشد زیان نمی‌بیند و هر که تقاضایی نزدشان برد ناامید نمی‌گردد. بارخدا یا همانا از چند معصوم از خاندان پیامبر ﷺ امام صادق، امام رضا و امام جواد علیهم‌السلام که بر آنان برترین درودها و سلام‌ها

باد حدیث و خبری نزد ماست که هر که فاطمه معصومه را در قم زیارت نماید، پاداش وی بهشت است؛ پس خدایا این منم که حاضرم برای این کار، آمده‌ام به زیارت آن حضرت و آگاه به مقام و منزلت وی هستم، پس درود بر محمد و خاندانش فرست و مرا از زیارت وی بهرمند فرمای و از شفاعتش محروم منماید و با مهربانی بهشت را همانگونه که وعده داده‌ای نصیبم گردان؛ زیرا تو به هرکاری بسی توانایی، ای که مهربانترین مهربانانی.»

زیارت‌نامه غیر مشهور دوم

زیارت‌نامه سوم نیز غیر مشهور می‌باشد که در برخی از کتب ادعیه ذکر شده و دارای مضامینی همانند دو زیارت‌نامه پیشین است:^۱

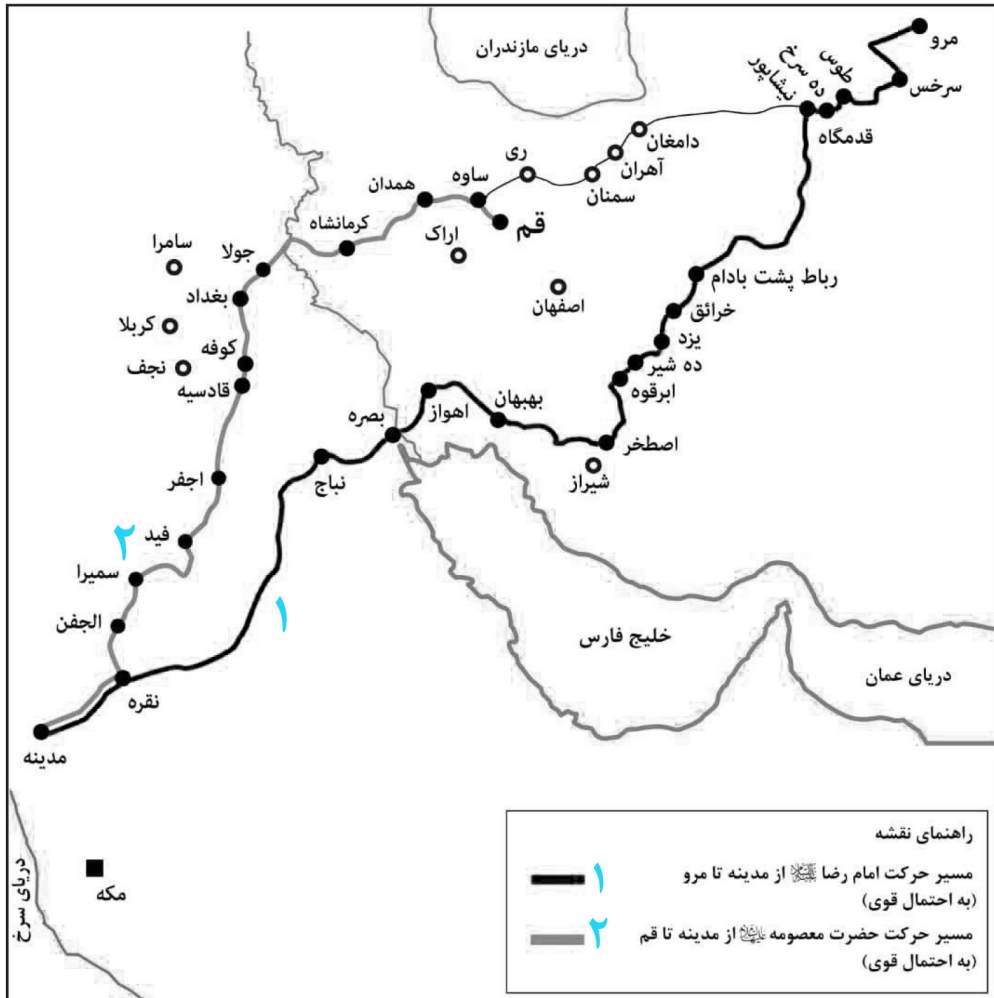
الْسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا السَّيِّدَةُ الطَّاهِرَةُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا السَّيِّدَةُ الصِّدِّيقَةُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الرِّضِيَّةُ الْمَرْصِيَّةُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَإِمَامِ الْمُتَّقِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ الْحَسَنِ الْمُجْتَبَى. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ بِكَرْبَلَاءَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ الْإِمَامِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ الْإِمَامِ الْبَاقِرِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ الْإِمَامِ جَعْفَرِ الصَّادِقِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ الْإِمَامِ الْمُعْصُومِ مُوسَى الْكَاطِمِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُخْتَ الْإِمَامِ الْمَظْلُومِ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّةَ الْإِمَامِ الْمُعْصُومِ مُحَمَّدٍ تَقِيِّ. السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى آبَائِكَ الْمَظْلُومِينَ وَ عَلَى أَجْدَادِكَ الْمُعْصُومِينَ وَ عَلَى أَقْرَبَائِكَ الطَّاهِرِينَ وَ عَلَى مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ. أَتَيْتُكَ زَائِرًا وَ حَاجًا لَكَ مَسْتَوْدِعًا وَ أَنَا أَسْتَوْدِعُكَ دِينِي وَ أَمَانَتِي وَ خَوَاتِيمَ عَمَلِي وَ جَوَامِعَ أَمَلِي إِلَى مُنْتَهَى أَجَلِي وَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

«سلام بر تو ای بزرگ بانوی پاک، سلام بر تو ای بزرگ بانوی راستگوی درست‌کردار، سلام بر تو ای راضی به تقدیر الهی و پسندیده‌ی درگاه ایزدی،

۱. زبدة التصانیف، ص ۴۴۹.

سلام بر تو ای دختر پیامبر خدا، سلام بر تو ای دختر امیر مؤمنان و امام
پرهیزکاران، سلام بر تو ای دختر امام حسن مجتبی، سلام بر تو ای دختر
امام حسین شهید به کربلا، سلام بر تو ای دختر امام علی بن حسین زینت
بخش عابدان، سلام بر تو ای دختر امام محمد باقر، سلام بر تو ای دختر
امام جعفر صادق، سلام بر تو ای دختر امام معصوم موسی کاظم، سلام بر
تو ای خواهر امام مظلوم ابی الحسن علی بن موسی که ملقب به «رضا»
است. سلام بر تو ای عمه ی امام معصوم حضرت محمد تقی؛ سلام بر تو و
بر پدران مظلومت، و بر تبار معصومیت و بر نزدیکان پاک و بر مؤمنان پیرو
راحت. سلام بر تو ای سرور زنان جهان؛ به زیارت تو آمده ام و بار حاجاتم
نزد تو آورده و می گذارم. من نزد تو دین و امانت و سرانجام اعمالم و تمامی
آرزوهایم تا وقت مرگ می گذارم که حفظ نموده و برآورده سازی. سلام و
رحمت و برکات خدا بر تو باد.»

نقشه مسیر هجرت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به قم



منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغة، آستان قدس رضوی علیہ السلام، ترجمه علامه جعفری، مشهد مقدس - ایران، اول، ۱۳۸۷ ش.
۳. آثار اسلامی مکه و مدینه، رسول جعفریان، مشعر، تهران - ایران، اول، ۱۳۸۹ ش.
۴. آثار البلاد و أخبار العباد، زکریا بن محمد بن محمود القزويني، امير كبير، تهران - ایران، اول، ۱۳۷۳ ش.
۵. إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، محمد بن حسن حرّ عاملی، الأعلمي، بیروت - لبنان، اول، ۱۴۲۵ ق.
۶. الاجتهاد في علم الحديث وأثره في الفقه الإسلامي، علي نايف بقاعي، دار البشائر الإسلامية، بی جا، اول، بی تا.
۷. إحقاق الحق وإزهاق الباطل، نورالله شوشتری، کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی رحمة الله علیه، قم - ایران، اول، ۱۴۰۹ ق.
۸. إرشاد الأذهان، جمال الدين حسين بن يوسف بن مطهر حليّ، دفتر انتشارات اسلامی، قم - ایران، اول، ۱۴۱۰ ق.
۹. الإرشاد، محمد بن محمد بن نعمان، انتشارات علمیه اسلامیة، تهران - ایران، اول، بی تا.
۱۰. أساس البلاغة، زمخشری، دار الصادر، بیروت - لبنان، اول، ۱۹۷۹ م.
۱۱. أصول الحديث، عبدالهادي الفضلي، مؤسسة أم القرى للتحقيق و النشر، بیروت - لبنان، سوم، ۱۴۲۰ ق.
۱۲. الاعتقادات، أبو جعفر محمد بن علی بن حسين بن موسى بن بابويه، کنگره شيخ مفيد، قم - ایران، دوم، ۱۴۱۴ ق.
۱۳. الأعلام النفيسة، أبو علي أحمد بن عمر ابن رسته، دار الصادر، بیروت - لبنان، اول، ۱۸۹۲ م.
۱۴. أعلام النساء المؤمنات، محمد حسّون وأمّ عليّ مشکور، دار الأسوة، قم - ایران، اول، ۱۴۲۱ ق.
۱۵. إعلام الوری، فضل بن حسن طبرسی، دار الكتب الإسلامية، تهران - ایران، اول، ۱۳۹۰ ق.
۱۶. أعلام الهداية، لجنة التأليف، مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۲۵ ق.
۱۷. أعيان الشيعة، سيّد محسن امين، دار التعارف للمطبوعات، بیروت - لبنان، اول، ۱۴۰۶ ق.
۱۸. الأغاني، أبو الفرج اصفهاني، دار الكتاب المصرية، قاهره - مصر، اول، ۱۹۲۷ م.
۱۹. إقبال الأعمال، عليّ بن موسى بن طاووس، دفتر تبليغات اسلامی، قم - ایران، اول، ۱۳۷۶ ش.
۲۰. الإلهيات على هدى الكتاب و السنة و العقل، جعفر سبحاني تبريزي، مؤسسة الإمام الصادق عليه السلام، قم - ایران، چهارم، ۱۴۱۳ ق.

۲۱. أمالي شيخ صدوق، أبو جعفر محمد بن علي بن حسين بن موسى بن بابويه، مؤسسة الأعلمي، بيروت - لبنان، أول، ١٤١٠ ق.
۲۲. الإمام الصادق عليه السلام والمذاهب الأربعة، أسد حيدر، دار المعارف للمطبوعات، بيروت - لبنان، پنجم، ١٤٢٢ ق.
۲۳. الإمامة و السياسة، ابن قتيبة الدينوري، مترجم و محقق: علي شيري، دار الأضواء، بيروت - لبنان، أول، ١٤١٠ ق.
۲۴. الأنساب، السمعاني، دائرة المعارف العثمانية، حيدرآباد، هند، ١٣٨٢ ق.
۲۵. أنساب الأشراف، أحمد بن يحيى بلاذري، دار الفكر، بيروت - لبنان، أول، ١٤١٧ ق.
۲۶. أنوار المشعشين في ذكر شرافة قم و القميين، محمد علي نائيني، محقق: محمدرضا أنصاري قمي، كتابخانه بزرگ حضرت آيت الله العظمى مرعشي نجفي رحمه الله، قم - ايران، أول، ١٣٨١ ش.
۲۷. بارگاه فاطمه معصومه عليه السلام تجليگاه فاطمه زهرا عليه السلام، سيد جعفر ميرعظيم، مشهور، قم - ايران، ١٣٩٣ ش.
۲۸. بانوی ملکوت، علي كريمي جهرمي، بوستان كتاب، قم - ايران، أول، ١٣٩٣ ش.
۲۹. بحار الأنوار، محمد باقر مجلسي، دار إحياء التراث العربي، بيروت - لبنان، أول، ١٤٠٣ ق.
۳۰. بحر الأنساب، أبو مخنف لوط بن يحيى خزاعي، بي نا، بي جا، أول، بي تا.
۳۱. البحر المحيط في التفسير، محمد بن يوسف أبو حيان الأندلسي، المصحح: صدقي محمد جميل، دار الفكر، بيروت - لبنان، أول، ١٤٢٠ ق.
۳۲. بشارة المصطفى، عماد الدين أبي جعفر بن أبي القاسم طبري أملي، المكتبة الحيدريّة، النجف الأشرف - عراق، دؤم، ١٣٨٣ ش.
۳۳. بصائر الدرجات، محمد بن حسن الصفار، مكتبة آية الله المرعشي النجفي رحمه الله، قم - ايران، دؤم، ١٤٠٤ ق.
۳۴. بلغة الفقيه، محمد بن محمد تقى بحر العلوم، منشورات مكتبة الصادق، تهران - ايران، أول، ١٤٠٣ ق.
۳۵. البيان، محمد بن جمال الدين مكي العاملي، محقق: محمد الحسون، بنياد فرهنگي امام المهدي عليه السلام، قم - ايران، أول، ١٣٧١ ش.
۳۶. پرتوی از روی دوست، اسماعيل کرمانشاهی، مجموعه آثار کنگره حضرت معصومه عليه السلام، قم - ايران، ١٣٩٠.
۳۷. تاج العروس، زبيدي، دار الفكر، بيروت - لبنان، أول، ١٤١٤ ق.

۳۸. تاریخ الإسلام، ذهبی، دار الکتب العربی، بیروت - لبنان، اول، ۱۴۱۳ق.
۳۹. تاریخ الخلفاء، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر السیوطی، دار المنهاج للدراسات، جدّة - عربستان، دؤم، ۱۴۲۴ق.
۴۰. تاریخ الخلفاء، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر السیوطی، منشورات رضی، قم - ایران، اول، ۱۴۱۱ق.
۴۱. تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، دار الکتب العلمیّة، بیروت - لبنان، اول، ۱۴۱۷ق.
۴۲. تاریخ تمدن اسلام، جرجی زیدان، امیر کبیر، تهران - ایران، هفتم، ۱۳۷۲ش.
۴۳. تاریخ طبری، محمد بن جریر طبری، دار التراث، بیروت - لبنان، اول، ۱۳۸۷ق.
۴۴. تاریخ قم، حسن بن محمد قمی، مترجم: سید جلال الدین تهرانی، توس، تهران - ایران، اول، ۱۳۶۱ش.
۴۵. تاریخ مذهبی قم، علی اصغر فقیهی، زائر، قم - ایران، دؤم، ۱۳۷۸ش.
۴۶. تاریخ موالید الأئمة علیهم السلام ووفیاتهم، عبدالله بن محمد ابن الخشاب البغدادي، بی نا، بی جا، اول، بی تا.
۴۷. تاریخ یعقوبی، أحمد بن ابی یعقوب، دار الصادر، بیروت - لبنان، اول، ۱۳۷۹ق.
۴۸. تحف العقول، حسن بن علی ابن شعبة حرانی، جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، دؤم، ۱۴۰۴ق.
۴۹. تحفة العالم في شرح خطبة المعالم، السيّد جعفر بحر العلوم، المحقّق: أحمد علي مجيد الحلّي، مركز تراث السيّد بحر العلوم قدّس سرّه، بیروت - لبنان، اول، بی تا.
۵۰. التحقيق في كلمات القرآن الكريم، حسن مصطفوی، دار الكتاب العلمیّة، بیروت - لبنان، سوّم، بی تا.
۵۱. تحلیلی از زندگانی امام رضا علیهم السلام، محمد جواد فضل الله، مترجم: محمدصادق عارف، آستان قدس رضوی، مشهد مقدّس - ایران، هفتم، ۱۳۸۲ش.
۵۲. تفسیر الثعالبی، عبدالرحمن بن محمد الثعالبی، المحقّقین: علی محمد معوّض و عادل أحمد عبد الموجود، دار إحياء التراث العربي، بیروت - لبنان، اول، ۱۴۱۸ق.
۵۳. تفسیر الجلالین، جلال الدین محمد بن أحمد المحلی و جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر السیوطی، المحقّق: مروان سوار، دار المعرفة للطباعة و النشر و التوزيع، بیروت - لبنان، اول، بی تا.
۵۴. تفسیر الصافی، محمد محسن بن شاه مرتضی فیض کاشانی، مکتبة الصدر، تهران - ایران، دؤم، ۱۴۱۵ق.

۵۵. تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود عباسی، مطبعة العلمیة، تهران - ایران، اَوَّل، ۱۳۸۰ ق.
۵۶. التفسیر الکاشف، محمد جواد مغنیه، دار الکتب الإسلامی، قم - ایران، اَوَّل، ۱۴۱۴ ق.
۵۷. تنقیح المقال، عبدالله مامقانی، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، قم - ایران، اَوَّل، ۱۴۳۱ ق.
۵۸. تهذیب اللغة، محمد بن أحمد الأزهری، دار إحياء التراث العربی، بیروت - لبنان، اَوَّل، ۱۴۲۱ ق.
۵۹. تیسیر مصطلح الحدیث، محمود الطحان، بی نا، بی جا، دَوِّم، ۱۳۹۸ ق.
۶۰. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، أبو جعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه، دار الشریف الرضی، قم - ایران، اَوَّل، ۱۴۰۶ ق.
۶۱. جامع الأخبار، محمد بن محمد شعیری، المطبعة الحیدریة، النجف الأشرف - عراق، اَوَّل، بی تا.
۶۲. الجامع لأحكام القرآن، محمد بن أحمد القرطبی، دار الکتب العلمیة، بیروت - لبنان، اَوَّل، ۱۴۱۷ ق.
۶۳. الجامع لرواة و أصحاب الإمام الرضا علیه السلام، محمد مهدی نجف، المؤتمر العالمی للإمام الرضا علیه السلام، مشهد مقدس - ایران، اَوَّل، ۱۴۰۷ ق.
۶۴. جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی، گای له استرنج، مترجم: محمود عرفان، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران - ایران، اَوَّل، ۱۳۳۷ ش.
۶۵. جلاء العیون، محمد باقر مجلسی، سرور، قم - ایران، اَوَّل، ۱۳۸۲ ش.
۶۶. جمهرة اللغة، أبوبکر محمد بن الحسن ابن درید الأزدي، المحقق: رمزي منیر بعلبکی، دار العلم للملایین، بیروت - لبنان، اَوَّل، ۱۹۸۸ م.
۶۷. جمهرة أنساب العرب، ابن حزم أندلسی، دار الکتب العلمیة، بیروت - لبنان، اَوَّل، ۱۴۱۸ ق.
۶۸. حبیب السیر فی أخبار أفراد البشر، غیاث الدین خواندمیر، خیام، تهران - ایران، چهارم، ۱۳۸۰ ش.
۶۹. حلیة الأبرار فی أحوال محمد و آله الأطهار علیهم السلام، سید هاشم بن سلیمانی بحرانی، مؤسسه المعارف الإسلامیة، قم - ایران، اَوَّل، ۱۴۱۱ ق.
۷۰. حیاة الست، مهدی منصوری، صفی، قم - ایران، اَوَّل، بی تا.
۷۱. الحیاة السیاسیة للإمام الرضا علیه السلام، جعفر مرتضی العاملي، جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اَوَّل، ۱۴۰۳ ق.
۷۲. الخراج و صناعة الكتابة، قدامة بن جعفر کاتب بغدادی، محقق / مصحح: محمد حسین زبیدی، دار الرشید للنشر، بغداد - عراق، اَوَّل، ۱۹۸۱ م.
۷۳. الخصال، محمد بن علی بن بابویه، جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اَوَّل، ۱۴۰۹ ق.
۷۴. خلاصة الأقوال في معرفة الرجال (الخلاصة)، أبو منصور الحسن بن یوسف بن المطهر الأسدي، آستان قدس رضوی - بنیاد پژوهش های اسلامی، مشهد مقدس - ایران، اَوَّل، ۱۳۸۱ ش.

۷۵. خلاصة التواريخ، أحمد بن شرف الدين حسين حسيني قمی، مصحح: احسان اشراقی، دانشگاه تهران، تهران - ایران، اول، ۱۳۵۸ ش.
۷۶. دار السلام فيما يتعلق بالرويا و المنام، حسين بن محمدتقی نوری، دارالبلاغه، بيروت - لبنان، ۱۴۲۷ ق.
۷۷. درر الفوائد، عبد الكريم حائری یزدی، معلق: محمدعلی اراکی، محقق: محمد مؤمن قمی، جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم - مؤسسة النشر الإسلامي، قم - ایران، ششم، ۱۴۱۸ ق.
۷۸. دُرّ عصمت، علی اشرف عبدی، زائر، قم - ایران، اول، ۱۳۹۳ ش.
۷۹. دلائل الإمامة، محمد بن جرير الطبري، مؤسسه بعثت، قم - ایران، اول، ۱۴۱۳ ق.
۸۰. دلائل الصدق لنهج الحق، محمد حسن مظفر نجفی، مؤسسة آل البيت ﷺ، قم - ایران، اول، ۱۴۲۲ ق.
۸۱. دیوان اشعار حضرت امام خمینی ﷺ، سید روح الله موسوی خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ﷺ، تهران - ایران، چهل و دوم، ۱۳۸۳ ش.
۸۲. دیوان فیاض لاهیجی، ملا عبد الرزاق بن علی لاهیجی، به کوشش: امیر بانوی کریمی، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران - ایران، اول، ۱۳۷۲ ش.
۸۳. الذريعة إلى حافظ الشريعة، رفیع الدین محمد بن محمد مؤمن الجیلانی، محقق: محمدحسین درایتی، مؤسسه علمی فرهنگی دار الحديث، قم - ایران، اول، ۱۳۸۸ ش.
۸۴. رجال ابن غضائري، أحمد بن حسين ابن غضائري، المحقق: محمد رضا حسینی جلالی، مؤسسه علمی فرهنگی دار الحديث، قم - ایران، اول، ۱۴۲۲ ق.
۸۵. رجال أبي داود، علي بن داود حلي، دانشگاه تهران، تهران - ایران، اول، ۱۳۸۳ ش.
۸۶. رجال برقي، أحمد بن محمد بن خالد برقي، دانشگاه تهران، تهران - ایران، اول، ۱۳۸۳ ش.
۸۷. رجال شيخ طوسي، أبو جعفر محمد بن الحسن الطوسي، المحقق: جواد القيومي الإصفهاني، الشريف الرضي، قم - ایران، اول، بی تا.
۸۸. رجال كشي، محمد بن عمر كشي، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، مشهد مقدس - ایران، اول، ۱۴۰۹ ق.
۸۹. رجال نجاشي، أحمد بن علي بن نجاشي، مؤسسه النشر الإسلامي، قم - ایران، اول، ۱۳۶۵ ش.
۹۰. رسالة الولاية، سید محمد حسين طباطبائي، مؤسسة آل البيت ﷺ، بی جا، اول، بی تا.
۹۱. رسالة في تواريخ النبي والآل، محمدتقی شوشتری (تستری)، نشر اسلامی، قم - ایران، اول، ۱۴۲۳ ق.
۹۲. الرعاية في علم الدراية، زين الدين بن علي شهيد ثاني، محقق: عبدالحسين محمد علی بقال، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی ﷺ، قم - ایران، اول، ۱۴۰۸ ق.

٩٣. روضة الصفا في سيرة الأنبياء و الملوك و الخلفاء، ميرمحمد بن سيّد برهان الدين خواوندشاه، دار الطباعة خاصّة جديدة، بى جا، أوّل، ١٢٧٠ق.
٩٤. رياحين الشريعة، ذبيح الله محلاتى، دار الكتب الإسلامية، تهران - ايران، أوّل، ١٣٧٥ش.
٩٥. رياض الأبرار، سيد نعمت الله جزايرى، مؤسسة التاريخ الإسلامى، بيروت - لبنان، ١٤٢٧ق.
٩٦. ريحانة الأدب في تراجم المعروفين بالكنية و اللقب، محمدعلى مدرّس تبريزى، مؤسسه امام صادق (عليه السلام)، قم - ايران، أوّل، ١٣٩٥ش.
٩٧. زبدة التصانيف، محمد بن الصافي قمي، زائر، قم - ايران، أوّل، ١٣٨٤ق.
٩٨. ستايشگران كوثر قم، منوچهر حقگو، زائر، قم - ايران، أوّل، ١٣٨٤ش.
٩٩. السرائر الحاوي لتحرير الفتاوى، ابن ادريس الحلّي، مؤسسة النشر الإسلامى التابعة لجماعة المدرّسين، قم - ايران، دوّم، ١٤١٠ق.
١٠٠. سراج الأنساب، احمد بن محمد كياء گيلانى، محقق: مهدي رجايى، كتابخانه عمومى حضرت آيت الله العظمى مرعشى نجفى (رحمته الله)، قم - ايران، أوّل، ١٤٠٩ق.
١٠١. سرّ السلسلة العلوية في أنساب السادة العلوية، أبو نصر سهل بن عبدالله البخاري، مكتبة آيت الله المرعشى النجفي العامة، قم - ايران، أوّل، ١٣٨٩ش.
١٠٢. سيمای آشتيان، محسن آشتيانى، فقه، قم - ايران، أوّل، ١٣٧٥ش.
١٠٣. سيده المكارم، سيده المكارم، عمار سالم الحمد، مؤسسه عاشورا، قم - ايران، ١٤٣٣ق.
١٠٤. سيمای تاريخ اسلام، غلامعلى صفائى بوشهرى، جامعة القرآن الكريم، قم - ايران، أوّل، ١٣٨٩ق.
١٠٥. سيمای فرزنانگان، رضا مختارى، بوستان كتاب، قم - ايران، أوّل، ١٣٩٢ش.
١٠٦. الشجرة المباركة في أنساب الطالبية، محمد بن عمر فخر رازى، كتابخانه عمومى حضرت آيت الله العظمى مرعشى نجفى (رحمته الله)، قم - ايران، أوّل، ١٤١٩ق.
١٠٧. شرح التجريد، على بن محمد قوشچى، بى نا، بى جا، أوّل، بى تا.
١٠٨. شرح المقاصد، سعد الدين تفتازانى، الشريف الرضى، قم - ايران، أوّل، ١٤٠٩ق.
١٠٩. شرحى بر قصيده مُعجزِيّه، محمدصادق ناطق اصفهانى، محقق: سيّد جعفر موسوى، زائر، قم - ايران، أوّل، ١٣٨١ش.
١١٠. شمس العلوم، حميرى، دار الفكر المعاصر، بيروت - لبنان، أوّل، ١٤٢٠ق.
١١١. الصحاح، جوهرى، دار العلم للملايين، بيروت - لبنان، أوّل، ١٤١٠ق.
١١٢. صحاح الأخبار في نسب السادة الفاطمية الأخيار، محمد بن عبدالله المخزومي، مطبعة نخبة الأخبار الواقعة، بمبئي - هند، أوّل، ١٣٠٦ق.

۱۱۳. العقد الفريد، ابن عبد ربه أندلسي، دار الكتاب العلميّة، بيروت - لبنان، أوّل، ۱۴۰۴ق.
۱۱۴. علوم الحديث و مصطلحه، صبحي صالح، المكتبة الحيدرية، بی جا، أوّل، ۱۴۱۷ق.
۱۱۵. عمدة الطالب في أنساب آل أبي طالب، ابن عنبه، انصاريان، قم - ايران، أوّل، ۱۴۰۴ق.
۱۱۶. عوالم العلوم، عبدالله بحرانی اصفهانی، مؤسسه الإمام المهدي ﷺ، قم - ايران، أوّل، ۱۴۱۳ق.
۱۱۷. عوالي اللئالي العزيزية في الأحاديث الدينية، محمد بن زين الدين ابن أبي جمهور، دار سيّد الشهداء ﷺ، قم - ايران، أوّل، ۱۴۰۵ق.
۱۱۸. العين، خليل بن أحمد فراهيدي، هجرت، قم - ايران، دوّم، بی تا.
۱۱۹. عيون أخبار الرضا ﷺ، أبو جعفر محمد بن علي بن حسين بن موسى بن بابويه، جهان، تهران - ايران، أوّل، ۱۳۷۸ش.
۱۲۰. الغدير، عبد الحسين اميني، دار الكتاب العربي، بيروت - لبنان، أوّل، ۱۳۹۷ق.
۱۲۱. غرر الحكم و درر الكلم، تميمي آمدی، مترجم: سيّد هاشم رسولی محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران - ايران، دوازدهم، ۱۳۷۷ش.
۱۲۲. الفتوح، محمد بن علي ابن أعثم الكوفي، بی نا، بی جا، أوّل، بی تا.
۱۲۳. فتوح البلدان، أحمد بن يحيى بن جابر بلاذري، مكتبة النهضة المصرية، قاهره - مصر، أوّل، ۱۹۵۷م.
۱۲۴. الفخرى في أنساب الطالبين، سيّد عزّ الدين قاضي مروزى، كتابخانه عمومى حضرت آيت الله العظمى مرعشى نجفى ﷺ، قم - ايران، أوّل، ۱۴۰۹ق.
۱۲۵. فرق الشيعة، حسن بن موسى نوبختي، دار الأضواء، بيروت - لبنان، دوّم، بی تا.
۱۲۶. فرهنگ فارسى عميد، حسن عميد، راه رشد، تهران - ايران، ۱۳۸۹ش.
۱۲۷. فرهنگ فارسى محمد معين، انتشارات پارسه، تهران - ايران، ۱۳۸۷ش.
۱۲۸. الفصول المهمة في معرفة الأئمة ﷺ، ابن الصبّاغ، دار الحديث، قم - ايران، أوّل، ۱۴۲۲ق.
۱۲۹. الفهرست، محمد بن حسن الطوسي، مكتبة المحقق الطباطبائي، قم - ايران، أوّل، ۱۴۲۰ق.
۱۳۰. قاموس الرجال، محمد تقى شوشترى، مؤسسه نشر اسلامى، قم - ايران، أوّل، ۱۴۱۰ق.
۱۳۱. القاموس المحيط، محمد بن يعقوب فيروزآبادى، دار الكتب العلميّة، بيروت - لبنان، أوّل، بی تا.
۱۳۲. قبسات من سيرة الإمام الرضا ﷺ وأخته السيدة فاطمة المعصومة ﷺ، أيوب حائرى، زائر، قم - ايران، دوم، ۱۴۳۶ق.
۱۳۳. قصيده معجزيه، ميرزا محمد صادق پروانه ناطق، به تحقيق سيد جعفر موسوى، انتشارات زائر، قم - ايران، ۱۳۸۷ش.

١٣٤. قم در قرن نهم هجری، سید حسین مدرّسی طباطبائی، حکمت قم، قم - ایران، اوّل، ١٣٥٠ ش.
١٣٥. قیام سادات علوی، علی اکبر تشید، دار الکتاب الإسلامی، بیروت - لبنان، اوّل، ١٣٨٦ ش.
١٣٦. الکافی، محمد بن یعقوب الکلینی، الإسلامیة، تهران - ایران، چهارم، ١٤٠٧ ق.
١٣٧. کامل الزیارات، ابن قولویه، دار المرتضویة، النجف الأشرف - عراق، اوّل، ١٣٥٦ ش.
١٣٨. الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، مؤسّسة التاریخ العربی، بیروت - لبنان، اوّل، ١٤١٤ ق.
١٣٩. کریمة اهل البيت فاطمة بنت الإمام الکاظم (علیه السلام)، علی أحمد الخمیس، قم - ایران، ١٤٢٤ ق.
١٤٠. کرامات حضرت معصومه، سید علی حسینی، انتشارات نبوغ، قم - ایران، ١٣٨١ ش.
١٤١. کرامات کریمه کویر، علی رستمی، گوهر ماندگار، قم - ایران، ١٣٧٨ ش.
١٤٢. کرامات معصومیه، علی اکبر مهدی پور، انتشارات حاذق، قم - ایران، ١٣٨١ ش.
١٤٣. کراماتی از کریمه اهل بیت (علیها السلام) علیرضا سبحانی نسب، انتشارات جمال، قم - ایران، ١٣٨٨ ش.
١٤٤. الکریمة فاطمة المعصومة، محمد جواد بستانی، انتشارات باقیات، قم - ایران، ١٣٨٨ ق.
١٤٥. کریمه اهل بیت (علیها السلام)، علی اکبر مهدی پور، حاذق، قم - ایران، اوّل، ١٣٨٢ ش.
١٤٦. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، محمود بن عمر الزمخشري، دار الکتاب العربی، بیروت - لبنان، اوّل، ١٤٠٧ ق.
١٤٧. کشف الغمّة عن معرفة الأئمّة، بهاء الدین اربلي، ادب حوزه، قم - ایران، اوّل، بی تا.
١٤٨. کشف المراد، جمال الدین یوسف بن مطهر حلّی، جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اوّل، ١٤٠٧ ق.
١٤٩. کنز الأنساب و بحر المصاب، أبو مخنف لوط بن یحیی خزاعي، بی نا، بی جا، اوّل، بی تا.
١٥٠. کنز العمال، المتقی الهندی، مؤسّسة الرسالة، بیروت - لبنان، اوّل، ١٤٠٩ ق.
١٥١. کوثر کویر، علی اصغر بابایی، انتشارات زائر، قم - ایران، ١٣٨٦ ش.
١٥٢. گلستان معصومیه، حمید احمدی، انتشارات زائر، قم - ایران، ١٣٩٦ ش.
١٥٣. لباب الأنساب و الألقاب و الأعقاب، أبو الحسن البیهقي، المحقّق: السید مهدی الرجائي، مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي (علیه السلام)، قم - ایران، اوّل، ١٤١٠ ق.
١٥٤. لسان العرب، محمد بن مکرم ابن منظور، دار الصادر، بیروت - لبنان، سوّم، بی تا.
١٥٥. اللوامع الإلهیّة فی المباحث الکلامیّة، جمال الدین مقداد بن عبد الله الأسدي السیوري الحلّی، بوستان کتاب، قم - ایران، اوّل، ١٤٢٩ ق.
١٥٦. مجالس المؤمنین، نور الله بن شریف الدین شوشتری، اسلامیه، تهران - ایران، اوّل، ١٣٧٧ ش.

۱۵۷. المجدي في أنساب الطالبين، ابن صوفی، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله، قم - ایران، اول، ۱۴۲۲ق.
۱۵۸. مجمع البحرين، فخر الدين بن محمد الطريحي، مرتضوی، تهران - ایران، سوم، ۱۳۷۵ش.
۱۵۹. مجمع البيان في تفسير القرآن، فضل بن حسن الطبرسي، ناصر خسرو، تهران - ایران، سوم، ۱۳۷۲ش.
۱۶۰. مجموعه مقالات کنگره بزرگداشت حضرت معصومه عليها السلام، زائر، قم - ایران، اول، ۱۳۸۲ش.
۱۶۱. المحاسن، أحمد بن محمد بن خالد برقي، دار الكتب الإسلامية، قم - ایران، دوم، ۱۳۷۱ق.
۱۶۲. المحجة البيضاء في تهذيب الأحياء، محمد بن شاه مرتضی فیض کاشانی، دفتر انتشارات اسلامی / مهر، قم - ایران، دوم، بی تا.
۱۶۳. محدثات شیعه، نهلا غروی نائینی، تربیت مدرّس، تهران - ایران، اول، ۱۳۷۵ش.
۱۶۴. المحکم والمحیط الأعظم، أبو الحسن علي بن إسماعيل بن سيده المرسي، المحقق: عبد الحميد الهنداوي، دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان، اول، ۱۴۲۱ق.
۱۶۵. المحيط، صاحب بن عباد، عالم الكتاب، بيروت - لبنان، اول، ۱۴۱۴ق.
۱۶۶. مدينة المعاجز، سيّد هاشم بحرانی، مؤسّسة المعارف الإسلامية، بيروت - لبنان، اول، ۱۴۱۳ق.
۱۶۷. مرصد الاطلاع على أسماء الأمكنة والبقاع، صفی الدين البغدادي، دار الجبيل، بيروت - لبنان، اول، ۱۴۱۲ق.
۱۶۸. مروج الذهب، علي بن حسين المسعودي، دار الهجرة، قم - ایران، اول، ۱۴۰۹ق.
۱۶۹. المزار الكبير، محمد بن جعفر المشهدي، المصحح: جواد القيومي الإصفهاني، مؤسّسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرّسين، قم - ایران، اول، ۱۴۱۹ق.
۱۷۰. المسالك والممالك، إصطخری، هيئة العامة لقصور الثقافة، قاهره - مصر، اول، بی تا.
۱۷۱. المبسوط في فقه الإمامية، محمد بن حسن الطوسي، مكتبة المرتضوية، تهران - ایران، اول، ۱۳۸۷ش.
۱۷۲. مستدرکات علم رجال الحديث، نمازی شاهرودی، تهران - ایران، اول، ۱۴۱۴ق.
۱۷۳. مسند الإمام الرضا عليه السلام، عزيز الله عطاردی، مؤسّسه طبع و نشر آستان قدس رضوی، مشهد مقدّس - ایران، اول، ۱۴۰۶ق.
۱۷۴. مشروطه: از آغاز تا سرانجام، مؤسّسه فرهنگي هنري قدر ولايت، مؤسّسه فرهنگي هنري قدر ولايت، قم - ایران، اول، ۱۳۹۳ش.
۱۷۵. مشک فشان، مهدي محمد بيگي، زائر، قم - ایران، اول، ۱۳۸۲ش.

١٧٦. المصباح المنير في غريب الشرح الكبير، أحمد بن محمد الفيومي، الهجرة، قم - إيران، دؤم، ١٤١٤ ق.
١٧٧. معاني الأخبار، محمد بن علي ابن بابويه، دفتر انتشارات اسلامي حوزة علميه قم، قم - إيران، أول، ١٤٠٣ ق.
١٧٨. معجم البلدان، شهاب الدين حموي، دار الصادر، بيروت - لبنان، دؤم، ١٩٩٥ م.
١٧٩. معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرواة، أبو القاسم الخوئي، نشر الثقافة الإسلامية في العالم، قم - إيران، أول، ١٣٧٢ ش.
١٨٠. معجم مقائيس اللغة، ابن فارس، مكتب الأعلام الإسلامي، قم - إيران، أول، ١٤٠٤ ق.
١٨١. معراج السعادة، احمد بن محمد مهدي نراقي، هجرت، قم - إيران، أول، ١٣٨٩ ش.
١٨٢. مفردات ألفاظ القرآن، حسين بن محمد راغب اصفهاني، دار القلم، بيروت - لبنان، أول، بي تا.
١٨٣. مقاتل الطالبين، أبو الفرج اصفهاني، منشورات رضي (زاهدي)، قم - إيران، أول، ١٤٠٥ ق.
١٨٤. مقاله تاريخ ولادت و وفات حضرت معصومه (عليها السلام)، سيد ضياء مرتضوي (جشن نامه آيت الله استادي)، بي تا، قم - إيران، أول، بي تا.
١٨٥. الملل و النحل، محمد بن عبد الكريم شهرستاني، المحقق: محمد بدران، الشريف الرضي، قم - إيران، سؤم، ١٣٦٤ ش.
١٨٦. منازل السائرين، عبدالله بن محمد أنصاري، بيدار، قم - إيران، سؤم، ١٤٢٧ ق.
١٨٧. مناقب آل أبي طالب، ابن شهر آشوب، علامه، قم - إيران، أول، بي تا.
١٨٨. منتهى الآمال، عباس قمي، هجرت، قم - إيران، أول، بي تا.
١٨٩. المنجد في الأعلام، لويس معلوف، ذوى القربى، قم - إيران، سيزدهم، ١٣٨١ ش.
١٩٠. منهج الصادقين، ملا فتح الله كاشاني، نويد اسلام، قم - إيران، أول، ١٣٨٩ ش.
١٩١. موسوعة أحاديث أهل البيت (عليهم السلام)، هادي نجفي، دار إحياء التراث، بيروت - لبنان، أول، ١٤٢٣ ق.
١٩٢. موسوعة سيرة أهل البيت (عليهم السلام)، باقر شريف قريشي، دار المعروف، قم - إيران، أول، ١٤٣٠ ق.
١٩٣. ميزان الحكمة، محمد محمدى رى شهرى، دار الحديث، قم - إيران، أول، ١٤٠٣ ق.
١٩٤. الميزان في تفسير القرآن، سيد محمد حسين طباطبايى، مؤسسه الأعلمي، بيروت - لبنان، دؤم، ١٣٩٠ ق.
١٩٥. ناسخ التواريخ، محمد تقى سپهر، كتابفروشى اسلاميه، تهران - إيران، أول، ١٣٥٣ ش.
١٩٦. نساء النبي، سيد جميلي، دار مكتبة الهلال، بيروت - لبنان، أول، ٢٠٠٣ م.
١٩٧. نسب قريش، مصعب بن عبدالله الزبيري، مصحح: اواريست لوى - پرووانسال، دار المعارف، قاهره - مصر، چهارم، ١٩٩٩ م.

۱۹۸. النفخة العنبرية في أنساب خير البرية، محمد كاظم أبو الفتوح بن سليمان اليماني الموسوي، المحقق: السيد مهدي الرجائي، كتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمه الله، قم - ایران، اول، ۱۴۱۹ق.
۱۹۹. نقض، عبد الجلیل قزوینی رازی، انجمن آثار ملی، تهران - ایران، اول، ۱۳۵۸ش.
۲۰۰. نوادر الأخبار فيما يتعلق بأصول الدين، محمد محسن بن شاه مرتضی فیض کاشانی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران - ایران، اول، ۱۳۷۱ش.
۲۰۱. نور الآفاق وشبهات لأهل النفاق، محمد جواد عبد العظیمی، بی نا، بی جا، اول، ۱۳۴۴ش.
۲۰۲. النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى، أبو جعفر محمد بن الحسن الطوسي، دار الكتاب العربي، بيروت - لبنان، دوم، ۱۴۰۰ق.
۲۰۳. نهج البيان عن كشف معاني القرآن، محمد بن الحسن الشيباني، محقق: حسين درگاهي، الهادي، قم - ایران، اول، ۱۳۷۷ش.
۲۰۴. نهج الفصاحة، ابوالقاسم پاینده، دنیای دانش، تهران - ایران، اول، ۱۴۱۳ش.
۲۰۵. وسائل الشيعة، محمد بن حسن حرّ عاملی، دار الإحياء التراث العربي، بيروت - لبنان، اول، ۱۴۰۳ق.
۲۰۶. الولاة والقضاة، أبو عمر محمد بن يوسف الكندي المصري، بی نا، بی جا، اول، بی تا.
۲۰۷. هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، محمد بن حسن حرّ عاملی، آستان الرضویة المقدسة علیها السلام، مشهد مقدس - ایران، اول، ۱۴۱۴ق.
۲۰۸. یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی رحمه الله، رضا استادی، انجمن علمی، فرهنگی و هنری استان مرکزی، اراک - ایران، اول، ۱۳۷۵ش.